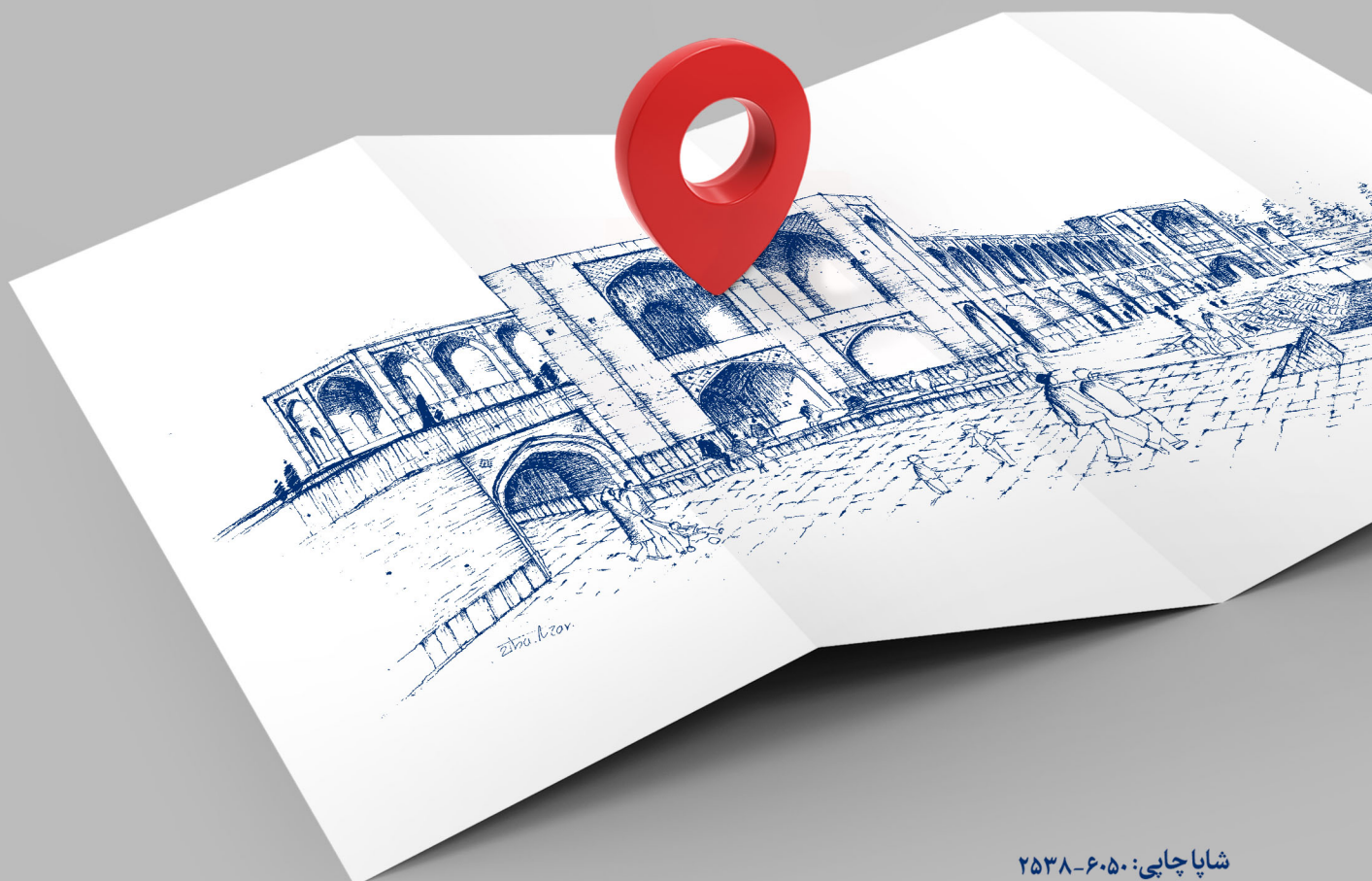


فصلنامه پژوهش های مکانی فضایی

سال پنجم، شماره چهارم، بهار (۲۰)، پاییز ۱۴۰۰



- تبیین اثربخشی ضوابط ومقررات شهرسازی در توسعه پایدار منطقه سه کلانشهر اصفهان
- بررسی تأثیر ارتقاء بخشی و بهسازی در سکونتگاه های غیررسمی (مورد مطالعه زینبیه در اصفهان)
- بررسی شاخص های کمی و کیفی مسکن در شهرستان خمینی شهر
- بررسی وجوه تمایز خانه های آرامنه جلفای اصفهان با خانه های مسلمانان (مطالعه موردی: خانه های خواجه پطرس وسوکیاس)
- تأثیر بیوفیلیک در فضای اداری جهت بهبود سلامت روان
- عوامل مؤثر بر تخریب مراتع و شناسایی راهکارهای حفاظت از آن





فصلنامه علمی پژوهش‌های مکان فضایی

سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، پاییز ۱۴۰۰



مدیر اجرایی: خاطره امیری

مدیر تحریریه: الهام قاسمی

کارشناس اجرایی: ریحانه سجادی

ویراستار ادبی: سعیده هرنندی زاده

ویراستار انگلیسی: رضوان ظفری

طراح جلد و یونیفرم: عرفان غلامی

کروکی روی جلد: زیبا آذر

صفحه آرا: جعفر خدادی

صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: مهدی ژیانپور

سر دبیر: محمد مسعود

دبیر تخصصی: احسان رنجبر

هیئت تحریریه:

نعمت‌الله اکبری، حامد بخشی، فروزنده جعفرزاده‌پور،

علی حسنی، نعمت‌الله فاضلی، محمود قلعه‌نویی،

محمد مسعود، مهدی منتظرالحجه، مرتضی میرغلامی

مقالات این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه خواهد شد:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

سایت اختصاصی: www.jspr.jdisf.ac.ir

ایمیل: jsprjdisf@gmail.com

مجوز شماره ۷۸۵۳۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ISSN: 2538-6050

فهرست مقالات

تبیین اثر بخشی ضوابط و مقررات شهر سازی در توسعه پایدار منطقه سه کلانشهر اصفهان ۵

حمید قدیری مدرس

بررسی تأثیر ارتقاء بخشی و بهسازی در سکونتگاه‌های غیر رسمی (مورد مطالعه زینبیه در

اصفهان) ۱۵

فرناز طاهری، رامین امینی نژاد

بررسی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهرستان خمینی شهر ۲۷

مهدی ابراهیمی بوزانی، جعفر گنجعلی، محمد رضائی

بررسی وجوه تمایز خانه‌های ارمنه جلفای اصفهان با خانه‌های مسلمانان (مطالعه موردی:

خانه‌های خواجه پطرس و سوکیاس) ۴۷

محمد منوچهر

تأثیر بیوفیلیک در فضای اداری جهت بهبود سلامت روان ۵۹

مهدی سادات، غزل فرجامی

عوامل مؤثر بر تخریب مراتع و شناسایی راهکارهای حفاظت از آن ۷۱

آیداالالدین وندی

مجله «پژوهش‌های مکانی فضایی» یکی از چند تلاش سازنده برای معرفی مفهوم «شهرشناسی» و بازسازی حوزه «مطالعات شهری» در مجموعه جهاد دانشگاهی واحد اصفهان است. این هدف‌گذاری از درک یک شکاف برمی‌آید؛ شکاف میان موقعیت این حوزه در جهان و ایران. مطالعات شهری در اوایل قرن بیستم مورد پذیرش دانشگاهی قرار گرفت، و در اوایل دهه ۱۹۷۰ به سرعت گسترش یافت. برخی از صاحب‌نظران نیز بر این عقیده‌اند که حوزه مطالعات شهری هرگز تا این اندازه نیرومند نبوده است. با این وجود در سپهر علمی پژوهشی کشورمان این حوزه هنوز به رسمیت شناخته نشده و عمدتاً به یکی از رشته‌های زیرمجموعه‌اش فروکاسته شده است. مطالعات شهری بر اساس اجماع مراکز معتبر علمی در دنیا حوزه‌ای میان رشته‌ای است که اصلی‌ترین هدفش شناخت و فهم شهرها از دیدگاه‌های علمی و نظری معتبر است. این حوزه میان‌رشته‌ای انجمن‌های حرفه‌ای، مجلات و نظریات خود را دارد و عمدتاً از روش‌های علوم اجتماعی استفاده می‌کند. محققین رشته‌های شهرسازی، معماری، و طراحی شهری همچنین تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و مردم‌شناسی بیشترین دانش مطالعات شهری را تولید کرده‌اند.

مجله «پژوهش‌های مکانی فضایی» با تایید این گزاره که با وجود موضوعات نو و چالش‌برانگیزی که در قرن ۲۱ بوجود آمده است اکنون هم بهترین و هم بدترین زمان برای مطالعه شهرهاست، برای اجتناب از دامن زدن به آشفتگی نظری و روش‌شناختی موجود با تعهد به مرزهای حوزه مطالعات شهری از میان موضوعات بی‌شمار بر مطالعه «فضای شهری» متمرکز خواهد بود. مرکزیت یافتن این موضوع مفهوم مستلزم اعتقاد به پیچیدگی شهر به عنوان یک پدیده چندوجهی با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. بر این اساس تلاش شده است اعضای هیات تحریریه مجله صاحب‌نظرانی متناسب با این ابعاد باشند.

در پایان ضمن دعوت از همه محققین، صاحب‌نظران و فرهیختگان علاقه‌مند به موضوع شهر و حوزه مطالعات شهری به مشارکت مجدانه در انتشار دستاوردهای علمی‌شان، امیدوارم تلاش مجموعه جهاد دانشگاهی و گروه علمی اجرایی مجله منجر به تقویت نگاه میان‌رشته‌ای به موضوعات مختلف از جمله شهر، به رسمیت‌شناسی حوزه مطالعات شهری و مفهوم شهرشناسی و ورود ایده‌ها و رویکردهای جدید به موضوع فضای شهری باشد.

مهدی ژبانیپور
مدیر مسئول

تبیین اثر بخشی ضوابط و مقررات شهر سازی در توسعه پایدار منطقه سه کلانشهر اصفهان

حمید قدیری مدرس^۱

دکترای برنامه ریزی شهری، شهرداری منطقه ۹ اصفهان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش های مکانی فضایی، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۵-۱۳

چکیده

قرار گرفتن در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار محوری ترین اصل جهت تحقق آینده مناسب و مطلوب شهرها و کلانشهرهای کشور است. ضوابط و مقررات شهر سازی مهم ترین مؤلفه شکل دهنده سکونتگاه های شهری است. این امر بیانگر این مطلب است که هرچه اجرای این ضوابط در امر ساخت و ساز بیشتر رعایت گردد، بستر و کالبد سکونتگاه های شهری کیفیت بیشتری پیدا نموده و به تبع آن جلوگیری از موج مهاجرت شهروندان به واسطه عدم رضایت از کیفیت کالبدی محل سکونت انجام می گردد. جلوگیری از مهاجرت نامناسب شهروندان ارتباط مستقیم با حفظ منابع و حرکت به سمت توسعه پایدار دارد. در این پژوهش ضوابط و مقررات شهر سازی به ده مؤلفه ضوابط پیش زدگی و بالکن، ضوابط پارکینگ، ضوابط مسیرهای پیاده، ضوابط ارتفاعات، ضوابط دسترسی و گذر بندی، ضوابط کاربری، ضوابط نما، سیما و منظر شهری، ضوابط مناسب سازی معلولین، ضوابط مساحت و سطح اشغال، ضوابط مشرفیت و فضاهای نورگیری تقسیم بندی و در پرسشنامه شهروندان منعکس گردید. میزان به وسیله پرسشنامه و با طیف لیکرت ۵ گزینه ای مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پرسشنامه با استفاده از آزمون تی تک نمونه نشان داد با توجه به حد متوسط پاسخ ۳، سطح معناداری متغیرها کمتر از ۰/۰۵ بوده و میزان رضایت شهروندان از اجرای ضوابط شهر سازی در منطقه هدف پایین تر از سطح نرمال بوده و این امر باعث افزایش تمایل شهروندان به مهاجرت بی رویه و نهایتاً استفاده بدون برنامه از منابع و امکانات خدادادی به خصوص در صنعت احداث ساختمان برخلاف اصول حرکت در جهت توسعه پایدار می گردد. بنابراین راهکارهای لازم به جهت اثربخشی مطلوب ضوابط و مقررات شهر سازی در منطقه ۳ اصفهان و حرکت به سمت توسعه پایدار می بایست تبیین گردد.

واژگان کلیدی: ضوابط و مقررات شهر سازی، توسعه پایدار، اثر بخشی، رضایتمندی، منطقه سه کلانشهر اصفهان.

۱. نویسنده مسئول: Ha.ghadiri@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

فرآیند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه تغییرات بسیاری در کالبد فیزیکی شهر و ابعاد مختلف زندگی شهروندان به وجود آورده است. با توجه به اینکه هر روز بر جمعیت شهری افزوده می‌شود، چالش‌ها و پیامدهایی بروز می‌یابد (صرافی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). قرار گرفتن در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار محوری‌ترین اصل جهت تحقق آینده مناسب و مطلوب شهرها و کلان‌شهرهای کشور است. بی‌تردید جهان فراروی ما جهانی است که شهرها عرصه‌های اصلی سکونت را تشکیل می‌دهند و هم‌زمان کانون رقابت و هم‌زیستی نسل بشر با تمامی ابزارها و ساز و کارهای سازمانی‌اش می‌باشند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵). در ایران نیز به دنبال افزایش شهرنشینی و سرعت بالای تغییرات در بافت‌های شهری به دلایل مختلف، توجه به کیفیت محیط زیست شهری، بالا بردن رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط سکونتی و پایداری منتج از آن و ارزیابی آن‌ها، ضروری می‌نماید (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۸).

امروزه توسعه پایدار به‌منزله هدفی برای یک دنیای تحت فشار و دارای مشکلات رو به تزاید محسوب می‌گردد که پیش‌زمینه آن، توسعه زیست بوم است. این دیدگاه توسعه زیست بوم را در سطح محلی یا منطقه‌ای توأم با توانایی‌های بالقوه آن فضا و با توجه و تأکید بر بهره‌برداری عقلانی از منابع، کاربرد تکنولوژی و سازمان به‌گونه‌ای که طبیعت و انسان را مورد توجه قرار دهد، تعریف می‌کند (علی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۶).

انتقاد به روش‌های برنامه‌ریزی سال‌های گذشته که نسبت به محیط زیست بی‌توجه بوده‌اند اکثراً در توسعه پایدار مشهود است و تلاش به جهت تعادل بین محیط زیست طبیعی و انسان ساخت هدف اصلی

آن می‌باشد، در ساله‌ای اخیر اکثر شهرهای کشورهای در حال توسعه من‌جمله ایران به‌عنوان کانون تلاقی این دو محیط و توسعه روزافزون با معضلات عدیده‌ای مانند توسعه بی‌هدف کالبدی و افزایش بی‌رویه جمعیت، ازدیاد آلودگی‌های محیطی و ... همراه بوده است. از طرف دیگر پرداختن به مؤلفه‌هایی که مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار را محقق می‌سازد و کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از این مؤلفه‌ها ضوابط و مقررات شهرسازی است. طرح‌های تفصیلی شهری مهم‌ترین ابزار ساماندهی نظام‌مند کالبدی شهرها، محسوب می‌شوند که در مواجهه با نارسایی‌های کالبدی-فضایی شهرهای کشور به کار گرفته می‌شوند (اداره کل مسکن و شهرسازی استان اصفهان، ۱۳۷۲).

ضوابط و مقررات شهرسازی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر شکل شهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که عاملی همچون شکل شهر باید دارای معیارهای مطلوبیت نیز باشد، اندیشمندانی همچون کوین لینچ و سایر پژوهشگران حوزه توسعه پایدار سعی در تدوین و تبیین آن‌ها نموده‌اند. صرف نظر از اینکه آیا این معیارها می‌توانند به‌طور کامل در همه مکان‌ها قابل اندازه‌گیری باشند، لازم است ضوابط و مقررات شهرسازی به‌منظور سنجش میزان هر سویی آن‌ها با معیارهای مطلوبیت شهر، بررسی شود (بندرآباد، ۱۳۸۹: ۱). ضوابط و مقررات محیطی و شهرسازی با توجه به نقش و اهمیت آن در صورتی که به نحو کارآمدی تدوین و به اجرا گذاشته شوند می‌توانند منجر به تحقق شهر خوب و پایدار شوند (صالحی، ۱۳۸۵: ۵۵). بسیاری از برنامه‌های ارائه شده برای بهبود وضعیت کلان‌شهرها مستلزم به کاربرد هزینه‌های زیاد از نظر مالی، اقتصادی، صنعتی و ... می‌باشد لیکن

برجسته نمودن نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در دستیابی شهر به توسعه پایدار نیازمند هزینه گزافی نمی باشد.

اجرای صحیح و مناسب ضوابط شهرسازی باعث کیفیت مطلوب سکونتگاه‌های شهری می گردد. ارتباط میان اجرای صحیح ضوابط و مقررات شهرسازی و کیفیت محلات شهری، یک ارتباط دو سویه مستقیم است. کیفیت مطلوب سکونتگاه‌های شهری باعث عدم مهاجرت بی رویه جمعیت شهری و استفاده ناصحیح از منابع و امکانات به خصوص جهت ساخت بی رویه و بدون برنامه مسکن می گردد. موضوع و مسائل شهرسازی همواره از منظر، پیچیده ترین مسائل حقوقی نیز به شمار می روند؛ زیرا جامعه شهری یک توده، منافع رقابت آمیز و متضاد است. برخورد گسسته با این منافع فقط به بی نظمی و هرج و مرج می انجامد (پاکساز و صادقی، ۱۳۸۷: ۱۴). در نهایت به جاست اگر بگوییم بررسی نحوه صحیح اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی در مناطق مختلف شهری رابطه مستقیم با سوق دادن آن منطقه به سمت توسعه پایدار دارد.

در این پژوهش فرضیه اصلی مطلوب نبودن اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی در ناحیه ۳ اصفهان می باشد. جهت سنجش کیفیت اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی، این ضوابط به ده مؤلفه ضوابط پیش زدگی و بالکن، ضوابط پارکینگ، ضوابط مسیرهای پیاده، ضوابط ارتفاعات، ضوابط دسترسی و گذر بندی، ضوابط کاربری، ضوابط نما و سیما و منظر شهری، ضوابط مناسب سازی معلولین، ضوابط مساحت و سطح اشغال، ضوابط مشرفیت و فضاهای نورگیری تقسیم بندی گردید. سپس با انعکاس میزان رضایت شهروندان از اجرای این ضوابط، نتیجه گیری

می گردد آیا اجرای این ضوابط در حال حاضر منطقه مورد پژوهش را به سمت توسعه پایدار سوق می دهد یا خیر.

روش پژوهش

روش این پژوهش با توجه به هدف کاربردی و با توجه به ماهیت توصیفی - تحلیلی می باشد. همچنین روش نمونه گیری در پژوهش حاضر با توجه به نوع تکمیل پرسشنامه‌ها، نمونه گیری تصادفی ساده و خوشه‌ای می باشد.

نمونه‌ها به سه روش کلی انتخاب می شوند. روش احتمالی که از ارزش علمی برخوردار است و به روش تصادفی موسوم است و روش غیر احتمالی که به روش وضعی معروف است و بالاخره روش کارشناسی یا دلفی. نمونه‌های احتمالی ساده در تحقیقات توصیفی، همبستگی، علی و تجربی، زمینه یاب استفاده می شود و به سادگی قابل انجام است (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۶). روش تجزیه و تحلیل کمی بوده و اطلاعات به دست آمده از پرسش نامه به نرم افزار SPSS وارد شده و ارتباط آن‌ها با استفاده از روش‌های توصیفی و استنباطی (آزمون‌های همبستگی و آزمون T، رگرسیون) مورد بررسی قرار گرفته است.

دلیل انتخاب این منطقه به عنوان جامعه هدف پژوهش، میزان مساحت و جمعیت و همچنین بومی بودن این منطقه در کلانشهر اصفهان است. منطقه ۳ شهر اصفهان در دهه‌های اخیر با پدیده هجوم و جایگزینی مواجه بوده است. بر اساس فرمول کوکران، جامعه آماری تعداد ۳۸۴ نفر از شهروندان منطقه سه با سن بالای ۲۰ سال در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انتخاب گردیدند. به وسیله ابزار اندازه گیری پرسشنامه میزان رضایتمندی شهروندان از ده ضابطه جهت سنجش و برآورد پاسخ سؤال تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره (۱): طبقه بندی گزاره‌های مربوط به ضوابط شهرسازی در این پژوهش

عنوان ضوابط	کد	گزاره‌های مرتبط
ضوابط ارتفاعات	A1	مناسب بودن تعداد طبقات ساختمان‌ها
	A2	مناسب بودن جمعیت محل سکونت و عدم وجود ازدحام
	A3	وجود نور کافی خورشید و زاویه تابش مطلوب
	A4	مناسب بودن خط آسمان و آسایش بصری
ضوابط دسترسی و گذر بندی	B1	مناسب بودن عرض معابر برای تردد عابرین
	B2	مناسب بودن عرض معابر برای تردد خودروها
	B3	عرض مناسب معابر برای امداد رسانی در مواقع بحران (زلزله، سیل، آتش سوزی)
	B4	عدم وجود پله پلاک‌ها درون گذر
	B5	نسبت مناسب فضای گذرها با ارتفاع ساختمان‌های منطقه سکونت
ضوابط پارکینگ	C1	فضای مناسب جهت پارک ماشین در منزل
	C2	فضای مناسب جهت پارک ماشین در کوچه
	C3	امکان تردد راحت ساکنین هنگام پارک شدن اتومبیل درون منزل
	C4	عدم وجود درب ماشین رو در پتخ پلاک‌ها و عدم وجود درب سرتاسری پلاک
	C5	عدم باز شدن درب پلاک‌ها به درون گذر
ضوابط پیش زدگی و بالکن	D1	مناسب بودن میزان عمق بالکن‌های درون گذر در محل سکونت
	D2	ارتفاع مناسب بیرون زدگی ساختمان‌ها از کف گذر
	D3	عدم ممانعت بالکن‌های درون گذر از تردد خودروها
	D4	عدم برخورد بالکن‌ها با درختان و اشجار درون گذر منطقه سکونت
ضوابط کاربری	E1	عدم وجود مغازه و کارگاه مزاحم در محیط مسکونی محل سکونت
	E2	فاصله مناسب محل سکونت تا مراکز آموزشی همانند دبستان، دبیرستان، کتابخانه و فرهنگسرا
	E3	مساحت مناسب مراکز آموزشی منطقه سکونت برای جمعیت استفاده کننده
	E4	فاصله مناسب محل سکونت تا مراکز بهداشتی درمانی همانند درمانگاه و بیمارستان
	E5	مساحت مناسب مراکز بهداشتی درمانی منطقه سکونت برای جمعیت استفاده کننده
	E6	فاصله مناسب محل سکونت تا فضاهای سبز شهری همچون پارک‌ها و بوستان شهری
	E7	مساحت مناسب فضاهای سبز شهری محل سکونت برای جمعیت استفاده کننده
	E8	فاصله مناسب محل سکونت تا باشگاه‌ها و مراکز ورزشی
	E9	مساحت مناسب مراکز ورزشی منطقه سکونت برای جمعیت استفاده کننده
ضوابط نما و سیما شهری	F1	رنگ مناسب نمای ساختمان‌ها و عدم وجود رنگ‌های نامطلوب در نما در محل سکونت
	F2	منظر شهری مناسب در اثر همخوانی نماها
	F3	هماهنگی مصالح استفاده شده در نمای ساختمان‌های محل سکونت
	F4	عدم وجود اغتشاشات بصری همچون دودکش، تأسیسات برقی، ناودان در نمای ساختمان‌های محل سکونت
ضوابط مناسب سازی معلولین	G1	امکان ورود معلول با ویلچر از درون گذر به خانه
	G2	امکان تردد و ورود راحت فرد معلول به داخل واحدهای مسکونی محل سکونت
ضوابط مسیره‌ای پیاده	H1	کف سازی مناسب پیاده‌روها
	H2	عرض مناسب پیاده روها جهت تردد عابرین
	H3	وجود فضای مناسب عبور دوچرخه و موتورسیکلت
	H4	شیب مناسب پیاده روهای محل سکونت جهت هدایت آب باران در مواقع بارندگی
	H5	وجود درختان و فضای سبز مناسب در مجاورت پیاده روها

عنوان ضوابط	کد	گزاره‌های مرتبط
ضوابط مشرفیت و فضاها و نورگیری	I1	مناسب بودن نورگیری فضاها و محصور درون منزل از داکت‌ها و نورگیرها
	I2	عدم اشرفیت و دید از درون گذر به داخل پلاک
	I3	عدم وجود دید و مشرفیت از درون پلاک به حیاط و فضاها و خصوصی ساختمان‌های مجاور
	I4	عدم استفاده از شیشه‌های مات و دودی و رفلکس جهت رفع مشرفیت پنجره‌های پلاک‌ها
ضوابط مساحت و سطح اشغال	J1	مساحت و متراژ مناسب واحد مسکونی
	J2	متراژ مناسب حیاط یا تراس یا ایوان (فضای باز) محل سکونت
	J3	وجود باغچه یا فضای سبز ریشه دار با متراژ مناسب در منزل
	J4	وجود لابی یا فضای ورودی ساختمان با متراژ مناسب
	J5	تناسب مساحت کل زمین با تعداد طبقات ساختمان محل سکونت
	J6	متراژ مناسب دستگاه پله محل سکونت جهت تردد ساکنین
	J7	متراژ مناسب سرویس بهداشتی و حمام منزل

جدول شماره (۲): رویایی و پایایی گویه‌های پرسشنامه

مؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ (بالای ۰/۷)	پایایی ترکیبی (بالای ۰/۷)
ضوابط نما و سیما و منظر شهری	۰/۹۷۳	۰/۹۶۹
ضوابط ارتفاعات	۰/۹۴۴	۰/۹۱۰
ضوابط دسترسی و گذر بندی	۰/۹۱۸	۰/۹۳۲
ضوابط مساحت و سطح اشغال	۰/۸۹۰	۰/۹۳۹
ضوابط مسیرهای پیاده	۰/۸۲۷	۰/۹۵۹
ضوابط مشرفیت و فضاها و نورگیری	۰/۹۲۸	۰/۹۰۹
ضوابط مناسب سازی معلولین	۰/۹۱۳	۰/۹۸۰
ضوابط پارکینگ	۰/۷۹۵	۰/۹۳۰
ضوابط پیش زدگی و بالکن	۰/۸۱۷	۰/۹۵۱
ضوابط کاربری	۰/۹۰۹	۰/۹۲۷

میانگین آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برای بررسی پایایی ۰/۹۳ و رویایی پرسشنامه به صورت صوری از دیدگاه متخصصان ۰/۸۱ به دست آمد.

موقعیت جغرافیایی منطقه ۳ شهر اصفهان (Isfahan District)

این منطقه دارای وسعت ۱۱۵۲ هکتار در قسمت مرکز کلانشهر اصفهان واقع شده است. از نظر محدوده قانونی از سمت شمال منتهی به فلکه شهدا در مسیر خیابان مدرس تا میدان قدس - خیابان سروش تا میدان احمد آباد و از سمت شرق منتهی به میدان احمد آباد تا میدان بزرگمهر و از سمت جنوب منتهی به میدان بزرگمهر در مسیر زاینده‌رود تا میدان انقلاب و از سمت غرب منتهی به میدان انقلاب تا فلکه شهدا می‌باشد. بر اساس سرشماری‌های وزارت کشور جمعیت این منطقه در سال ۱۳۹۵ شامل ۳۳۸۱۱۰ نفر بوده است (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۶).

میانگین آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برای بررسی پایایی ۰/۹۳ و رویایی پرسشنامه به صورت صوری از دیدگاه متخصصان ۰/۸۱ به دست آمد.

موقعیت جغرافیایی منطقه ۳ شهر اصفهان (Isfahan District)

این منطقه دارای وسعت ۱۱۵۲ هکتار در قسمت مرکز کلانشهر اصفهان واقع شده است. از نظر محدوده قانونی از سمت شمال منتهی به فلکه شهدا در مسیر خیابان مدرس تا میدان قدس - خیابان سروش تا میدان احمد آباد و از سمت شرق منتهی به میدان احمد آباد تا میدان بزرگمهر و از سمت جنوب منتهی به میدان بزرگمهر در مسیر زاینده‌رود تا میدان انقلاب و از سمت غرب منتهی به میدان انقلاب تا فلکه شهدا می‌باشد. بر اساس سرشماری‌های وزارت کشور جمعیت این منطقه در سال ۱۳۹۵ شامل ۳۳۸۱۱۰ نفر بوده است (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۶).

جدول شماره (۳): مقایسه میانگین رضایتمندی شهروندان منطقه ۳ از اجرای ضابطه‌ها با حد متوسط با استفاده از آزمون تی تک نمونه

نام منطقه	نام ضوابط	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
منطقه سه	ضوابط ارتفاعات	۲/۴۳	۰/۹۱	-۷/۷	۰/۰۰۰۱
	ضوابط دسترسی و گذر بندی	۲/۰۷	۰/۹۸	-۶/۸	۰/۰۰۰۱
	ضوابط پارکینگ	۱/۸۲	۰/۹۴	-۷/۲	۰/۰۰۰۱
	ضوابط پیش زدگی و بالکن	۲/۷۵	۰/۹۳	-۶/۹	۰/۰۰۰۱
	ضوابط کاربری	۱/۸۷	۰/۹۰	-۷/۸	۰/۰۰۰۱
	ضوابط نما و سیما و منظر شهری	۲/۸۶	۰/۹۶	-۶/۵	۰/۰۰۰۱
	ضوابط مناسب سازی معلولین	۲/۱۱	۰/۹۷	-۷/۳	۰/۰۰۰۱
	ضوابط مسیرهای پیاده	۲/۱۹	۰/۹۲	-۶/۹	۰/۰۰۰۱
	ضوابط مشرفیت و فضاهای نورگیری	۲/۷۴	۰/۹۶	-۷/۰	۰/۰۰۰۱
	ضوابط مساحت و سطح اشغال	۲/۲۱	۰/۹۹	-۶/۳	۰/۰۰۰۱

نتایج و بحث

همان طور که در جدول فوق دیده می‌شود میانگین رضایت شهروندان منطقه سه در مورد اجرای ضوابط کمتر از عدد ۳ است، همچنین سطح معناداری همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین میانگین متغیرها در منطقه سه با حد متوسط (۳) اختلاف معنادار دارد و کمتر از حد متوسط است. بیشترین رضایت با میزان ۲/۸۶ مربوط به اجرای ضوابط نما و سیما و منظر شهری و کمترین رضایت با میزان ۱/۸۲ مربوط به اجرای ضوابط پارکینگ می‌باشد.

نتیجه گیری

با توجه به تأیید فرضیه مقاله و قرار نداشتن اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی در سطح مطلوب در منطقه سه می‌توانیم بگوییم کیفیت کالبدی سکونتگاه‌ها و محلات این منطقه تا حد نرمال فاصله داشته و این امر بیانگر این است که وضعیت موجود اجرای ضوابط

بررسی اثربخشی اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی در توسعه پایدار منطقه سه کلانشهر اصفهان

فرضیه پژوهش: میزان رضایتمندی شهروندان از اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی در منطقه سه شهر اصفهان در سطح مطلوبی قرار ندارد.

با استفاده از آزمون تی تک نمونه این فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که پاسخ سؤالات پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه می‌باشد (بسیار کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، بسیار زیاد=۵) بنابراین حد متوسط پاسخ برابر با ۳ می‌باشد و اگر افراد نمونه بیشتر از حد متوسط پاسخ داده باشند می‌توان نتیجه گرفت که متغیرها در سطح مطلوبی قرار دارند؛ بنابراین با استفاده از آزمون تی تک نمونه میانگین متغیرها با عدد ۳ مقایسه شد. نتایج در جدول زیر آورده شده است.

شهرسازی در این منطقه می‌تواند تمایل شهروندان به مهاجرت را افزایش بدهد. افزایش مهاجرت باعث استفاده بی‌رویه از منابع و امکانات به‌خصوص در زمینه ساخت مسکن و برآورده نشدن توسعه پایدار در این منطقه می‌گردد.

برای اثربخش نمودن ضوابط و مقررات شهرسازی در توسعه پایدار منطقه سه کلانشهر اصفهان بنا بر اعلام نظر شهروندان این منطقه باید به ترتیب و مطابق الگوی زیر به رعایت روز افزون این ضوابط پرداخت:

الگوی اجرای ضوابط شهرسازی در منطقه سه

(۱- ضوابط پارکینگ، ۲- ضوابط کاربری، ۳- ضوابط دسترسی و گذربندی، ۴- ضوابط مناسب سازی معلولین، ۵- ضوابط مسیرهای پیاده، ۶- ضوابط مساحت و سطح اشغال، ۷- ضوابط ارتفاعات، ۸- ضوابط مشرفیت و فضاهای نورگیری، ۹- ضوابط پیش زدگی و بالکن، ۱۰- ضوابط نما و سیما و منظر شهری).

پیشنهادات راهبردی همسو با فرضیه پژوهش

مهم‌ترین پیشنهادات جهت هدایت ضوابط و مقررات شهرسازی در چارچوب حرکت منطقه به سمت توسعه پایدار جلوگیری از نقض هرکدام از ضوابط می‌باشد که به تفصیل در ذیل بیان می‌گردند:

موارد نقض ضوابط پارکینگ

هرگونه صدور مجوز احداث بناهای مسکونی و تجاری و سایر کاربری‌ها بدون تأمین پارکینگ و اخذ وجه و پول تحت عنوان جریمه کسری پارکینگ توسط مرجع صدور پروانه.

صدور گواهی پایان کار برای پلاک‌هایی که با انجام تخلفات ساختمانی به‌خصوص تخلفات تبدیل، مشمول کسری پارکینگ گردیده‌اند و اخذ و دریافت جریمه بابت عدم تأمین پارکینگ.

موارد نقض ضوابط کاربری

هرگونه تغییر بهره برداری و نحوه استفاده از زمین توسط مراجع صدور پروانه بر خلاف طرح‌های شهری مصوب.

دریافت وجه در قبال تخلفات تغییر کاربری زمین‌ها و بهره برداری از مستحدثات بر خلاف آنچه مشاورین طرح‌های تفصیلی به‌واسطه جمعیت و ایجاد سرانه‌های مطلوب به‌عنوان کاربری عرصه در نقشه‌های طرح‌های شهری لکه گذاری نموده‌اند بخصوص تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و مسکونی.

اولویت بندی کاربری زمین‌ها توسط شهرداری با یا بدون استعلام از مراجع طرح‌ها جهت تغییر کاربری و صدور مجوز که متأسفانه امروزه حالت عرف و رسمی پیدا نموده است.

کاهش متراژ عرصه کاربری‌هایی که به فضاهای اوقات فراغت شهروندان اختصاص داده شده است و در زمان صدور پروانه این‌گونه کاربری‌ها مدافع (شخص حقیقی یا حقوقی) ندارند همانند کاربری‌های ورزشی، فضای سبز، فرهنگی تفریحی و سایر کاربری‌ها.

موارد نقض ضوابط گذربندی

هرگونه اغماض در برابر عدم رعایت تعریض گذر توسط پلاک‌هایی که تخریب و نوسازی می‌گردند و دریافت جریمه برای چشم پوشی از تجاوز حدود اربعه ملک به شوارع عام.

تقلیل و کاهش عرض گذرهای مصوب که بنا به تشخیص مشاورین طرح‌های تفصیلی و توسعه شهری و با توجه به طول معابر در نظر گرفته شده است.

هرگونه تغییر بدون کارشناسی در خطوط بدنه

مصوب نقشه‌های طرح تفصیلی.

بهداشتی، حمام و آشپزخانه جهت کاربری مسکونی).

❖ تأیید نقشه‌های معماری با جانمایی و لکه گذاری نامناسب ریز فضاهای کاربری مورد نظر.

❖ تأیید نقشه‌های معماری با هم‌جواری و سیرکولاسیون نامناسب ریز فضاهای کاربری مورد نظر.

موارد نقض ضوابط ارتفاعات

❖ هرگونه تراکم فروشی و صدور مجوز سقف مازاد بر کد ارتفاعی مصوب طرح تفصیلی مناطق.

❖ صدور پروانه ساخت صرفاً بر اساس کد ارتفاعی منطقه بدون در نظر گرفتن میزان مساحت پلاک.

❖ صدور مجوز ارتفاع گیری پلاک‌ها در حد کد ارتفاعی مناطق و بدون در نظر گرفتن حداقل عرض معابر و عدم امکان تردد ماشین‌های آتش نشانی در مواقع آتش سوزی و به استناد عدم وجود منع قانونی حقوق مجاورین ملک متقاضی.

موارد نقض ضوابط مشرفیت و فضاهای نورگیری

❖ صدور گواهی پایان کار بدون کنترل مشرفیت بازشوهای ملک بر پلاک‌های مجاورین در زمان صدور پایان‌کار.

❖ تأیید نقشه‌های معماری بدون تأمین فضاهای نورگیری کافی جهت اخذ پروانه ساختمانی.

❖ تأیید نقشه‌های معماری بدون تعیین محل و جانمایی نامناسب ریزفضاها جهت نورگیری در زمان صدور پروانه ساختمانی.

موارد نقض ضوابط پیش زدگی و بالکن

❖ صدور مجوز برای پیش زدگی درون گذرهای با عرض کمتر از حد نصاب ضوابط طرح‌های تفصیلی برای احداث بالکن خارج از عرصه پلاک‌ها.

❖ صدور پروانه تعمیری برای پلاک‌هایی که دارای تعریض هستند و نیز انجام تعمیرات اساسی به‌خصوص در تغییر نماسازی پلاک‌ها با پروانه تعمیری و بدون انجام تعریض ملک.

موارد نقض ضوابط مناسب سازی معلولین

❖ تأیید نقشه‌های معماری بدون در نظر گرفتن الگوهای مناسب سازی معلولین همچون احداث رمپ ویلچررو.

❖ صدور گواهی پایان‌کار بدون کنترل رعایت الزامات سهولت تردد معلولین جسمی و حرکتی به درون پلاک‌ها.

موارد نقض ضوابط پیاده‌رو سازی

❖ عدم جلوگیری از تصرف معابر و پیاده روها در زمان ساخت پلاک‌ها توسط سازندگان و مجریان امر ساخت و ساز.

❖ صدور پایان کار برای پلاک‌هایی که در زمان ساخت اقدام به کف سازی مناسب و پیاده رو سازی و یا آسفالت مناسب گذرهای عمومی در مجاورت ملک ننموده‌اند.

موارد نقض ضوابط مساحت و سطح اشغال

❖ صدور پروانه‌های ساختمانی با سطح اشغال وزیر بنای مازاد بر ضوابط طرح تفصیلی در قبال اخذ پول و با استناد به رضایت نامه کتبی مجاورین پلاک متقاضی.

❖ تأیید نقشه‌های معماری بدون در نظر گرفتن مساحت مورد نیاز واحدهای مسکونی و تجاری و سایر کاربری‌ها جهت صدور پروانه.

❖ تأیید نقشه‌های معماری با مترائ نامتناسب ریز فضاهای مربوط به کاربری پلاک (همانند مترائ نامناسب دستگاه پله، اتاق خواب، سرویس

❖ صدور گواهی پایانکار در قبال اخذ وجه از پلاک‌هایی که به‌صورت خلاف اقدام به احداث بالکن در گذرهای با عرض کم نموده‌اند و یا ارتفاع لازم از کف گذر برای احداث بالکن را در نظر نگرفته‌اند.

موارد نقض ضوابط نما و سیما و منظر شهری

❖ تأیید طرح نمای پلاک‌ها با مصالح غیر بوم آورد و بر خلاف اصول اختلاط مصالح و نیز رنگ نامناسب مصالح تأیید شده در ضوابط و طرح‌های مطلوب سازی سیما و منظر شهری.

❖ تأیید طرح نمای پلاک‌ها نامتناسب با شرایط محیطی و کلبدی و اقلیمی شهر اصفهان.

❖ اخذ وجه جریمه جهت صدور پایانکار پلاک‌هایی که نسبت مناسب اختلاط مصالح را رعایت نموده‌اند همانند نماهای تمام سنگ و نماهای رومی و با نقوش خاص.

❖ صدور پایانکار برای پلاک‌هایی که در نمای آن‌ها از مصالح غیراستاندارد قابل اشتعال استفاده شده است در ازای دریافت جریمه.

فهرست منابع

- اداره کل مسکن و شهرسازی استان اصفهان (۱۳۷۲).
طرح تفصیلی شهر اصفهان: ضوابط ساختمانی و شهرسازی.

- بندرآباد، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ضوابط شهرسازی بر شکل شهر تهران. مجله نظر، سال ۲، شماره ۹، صص ۱۰-۱۳.

- پاکساز، مجید و صادقی، افسانه (۱۳۸۷). بررسی صدور پروانه ساختمانی با تحلیلی بر ارزش واگذاری امتیاز تراکم مازاد. همایش مالی شهرداری‌ها.

- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. انتشارات سمت، چاپ

نوزدهم.

- رفیعیان، مجتبی؛ مسعودی راد، ماندانا، رضایی، مریم و مسعودی راد، مونا (۱۳۹۳). سنجش میزان رضایتمندی ساکنان از کیفیت سکونت مسکن مهر (مورد شناسی مسکن مهر زاهدان). جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، سال ۴، پائیز ۱۳۹۳، شماره ۱۲، صص ۱۳۵-۱۵۰.

- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۵). نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی تهران). نشریه محیط شناسی، دوره ۳۲، شماره ۴۰، صص ۶۲-۵۱.

- صرافسی، مظفر؛ توکلی نیا، جمیله؛ چمنی مقدم، مهدی (۱۳۹۳). جایگاه برنامه ریز در فرایند برنامه ریزی شهری، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۱۹-۳۲.

- ضرابی، اصغر؛ علی زاده، جابر، رنجبرنیا، بهزاد، کاملیفر، محمدجواد و احمدیان، مهدی (۱۳۹۴). ارزیابی سطح رضایت شهروندان از کیفیت محیط شهری نمونه موردی مناطق شهری ده‌گانه کلانشهر تبریز. نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۹، شماره ۵۱، تبریز.

- علی زاده، کتابون (۱۳۸۲). اثرات حضور گردشگران بر منابع زیست محیطی، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۵، شماره ۱، صص ۵۶.

بررسی تأثیر ارتقاء بخشی و بهسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: زینیه در اصفهان)

فرناز طاهری^۱

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران

رامین امینی نژاد

استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۱۵ - ۲۶

چکیده

این تحقیق با نگرشی کمی- کیفی انجام شده و عمدتاً توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بهره‌گیری از روش‌های آماری، روش اسنادی-کتابخانه‌ای و پیمایش است. در مطالعات اسنادی از منابع داخلی و خارجی موجود در رابطه اسکان غیررسمی و ارتقاء بخشی و بهسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی و گزارش‌ها و طرح‌های موجود درباره محله زینیه استفاده گردیده است. همچنین در مطالعات پیمایشی و میدانی نیز از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده وضعیت کالبدی- اجتماعی و اقتصادی محله زینیه استفاده شده است. پس از استخراج جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ پرسشنامه در بین ساکنین محله زینیه و ۱۵ پرسشنامه در بین کارکنان سازمان‌های ذی‌ربط شهری (شهرداری مناطق اصفهان، سازمان عمران و بهسازی شهری اصفهان) تکمیل شده و داده‌های به دست آمده در نرم‌افزار تحلیل آماری Spss مورد آزمون قرار گرفتند که جهت آزمون داده‌ها نیز از آزمون آماری اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس نتایج در فرضیه اول؛ همبستگی اسپیرمن بین متغیر مشارکت محوری و ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینیه در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی دار وجود دارد شدت رابطه بین متغیرها برابر ۸۴۵/۰ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین متغیر است یعنی مشارکت محوری عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینیه اصفهان است. در فرضیه دوم؛ همبستگی اسپیرمن بین متغیر آگاه سازی و ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینیه در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی دار وجود دارد شدت رابطه بین متغیرها برابر ۹۲۱/۰ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین متغیر است یعنی آگاه سازی عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینیه اصفهان است. در فرضیه سوم؛ همبستگی اسپیرمن بین متغیر نهاد سازی و ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینیه در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی دار وجود دارد شدت رابطه بین متغیرها برابر ۸۹۲/۰ است که

۱. نویسنده مسئول: faataaheri@gmail.com

نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین متغیر است یعنی نهاد سازی عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان است. در فرضیه چهارم؛ همبستگی اسپیرمن بین متغیر رضایت ساکنین و ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی دار وجود دارد شدت رابطه بین متغیرها برابر ۸۷۸/۰ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین متغیر است یعنی رضایت ساکنین عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان است.

واژگان کلیدی: توانمندی، ارتقاء بخشی و بهسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی، محله زینبیه در اصفهان.

از همان ابتدای ظهور پدیده اسکان غیررسمی به

فراخور زمان و بنا به شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز نگرش‌های حاکم، رویکردهای مختلفی برای حل مسأله در دستور کار قرار گرفت، به طوری که پس از شکست نگرش لیبرالیستی و کارکردگرایانه در اواخر دهه ۱۹۸۰ رهیافت توانمندسازی مطرح گردید که این رویکرد افراد ساکن در این نوع سکونتگاه‌ها را نه به عنوان یک معضل بلکه به عنوان یک دارایی اجتماعی نگریسته و ارتقای وضعیت اجتماعی اقتصادی آن‌ها را با نقش تسهیلگر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید (جوان، ۱۳۹۲: ۳۲).

در ایران نیز با توجه مسائلی که در زمینه اسکان غیررسمی برای کلانشهرها و حتی شهرهای میانی به وجود آمده است رویکردهایی در قبال حل مسأله مورد توجه قرار گرفته است و حتی در مواردی سیاست تخلیه و تخریب در برخی کلان‌شهرهای ایران نیز به چشم می‌خورد اما به موازات توسعه رویکردهای حل این مسأله، تجارب جهانی و همچنین مداخله بانک جهانی در رابطه با اسکان غیررسمی در ایران رویکردهایی به مراتب مناسب‌تر برای حل مسأله تعریف شده است. یکی از این رویکردهایی که در کشور ما مورد توجه بوده است رویکرد ارتقاء بخشی و بهسازی است.

مقدمه و بیان مسئله

با تمرکز فقر در شهرها در طول چند قرن اخیر و به موازات صنعتی شدن جهان، مشکل نابرابری خدمات‌رسانی و مسکن پر ازدحام به مثابه جنبه‌ای نامطلوب از زندگی شهری نمایان گشت؛ در واقع چنین روندی با عینیت یافتن جنبه‌های کالبدی فقر در قالب محله‌های فقیر نشین و اسکان غیررسمی به مشخصه اکثر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه بدل شده است. در واقع اسکان غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از افراد کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون: سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و محلات آلودگی نامیده می‌شود. این پدیده محصول سر برآوردن و بالیدن نظام سرمایه‌داری است. مسئله‌هایی که به غلط و گاه به اصرار حاشیه‌نشینی نیز خوانده می‌شود (پیران، ۱۳۹۲: ۷)؛ بنابراین محیط زندگی این سکونتگاه‌ها پذیرای نابهنجاری‌ها و برانگیزاننده آسیب‌های اجتماعی است که گاه در استدلالی وارونه، علت پیدایش این سکونتگاه‌ها قلمداد می‌شوند (صرافی، ۱۳۹۲: ۳).

مهم‌ترین مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از:

- دارایی مبنای بودن در برابر نیاز- مبنایی
 - فرآیندگرایی در برابر فرآورده‌گرایی
 - اجتماع محور در برابر پروژه محور
 - انکشاف منابع درونی در برابر تزریق منابع بیرونی
 - تسهیلگری دوسویه در برابر تأمین‌کنندگی
- یک‌سویه (صرافی، ۱۳۹۲: ۳۵).

بنابراین می‌توان گفت ارتقاء بخشی و بهسازی اجتماع محلی عبارت است از: مجموعه اقداماتی جهت مشارکت افراد و گروه‌های فقیر در جریان سیاست و تصمیم‌گیری در جامعه شهری ارگانیک است؛ مشارکتی که بر اساس گفتگوی دو جانبه شکل می‌گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد و باعث ورود آن به حوزه عمومی می‌شود. این رویکرد در برنامه‌ریزی برای کاهش فقر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مجموعه اقداماتی را در بر می‌گیرد که منجر به شکوفایی قابلیت‌ها و خلاقیت‌های فردی برای ارتقاء وضعیت موجود به وضعیت بهتر شود (همان: ۳۸). در ایران پدیده اسکان غیررسمی با توسعه شهرنشینی شتابان به وجود آمد و رشد آن عمدتاً به دهه‌های بعد از ۱۳۲۰ برمی‌گردد. هر چند متأسفانه آمار دقیقی از جمعیت اسکان غیررسمی در ایران وجود ندارد و این برآورد بر اساس برآورد ۸۵ میلیون نفری کارشناسی مبتنی بر مطالعات پراکنده به‌ویژه گزارشات تهیه شده در مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۷۴ تحت عنوان «اسکان غیررسمی در ایران و آثار و پیامدهای آن بر شهرها می‌باشد» (طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی اصفهان، مهندسین مشاور، ۱۳۹۸: ۹).

که با این پدیده دست به‌گیریان است. بر اساس گزارش دبیرخانه ستاد ملی ساماندهی و بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، ۵۱/۶ درصد از مساحت کلانشهر اصفهان را سکونتگاه‌های غیررسمی به خود اختصاص داده و جمعیتی بالغ بر ۱۹۱/۰۰۰ نفر در آن ساکن هستند که به‌طور کامل در محدوده شهری قرار دارند؛ بنابراین پس از مطالعه و بررسی در محلات فقیرنشین شهر اصفهان مشاور طرح (مهندسین مشاور) در سال ۱۳۹۹، ۵۱ پهنه توانمندسازی در شهر اصفهان شناسایی کرده که از این ۵۱ پهنه ۱۲ محله اولویت‌دار تا مرحله پنجم مطالعات نشان انجام شده است. حال با توجه به‌عنوان طرح که توانمندسازی است و تبیینی که از رویکرد ارتقاء بخشی و بهسازی ارائه شد.

با توجه به‌قرار داشتن اکثر محله‌های در محدوده شهر اصفهان و شناخته شدن آن به‌عنوان محدوده اسکان غیررسمی این محله دچار معضلات و مشکلاتی مختص به خود است که در مرحله اول تبعات منفی را برای ساکنان این محله ایجاد و در مرحله بعد شهر اصفهان را با مسائل عدیده روبرو ساخته است لذا در راستای رفع و حل این معضلات ستاد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با کمک نهادهای مسئول از جمله سازمان مسکن سازان عمران اصفهان سعی در ارائه طرح ارتقاء بخشی و بهسازی سکونتگاه‌های این محله‌ها داشته است در نتیجه این تحقیق فرصتی است برای پاسخ به سؤالات و نواقص موجود در فازهای مختلف طرح و ارائه راهکارها و پیشنهادها در جهت تحقق هر چه کارآمدتر طرح‌ها، با توجه به اینکه توانمند شدن ساکنان محله در گرو ارتقای معیارهای کمی و کیفی زندگی در محله است.

اهداف

- ارزیابی میزان تأثیر ارتقاء بخشی و بهسازی در

شهر اصفهان نیز به‌عنوان یک کلانشهر دیر زمانی است

سکونتگاه غیررسمی زینبیه در اصفهان

- شناسایی عوامل و موانع کند کننده، تسهیل و تسریع کننده تحقق طرح توانمندسازی محله جهت ارتقای شاخص‌های توانمندسازی به طور عام و در محله زینبیه در اصفهان

- شناسایی موانع تحقق طرح توانمندسازی و ارائه راهکارهای اجرایی در جهت بهبود شرایط آن.

سؤال‌ها و فرضیه‌ها

- زینبیه در اصفهان به‌عنوان یکی از ارکان اجرای طرح با چه اهدافی احداث و تا چه میزان در ارتقاء بخشی و بهسازی ساکنین مؤثر واقع شده است؟

با توجه با سؤالات مطرح شده فرضیات زیر نیز مطرح گردید:

- به نظر می‌رسد مشارکت محوری عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد.

- به نظر می‌رسد آگاه‌سازی عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد.

- به نظر می‌رسد نهاد سازی عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد.

- به نظر می‌رسد رضایت ساکنین عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد.

روش پژوهش

این تحقیق با نگرشی کمی - کیفی انجام شده و عمدتاً توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر بهره‌گیری از روش‌های آماری، روش اسنادی - کتابخانه‌ای و پیمایش است. در مطالعات اسنادی از منابع داخلی و خارجی موجود در رابطه اسکان غیررسمی و ارتقاء بخشی و بهسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی و گزارش‌ها و طرح‌های موجود درباره محله زینبیه استفاده گردیده است. همچنین در مطالعات پیمایشی و میدانی نیز از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده وضعیت کالبدی -

اجتماعی و اقتصادی محله زینبیه استفاده شده است. پس از استخراج جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد 384 پرسشنامه در بین ساکنین محله زینبیه و 15 پرسشنامه در بین کارکنان سازمان‌های ذی‌ربط شهری (شهرداری مناطق اصفهان، سازمان عمران و بهسازی شهری اصفهان) تکمیل شده و داده‌های به دست آمده در نرم‌افزار تحلیل آماری Spss مورد آزمون قرار گرفتند که جهت آزمون داده‌ها نیز از آزمون آماری اسپیرمن استفاده شده است.

معرفی متغیرها و شاخص‌ها

اصلی‌ترین شاخصی که در این تحقیق مد نظر قرار گرفته است و تمامی متغیر مرتبط با موضوع یعنی مشارکت، آگاه‌سازی و نهادسازی و ظرفیت سازی محلی را در خود مستتر دارد، شاخص ارتقاء بخشی و بهسازی است که اطلاعات آن‌ها در قالب پرسشنامه استخراج شده است.

«مشارکت»: یعنی مردم مستقیماً در فرآیند تهیه طرح حضور دارند و مشارکت می‌تواند علاوه بر تأثیرگذاری بر فرآیند تهیه طرح، آن را کنترل کند. متغیرهای میزان مشارکت و تمایل به مشارکت به صورت متغیر رتبه‌ای است.

«آگاه‌سازی»: آگاه‌سازی شامل کلیه اطلاعاتی است که باعث بالا رفتن سطح آگاهی اجتماعی محلی در رابطه با بهبود ابعاد مختلف کیفیت زندگی‌شان می‌شود و از آنجایی که طرح ساماندهی و توانمندسازی محله با این هدف (بهبود ابعاد مختلف کیفیت زندگی در محله) تهیه می‌شود لذا به‌عنوان گام اول آگاه‌سازی ساکنین نسبت طرح، اقدامات و پروژه‌های مورد نظر آن، در اینجا بیشتر مد نظر بوده است؛ بنابراین متغیر آگاه‌سازی بصورت متغیری با مقیاس رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

می‌شود؛ منطقه‌ای که تا چند دهه گذشته بافت روستایی داشته و این سال‌ها با پیوستن به شهر، هنوز در بی‌هویتی به سر می‌برد. کوچه‌پس‌کوچه‌ها بافت بومی و سنتی دارد.



شکل شماره (۱): محله زینبیه اصفهان (منبع: Wikipedia, 2022)

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری سیر تغییر رویکردهای حاکم در زمینه اسکان غیررسمی

از همان ابتدای ظهور پدیده اسکان غیررسمی به فراخور زمان و بنا به شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز نگرش‌های حاکم، رویکردهای مختلفی برای حل مسأله در دستور کار قرار گرفت. این رویکردها هرگز یکنواخت و از رویه منسجم پیروی نکرده بلکه در نقاط مختلف جهان از گوناگونی نیز برخوردار است.

با این پیش‌فرض که علت تشکیل سکونتگاه‌های غیررسمی، فقر و عوامل ساختاری است، بسیاری از سیاست‌گذاران در سطوح کلان به دنبال راه‌حل‌های کلان برای این پدیده بوده‌اند. تمرکز بر سیاست‌های اقتصادی کلان از جمله سیاست‌های فقرزدایی و سیاست‌هایی که در پی افزایش متوسط درآمد و نیز ایجاد عدالت اجتماعی هستند، همواره به‌مناب‌ه راه‌حل ریشه‌ای فقر و محله‌های فقیرنشین مورد توجه بوده

“نهادسازی و ظرفیت‌سازی محلی:” از دیگر شاخص‌های اصلی و تأثیرگذار رویکرد توانمندسازی است که به تقویت و یا ایجاد تشکل‌های اجتماعی محلی (NGO) با دانایی و قدرت کنترل برنامه‌های اجرایی در سطح محله، اشاره دارد. در اینجا متغیر نهادسازی و ظرفیت‌سازی محلی در قالب یک متغیر رتبه‌ای اندازه‌گیری شده است.

“میزان موفقیت محله زینبیه:” از آنجایی که خانه محله به‌عنوان نهاد مجری طرح در سطح محلی و به‌نوعی نماینده و کارگزار عمران و بهسازی شهری و شهرداری در محله است و فعالیت‌های ارگان‌های بالادستی از طریق این نهاد در سطوح، عمرانی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، نهادسازی و ظرفیت‌سازی در محله اجرا می‌شود و به‌نوعی حد واسط ساکنین محله و حوزه‌های تصمیم‌گیر بالادستی است. در این تحقیق میزان موفقیت آن به‌عنوان متغیری در مقیاس رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

محدوده و قلمرو پژوهش

محله زینبیه با نام قدیم ارزنان در استان اصفهان و در محدوده شمال شرقی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از جنوب به خیابان عاشق اصفهانی و میدان جوان و از غرب به میدان عاشق اصفهانی و خیابان زینبیه محدود شده است و با محله‌های باتون، عمان سامانی، دارک، شهرک امام حسین مجاورت دارد. حرم زینبیه همچون نگینی در این محله می‌درخشد. مردم زینبیه اعتقاد خاصی به این بانو دارند. این مکان حرم یکی از دختران امام هفتم (ع) است.

زینبیه دارای مردمی با گویش‌های مختلف (بختیاری، ترک، عرب، کرد) است که اکثراً از مناطق فریدن و خوزستان به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. محله «دارک زینبیه» نیز از مناطق حاشیه‌نشین اصفهان شناخته

است؛ در این میان بسیاری از صاحب‌نظران بر اهمیت سیاست اجتماعی در سطوح ملی تأکید می‌کنند که تمرکز بر مداخلات اجتماعی در برابر مداخله اقتصادی، به‌مثابه مکمل عوامل توسعه است؛ سیاست اجتماعی راهی را که برای اقدام دولت در رفاه شهروندان مؤثر است را نشان می‌دهد. سیاست اجتماعی اگرچه از جنبه‌هایی مشابه سیاست اقتصادی است، اما سیاست اقتصادی افراد را به‌مثابه فقرای تصمیم‌ساز در بازار کار و تولید مورد توجه قرار می‌دهد، در حالی که سیاست اجتماعی آن‌ها را به‌عنوان عضوی از گروه‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد (پرلمان، ۲۰۱۴: ۱۲۱). در جدول ۱ سعی شده است رویکردهای مسلط در برنامه ریزی و حل مسأله سکونتگاه‌های غیررسمی به‌طور خلاصه بیان گردد.

تبیین مفهوم و رویکرد توانمندسازی

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، توانمندسازی اجتماع محلی و در ارتباط با آن توسعه محلی رویکردی غیرمتمرکز و مشارکتی است و به‌نوعی مکمل ارتقا بخشی است که در رابطه با تأمین حق مالکیت و توسعه اقتصادی در محله‌های فقیرنشین، علاوه بر مشارکت در ساخت‌وساز و بهبود محله، ضرورت درگیر شدن ساکنان محله در تصمیم‌سازی و فرآیند برنامه‌ریزی برای تشخیص اولویت‌های اقدام و حمایت در اجرا را ضروری می‌داند (یونسکو، ۲۰۱۱: ۱۳۱).

نظریه مقتدر سازی را که گاهاً توانمندسازی نیز ترجمه شده است ابتدا «رپاپورت (۱۹۹۷)» در زمینه روانشناسی اجتماعی مطرح کرد وی «مقتدر سازی را به معنی هدف قرار دادن تقویت امکانات افراد برای کنترل بر زندگی خویش برشمرده است؟» بنابراین اگر قدرت عبارت است از توانایی افراد در پیش‌بینی کنترل و مشارکت در محیط آنگاه می‌توان گفت که مقتدر سازی

فرایندی است که طی آن افراد اجتماعات می‌توانند چنین قدرتی را به کار گیرند و به‌طور مؤثر در تغییر زندگی خود و محیطشان اعمال کنند. در اینجا مشارکت نوعی واسطه است که در حرکت به‌سوی اقتدار به کار می‌رود. ارتباط دو سویه و مستقیمی بین مقتدر سازی و توانمند سازی برقرار است که یکی را بدون دیگری بی‌معنی می‌سازد، چرا که سهیم کردن شهروندان در قدرت و تصمیم‌گیری بدون توانمندسازی یعنی افزایش توانایی شهروندان به نحوی که نیازش به خدمات کمتر شود و خود و سرمایه‌های اجتماعی - فردی متکی شود، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید (ابوت، ۲۰۱۲: ۳۰۶).

راهبرد توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبود شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت‌ها و نیازهایشان بهبود ببخشند، در واقع ارتقاء بخشی همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی رهیافت نوینی برای حل مسأله فقر شهری است که در آن دیگر مهندسی ساختمان و تنها تزریق منابع مالی راهگشا نیست بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی، سازمان‌های غیردولتی محلی و مشارکت فعال موردنظر است (هادیزاده بزاز، ۱۳۹۲: ۳۷). سیاست‌های توانمندسازی مبتنی بر اصول تفویض اختیار تصمیم‌گیری و بر این اساس است که تصمیم‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در منابع توسعه اقتصادی، اجتماعی و مادی داخلی باید در پایین‌ترین سطح کارایی باشند و برای اغلب فعالیت‌های ارتقاء بخشی پایین‌ترین سطح کارایی و اثر بخشی سطح اجتماعی محلی و محله است (ایراندوست، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

همچنین در رابطه با مفهوم توانمندسازی بسیاری از

جدول شماره (۱): خلاصه رویکردهای مسلط در برنامه ریزی و حل مسأله سکونتگاه‌های غیررسمی (منبع: صرافی، ۱۳۹۹)

نکات اصلی	دوره رواج و تسلط	رویکرد
<ul style="list-style-type: none"> - با توسعه اقتصادی در کل جامعه مشکل حل خواهد شد - مشکل ساختاری است و با برنامه ریزی محلی حل نخواهد شد 	تا دهه ۱۹۶۰	نادیده گرفتن
<ul style="list-style-type: none"> - سکونتگاه‌های غیررسمی غده چرکین بر بدن شهر هستند و باید برچیده شوند 	۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ برخی کشورها تا کنون	حذف و تخلیه اجباری
<ul style="list-style-type: none"> - بهره‌گیری از نیروی کار، مهارت و توان مدیریت ساکنان در حل مشکل 	۱۹۷۰ و ۱۹۸۰	خودیاری
<ul style="list-style-type: none"> - دولت و منابع دولتی کلید حل مشکل است - نیاز به پارانه‌های هدف دار مسکن 	۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰	مسکن عمومی (اجتماعی)
<ul style="list-style-type: none"> - تأمین زمین و زیرساخت‌های اولیه راه حل است 	۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰	مکان- خدمات
<ul style="list-style-type: none"> - تأمین حق سکونت و زیرساخت‌ها با بهره‌گیری از وضع موجود 	۱۹۸۰ تا کنون	ارتقاء بخشی (بهسازی)
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد چارچوب سیاسی، اداری و محیطی - استفاده از ظرفیت‌های درونی اجتماعات محل - توسعه اقتصادی و اجتماعی 	۱۹۸۰ تا کنون	توانمندسازی
<ul style="list-style-type: none"> - با ترکیبی از توانمندسازی و تأکید بر حکمروائی شایسته (به‌ویژه حق نگاهداشت مسکن) محور، اجتماع محلی دانسته شد. 	از ۲۰۰۰	اجتماع محور (تام)

سطح فردی (بهداشت، آموزش، مسکن) و در سطح عمومی (توانایی سازماندهی) برای به راه انداختن «کار جمعی» جهت حل مشکلات خود می‌باشند (پاتر و ایونز، ۱۳۹۴: ۲۳۱). در جمع‌بندی موارد فوق باید گفت در توانمندسازی، مشارکت افراد و گروه‌های فقیر در جریان سیاست و تصمیم‌گیری در جامعه شهری ارگانیک است؛ مشارکتی که بر اساس گفتگوی دو جانبه شکل می‌گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد و باعث ورود آن به حوزه عمومی می‌شود.

پیشینه پژوهش

«سینها (۲۰۲۰)» در ارزیابی اقدامات بهسازی محلات فقیرنشین جاکارتا که در سال ۱۹۶۹ توسط دولت محلی جاکارتا انجام شده است میزان تحقق اهداف طرح

متون اخیر به‌ویژه متون مرتبط با بانک جهانی بر مفهوم مقتدر سازی نیز اشاره دارند که به معنی عام به گسترش آزادی در عرصه انتخاب و عمل اشاره دارد. برای فقرا، این آزادی شدیداً از طریق فقدان قدرت و ضعف آن‌ها (از جنبه سیاسی-مدنی) به‌ویژه در برقراری ارتباط با دولت و بازار محدود شده است. مقتدر سازی به مفهوم افزایش امکانات و دارایی‌های فقرا، جهت مشارکت در مذاکره، اعمال نظر، کنترل و حفظ پیوند با نهادهای مسئولی است که در زندگی آن‌ها تأثیرگذار می‌باشند. از سوی بانک جهانی عناصر کلیدی در مقتدر سازی، دسترسی به اطلاعات، مشارکت و درگیری، پاسخگویی و ظرفیت سازمان محلی تعریف شده است. از این دیدگاه با توجه به اینکه فقر چند بعدی است، فقرا نیازمند سطحی از دارایی‌ها و امکانات در

جدول شماره (۲): مسائل و مشکلات محله زینبیه اصفهان (منبع: مهندسين مشاور، ۱۳۹۸)

اجتماعی	مشکلات کالبدی	اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> - وجود اراذل و اوباش - بالا بودن موارد فساد و فحشا - بالا بودن درصد افغانی‌های محله - بالا بودن آمار قاچاق در سطح محله 	<ul style="list-style-type: none"> - کمبود فضاهای آموزشی - کمبود فضاهای بهداشتی - درمانی در سطح محله - کمبود پارک و فضای سبز در سطح محله - کمبود فضای ورزشی در سطح محله 	<ul style="list-style-type: none"> - بیکاری و مشاغل کاذب - درآمد پایین اغلب اهالی محلات - وجود مشاغل فصلی در بین ساکنین و مشکلات اقتصادی - بالا بودن نرخ تکفل در محله
تأسیسات زیر بنایی	زیست محیطی	
<ul style="list-style-type: none"> - نامناسب بودن آسفالت معابر نبود روشنایی مناسب در معابر محله - نبود سیستم مناسب دفع آب‌های سطحی در قسمت‌های شرقی و غربی محله - نبود سیستم آبرسانی در قسمت‌های شرقی محله - نبود گاز کشی در قسمت‌های غربی محله - برق دزدی در قسمت‌های شرقی و جنوبی محله 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود کارگاه‌های مختلف در و پنجره سازی، تعمیر تانکر، اتاق‌سازی خودرو و سایر کارگاه‌های مختلف با سر و صداهای گوش‌خراش در کنار منازل مسکونی، نمادی از یک بی‌نظمی و زندگی غیرشهری را به تصویر می‌کشد. - اکثر اهالی فاضلاب خود را به کوچه رها می‌سازند. - وجود دامداری‌های متعدد در محله 	

را کم ارزیابی نموده است و دلایل این عدم تحقق را این‌گونه آورده است: جنبه کالبدی بودن و عدم توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی - عدم توجه جامع به مسائل مورد توجه در طرح از جمله تراکم خانوار - برنامه تلاشی را در جهت حل مشکل زمین‌ها انجام نداده بود - کافی نبودن اعتبارات و از سوی دیگر برنامه هیچ تلاشی را در جهت بازگرداندن اعتبارات هزینه شده و سودآور بودن پروژه‌ها نکرده بود. کیوها (۲۰۱۷) در ارزیابی تهیه مسکن برای فقیران شهری کره جنوبی که مجری آن دولت کره جنوبی بود ارزیابی این طرح را ناموفق بیان کرده و درباره علل آن بیان کرده است که از نکات منفی پس از اجرای این طرح‌ها، این بود که تنها ۲۰ درصد از ساکنان قبلی در محدوده حضور داشتند و ۸۰ درصد مابقی به خاطر بالا رفتن هزینه اجاره و یا سود ناشی از فروش خانه‌هایشان به محلات فقیر نشین دیگر نقل مکان کرده بودند. عبدی ۱۳۹۷ به نقل از «سینها» در رابطه با طرح ارزیابی طرح سرمایه گذاری در بخش مسکن فقیران شهری پروتوریا، سورباریا

و کوچابامبا که در سال ۲۰۰۴ توسط دولت محلی انجام شده است وضعیت طرح و اقدامات را موفق ارزیابی نموده و مهم‌ترین دلیل تحقق طرح را مشارکت مؤثر مردم در فرآیند تهیه و اجرای آن‌ها بیان کرده است. ایراندوست (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مرور تجربه کوتاه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه شهر کرمانشاه» به بررسی رویکرد توانمندسازی بر اساس تجربه موجود در این شهر پرداخته است؛ و میزان موفقیت این طرح را کم ارزیابی کرده است که مهم‌ترین دلایل این عدم تحقق در سطح مناسب را این‌گونه آورده است: نارسایی طرح در تعریف محلات هدف، دخالت کالبدی صرف، ضعف تأثیرگذاری در مقیاس شهر (با توجه به محدود شدن پروژه‌ها به موارد کالبدی و با عملکرد گسسته و محدود، کل طرح تأثیرگذاری قابل توجهی در مقیاس شهر و حتی محله ندارد). طولانی شدن روند اجرایی و در نتیجه از دست رفتن اعتماد مردم نسبت به طرح و مجریان آن، ارتباط ضعیف با مردم. علاءالدینی و همکاران (۱۴۰۰)،

ارزیابی میزان تحقق طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس که توسط دولت و با همکاری بانک جهانی انجام شده است را متوسط بیان کرده و مهم‌ترین موانع و مشکلات طرح توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس از نظر محقق، به کم‌تجربگی دست‌اندرکاران طرح‌ها و محدودیت در استفاده از مشاوران بین‌المللی، ناتوانی در به‌کارگیری نیروی متخصص در زمینه مورد نظر که بخشی از این مشکل به دستمزد بالای این افراد و عدم تناسب آن با دستمزد معمول در نظام اداری ایران باز می‌گردد؛ و همچنین فقدان پایش و ارزیابی لطماتی را به طرح وارد کرده است.

یافته‌های پژوهش

اهداف، استراتژی‌ها و اقدامات طرح ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان طرح‌های ارتقاء بخشی و بهسازی باهدف ارتقاء محلات در حوزه‌های کالبدی، زیرساختی، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، مسکن و زیست محیطی و همچنین ظرفیت‌سازی‌های نهادی مورد نیاز، اعم از ظرفیت‌سازی‌های بخش دولتی و مردمی تهیه می‌گردد؛ بنابراین پروژه‌های پیشنهادی می‌بایست بر اساس نیازها، مشکلات ساکنین محله و در چارچوب‌های مشخص تعیین شده برای دستیابی به اهداف توانمندسازی ارائه گردند. بنابراین پروژه‌ها با توجه به مشکلات و معضلات محله و همچنین ساختار پیشنهادی، با عنایت به اهداف زیر برای محله اهداف تعیین و معرفی می‌گردند.

- تأمین حداقل موارد نیاز محله در راستای اهداف ارتقاء بخشی و بهسازی
- برقراری سلسله مراتب صحیح کاربری‌ها و خدمات رسانی در سطح محله
- برقراری سلسله مراتب صحیح شبکه‌ای برای ایجاد

دسترسی‌های مناسب

- ارتقاء اقتصادی، اجتماعی و... در محله بنا بر نیاز سنجی‌های انجام شده، طرح‌ها و پروژه‌های پیشنهادی با رویکرد تأمین اهداف طرح ارتقاء بخشی و بهسازی در محله زینبیه اصفهان، در ۵ بخش تأسیسات زیربنایی، زیست محیطی، اجتماعی، مشکلات کالبدی، اقتصادی ارائه شده است.

آزمون فرضیات

به نظر می‌رسد مشارکت محوری عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد. بر اساس نتایج جدول ۳ همبستگی اسپیرمن بین متغیر مشارکت محوری و ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی‌دار وجود دارد شدت رابطه بین متغیرها برابر ۰/۸۴۵ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین متغیر است یعنی مشارکت محوری عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان است.

به نظر می‌رسد آگاه‌سازی عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد. بر اساس نتایج جدول ۴ همبستگی اسپیرمن بین متغیر آگاه‌سازی و ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی‌دار وجود دارد شدت رابطه بین متغیرها برابر ۰/۹۲۱ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین متغیر است یعنی آگاه‌سازی عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان است.

به نظر می‌رسد نهاد‌سازی عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد. بر اساس نتایج جدول ۵ همبستگی اسپیرمن بین متغیر نهاد‌سازی و

جدول شماره (۳): ضریب همبستگی اسپیرمن فرضیه اول

تعداد	اسپیرمن همبستگی ضریب	معناداری سطح	آزمون نتایج
۱۵	۰.۸۴۵	۰۰۰/۰	قبول

جدول شماره (۴): ضریب همبستگی اسپیرمن فرضیه دوم

تعداد	اسپیرمن همبستگی ضریب	معناداری سطح	آزمون نتایج
۱۵	۰.۹۲۱	۰۰۰/۰	قبول

جدول شماره (۵): ضریب همبستگی اسپیرمن فرضیه سوم

تعداد	اسپیرمن همبستگی ضریب	معناداری سطح	آزمون نتایج
۱۵	۰.۸۹۲	۰۰۰/۰	قبول

جدول شماره (۶): ضریب همبستگی اسپیرمن فرضیه چهارم

تعداد	اسپیرمن همبستگی ضریب	معناداری سطح	آزمون نتایج
۱۵	۰.۸۷۸	۰۰۰/۰	قبول

ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی دار وجود دارد

جمع بندی و نتیجه گیری

در رابطه با میزان ارتقاء بخشی و بهسازی در محله زینبیه اصفهان همان‌طور که در آزمون فرضیات مشخص گردید در مجموع ارتقاء بخشی و بهسازی در محله زینبیه توانسته به اهداف نزدیک شود و تا حدودی از حاشیه نشینی خارج شود یا در حال خارج شدن باشد.

پیشنهادات تحقیق

-نگاه واقع‌بینانه در تهیه طرح و زمان‌بندی پروژه‌های توانمندسازی

-مشارکت دادن تمامی ذینفعان طرح اعم از ساکنین اجتماعات غیررسمی و سازمان‌های ذیربط در روند تهیه طرح و به عبارتی مشارکت دادن این ذینفعان از مرحله تهیه تا اجرای طرح.

به نظر می‌رسد رضایت ساکنین عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد. بر اساس نتایج جدول ۶ همبستگی اسپیرمن بین متغیر رضایت ساکنین و ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی دار وجود دارد شدت رابطه بین متغیرها برابر ۰/۸۹۲ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین متغیر است یعنی نهاد سازی عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان است.

به نظر می‌رسد رضایت ساکنین عاملی مؤثر در ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه اصفهان باشد. بر اساس نتایج جدول ۶ همبستگی اسپیرمن بین متغیر رضایت ساکنین و ارتقاء بخشی و بهسازی محله زینبیه در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان داشت که بین این متغیرها رابطه معنی دار وجود دارد شدت رابطه بین متغیرها برابر ۰/۸۷۸ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین متغیر است

- به کار بردن سازوکارهایی جهت جلب مشارکت ساکنین اسکان غیررسمی، سازوکارهای تشویقی، تسهیلگری، رقابت ایجاد کردن در بین محلات در راستای بهبود مشکلات محله

- ایجاد سازمان مستقل و دارای جایگاه قانونی و دارای قدرت لازم جهت رسیدگی بافت غیررسمی و شاید به نوعی بتوان گفت ایجاد شهرداری مخصوص سکونتگاه‌های غیررسمی که به طور ویژه و تخصصی به بررسی و حل مشکلات این مناطق پردازد و طبیعتاً به مدیران و متخصصان این زمینه تجهیز شده باشد.

- فراهم ساختن شرایط قانونی و اقتصادی لازم جهت حضور مشاوران مجرب خارجی در کنار مشاوران داخلی جهت پرهیز از آزمون خطا در تهیه و اجرای طرح توانمندسازی اسکان غیررسمی و کسب تجربه مشاوران داخلی از این مشاوران خارجی.

- ایجاد سازوکارهای پایش و ارزشیابی طرح در طول تهیه طرح و مقاطع مختلف چه در زمینه اجرایی و نظارت مردم، سازمان‌ها و چه در زمینه علمی و انجام مطالعات ارزشیابی و پایش طرح توسط مجامع و متخصصین علمی و پرهیز از محرمانه انگاری اطلاعات طرح.

- افزایش سطح خدمات شهری در این مناطق در زمینه حمل و نقل عمومی و یا استفاده از پیمانکاران محلی از اجتماعات غیررسمی در زمینه پسماند و جمع‌آوری زبالات محله در راستای استفاده از دارایی‌های انسانی محله و تزریق اشتغال و درآمد در بین ساکنین.

- ایجاد امنیت تصرف برای ساکنین جهت جلب اعتماد آن‌ها برای حضور و مشارکت فعال در برنامه‌های توانمندسازی، زیرا دلیل بسیاری از عدم مشارکت‌های ساکنین ناشی تصرف غیررسمی مسکن یا زمین در بین آن‌هاست که ترس از دست دادن املاک مانع اعتماد و

ارتباط آن‌ها با شهرداری و سایر سازمان‌های شهری می‌شود؛ بنابراین اندیشیدن تدبیری جهت رفع این مسأله می‌تواند به بهبود روند مشارکت ساکنین و در نتیجه موفقیت طرح‌های توانمندسازی کمک شایانی کند.

- بازیابی هویت این محلات با آموزش قشر کودک و نوجوان در سطح مدارس با همکاری آموزش و پرورش جهت جلوگیری از بازتولید فرهنگ منفی اجتماعی حاکم بر اجتماعات غیررسمی با سازوکار برجسته‌سازی دارایی و میراث معنوی و انسانی محله؛ زیرا بسیاری از این محلات دارای قدمت بالایی بوده و سرشار از عناصر هویت‌بخش محلی هستند که نیازمند گردروبی و احیاء بوده تا دید و چشم‌انداز کوکان، نوجوانان و جوانان را نسبت به محله خود تغییر داده و همچنین در بلندمدت دید سایر شهروندان را نسبت به این محلات تعدیل و مثبت نماید.

فهرست منابع

- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۹۹). مرور تجربه‌های کوتاه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه شهر کرمانشاه. جغرافیا و توسعه، ۲۰، ۵۹-۷۸.
- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۹۸). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)
- پاتر، رابرت. ب. و سلی لوید ایونز. (۱۳۹۴). شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه کیومرث ایراندوست و دیگران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- پیران، پرویز. (۱۳۹۲). باز هم در باب اسکان غیررسمی (مورد شیرآباد زاهدان)، در فصلنامه هفت شهر، ۳، (۹)، ۷-۲۴.

- Building Sustainable low-income communities in Korea, Habitat International, 31, pp 116-129.
- Perlman, Janice. E (2014), Marginality: From Myth to Reality in the Favelas of Rio de Janeiro, 1969-2002 in: Roy, Ananya & Nezar Alsayyad (Eds) (2003)
- Sinha, Abhijat (2020), Community development for effective slum upgrading; case study: Indore Habitat Project, Indore, India, School of Architecture McGill University, Montreal, March.
- UNESCAP (2011), Municipal and Management in Asia: A comparative study, In: United Nation Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
- جوان، جعفر. (۱۳۹۲). نگرشی بر نحوه ساماندهی حاشیه کلان شهرها (نمونه: کلان شهر مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱، ۵۱-۷۳.
- صرافی، مظفر. (۱۳۹۷). ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری، در فصلنامه هفت شهر، ۲۳-۲۴.
- صرافی، مظفر. (۱۳۹۲). به‌سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی، از پراکنده‌کاری گزینش تا هم‌سوئی فراگیر، در فصلنامه هفت شهر. ۳ (۹ و ۱۰)، ۳-۶.
- عبدی، برهان. (۱۳۹۷). بررسی علل عدم تحقق طرح‌های ساماندهی محلات حاشیه‌نشین و ارائه راهکارهای اجرایی (نمونه موردی: محله جعفرآباد کرمانشاه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر معماری و شهرسازی، دانشگاه شیراز.
- علاء‌الدینی، پویا، مهدیه مصطفی پورشاد و آزاده جلالی موسوی. (۱۴۰۰). ارتقای وضعیت اهالی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران (مطالعه موردی: بندرعباس)، در فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱ (۴۱)، ۶۹-۹۲.
- مهندسین مشاور. (۱۳۹۸). طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی اصفهان، شرکت عمران و مسکن سازان.
- هادیزاده بزاز، مریم. (۱۳۹۲). ترجمه و تدوین، حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن، شهرداری اصفهان.
- Abbot, John (2012), An Analysis of Informal settlements Upgrading, a Critique of Existing Mythological Approaches, Habitat international, 26 pp 303-315
- Ha, s-k (2017), Housing Regeneration and

بررسی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهرستان خمینی شهر

مهدی ابراهیمی بوزانی^۱

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

جعفر گنجعلی

عضو هیئت علمی رشته جغرافیا دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

محمد رضائی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۲۷-۴۶

چکیده

برای حل مسائل و مشکلات بخش مسکن، بررسی وضعیت شاخص‌های مختلف در این بخش ضروری است زیرا مستند به آن می‌توان اولویت اقدامات و برنامه‌ها را تعیین نمود. مقاله حاضر با هدف بررسی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ انجام شده است. این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش بررسی از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی و از نظر روش گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. شاخص‌های مورد بررسی این تحقیق شامل ۱۰ شاخص کمی (تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم خانوار در واحد مسکونی، متوسط اتاق در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، تراکم خانوار در اتاق، اتاق برای هر خانوار، تعداد واحد مسکونی برای هر هزار نفر، تعداد اتاق برای هر هزار نفر، کمبود واحد مسکونی، نسبت افزایش خانوار به واحد مسکونی) و ۴ شاخص کیفی (عمر واحد مسکونی، نسبت مسکن مناسب از لحاظ دوام ساختمان‌ها و مصالح آن‌ها، نحوه تصرف واحد مسکونی و تسهیلات و امکانات واحدهای مسکونی) است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که وضعیت شاخص‌های کمی مسکن در شهرستان خمینی شهر مناسب بوده و در تمامی ده شاخص مورد بررسی، روند مطلوبی را طی نموده است. همچنین وضعیت مسکن این شهرستان از لحاظ شاخص‌های کیفی نیز در بیشتر شاخص‌های مورد بررسی، روند مثبتی داشته و تنها شاخص کیفی مسکن (نحوه تصرف واحدهای مسکونی) دچار نزول شده است، به گونه‌ای که مالکیت عرصه و اعیان (زمین و بنا) از ۷۴/۰۶ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۲/۵۴ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۶۲/۶۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش و در مقابل مالکیت رهن و استیجاری از ۱۳/۸۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۸/۲۳ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۲۶/۸۶ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

واژگان کلیدی: شاخص‌های کمی و کیفی، برنامه‌ریزی مسکن، خمینی شهر

۱. نویسنده مسئول mahdebrahimi@pnu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

امروزه در سراسر جهان، پدیده شهرنشینی و شهری شدن به طور چشمگیری در حال افزایش است و مطابق با پیش‌بینی سازمان ملل احتمال می‌رود تا سال ۲۰۵۰ حدود ۸۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۲). رشد فرآیند شهرنشینی در دنیا، مسائل و مشکلات فراوانی از جمله کمبود مسکن را به همراه داشته است (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). سیل مهاجرت از روستا به شهر و سکونت تعداد زیادی از افراد و خانوارها در زاغه‌ها و حاشیه‌ها، به خصوص در کشورهای جهان سوم، نشان دهنده نیاز شدید به مسکن است که لزوم توجه و برنامه‌ریزی برای آن را موجب شده است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۶). مسکن بعد از نیاز به غذا و پوشاک، مهم‌ترین نیاز انسان را تشکیل می‌دهد و کمبود و بی‌کیفیتی آن همه جوانب زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده و عدم تأمین این نیاز حیاتی مشکلات اساسی زیادی را برای افراد فرد در جنبه‌های زیستی، اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و ... ایجاد می‌کند (یعقوبی، ۱۳۹۶: ۲ و میروسی زاده، ۱۳۹۷: ۳).

بحث توسعه پایدار شهری یکی از بحث‌های بسیار مهم و رایج در سطح بین‌المللی است؛ به طوری که ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد. در این رابطه مسکن مهم‌ترین عنصر شهری است که در توسعه پایدار شهر، توجه به آن دارای اهمیت زیادی است؛ چرا که توسعه مسکن علاوه بر محیط زیست بر اقتصاد و فرهنگ و مسائل اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین دستیابی به مسکن پایدار در جهت افزایش و ارتقای کیفیت زندگی کنونی و نسل آینده، امر مهمی است؛ چرا که امروزه با رشد روز افزون جمعیت، نیاز به ساخت مسکن نیز روز به روز

بیشتر می‌شود (مرادی اهری، ۱۳۹۴: ۲). در دستیابی به توسعه پایدار می‌بایست مسکن پایدار، مطلوب و مناسب در سیاست‌گذاری‌ها، گنجانده و تمامی ابعاد و ارتباط آن با سایر بخش‌ها نیز در نظر گرفته شود (بصری پارسا، ۱۳۹۲: ۳).

مسائل و مشکلات مربوط به مسکن در کشورهای مختلف دنیا، متفاوت است، به طور مثال در برخی از کشورها این گونه مسائل از نوع کمی بوده و عمدتاً ناشی از کمبودهای موجود مسکن، رشد جمعیت، مهاجرت و تنگناهای اقتصادی می‌باشد که بیشتر کشورهای در حال توسعه را شامل می‌شود. در مقابل مسائل مسکن در کشورهای توسعه یافته بیشتر از نوع کیفی و نیز تغییر ساختارهای جمعیتی و اجتماعی است. شاخص‌های مسکن از یک سو ابزار شناخت وضعیت مسکن در ابعاد مختلف فوق‌الذکر بوده و از سوی دیگر، ابزار کلیدی برای ترسیم چشم‌انداز آینده مسکن و برنامه‌ریزی آن هستند (رستمی، ۱۳۹۴: ۲).

در ایران، طی سال‌های اخیر، رونق و رکود بازار مسکن و مجموعه‌های هم‌پیوند با آن، با اهمیت تلقی شده و مسکن و وضعیت کمی و کیفی آن، به‌عنوان عاملی حساس و اثرگذار معرفی شده است (شمس و گمار، ۱۳۹۴: ۵۶). بررسی و تحلیل علمی مسائل کمی و کیفی مسکن نیازمند به‌کارگیری شاخص‌های مسکن است. این بررسی‌های علمی معمولاً بیانگر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند (جمالی‌نسب، ۱۳۹۵: ۲). همچنین شاخص‌های مسکن به‌عنوان شالوده اصلی یک برنامه جامع از جایگاه ویژه‌ای در امر برنامه‌ریزی مسکن برخوردار هستند (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱۹). یکی از ارکان مهم برنامه‌ریزی مسکن، شناخت دقیق شاخص‌های کمی و کیفی با توجه به آمارهای رسمی

و مستند و قابل اطمینان است که با توجه به آن‌ها بتوان به برآورد برخورداری مطلوب از شاخص‌ها پرداخت. این آمارها معمولاً در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور ما به‌طور دوره‌ای جمع‌آوری می‌گردد (یوسف‌وند، ۱۳۹۸: ۱۷).

امروزه توجه به بخش مسکن در قالب برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای و شهری بیش از پیش احساس می‌شود تا با بهره‌گیری از دانش و تکنیک‌های برنامه‌ریزی، بتوان مسائل و مشکلات شهروندان را برطرف نمود. در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهرستان خمینی‌شهر در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ انجام شده است.

پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی پیرامون مسکن و شاخص‌های مربوط به آن انجام شده است که از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نیکزاد و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی خطرات بهداشتی مسکن: شیوع، روش‌ها و اولویت‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی دهلی، نشان دادند که چگونه شرایط بد مسکن بر امور روزمره و احتمالاً توسعه اقتصادی و برابری جنسیتی تأثیرگذار می‌باشد. سلمر^۱ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان تحلیل فضایی قیمت مسکن و فعالیت بازار به روش رگرسیون وزن‌دهی شده جغرافیایی انجام داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش تجزیه و تحلیل عوامل مختلف اجتماعی و جمعیتی و محیطی بر روی متوسط قیمت مسکن و تعداد معاملات انجام شده مسکن با استفاده از یک رویکرد فضایی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش ۳۸۰ شهرستان کشور لهستان و داده و اطلاعات مورد بررسی نیز مربوط به سال ۲۰۱۸ بوده است. نتایج این تحقیق نشان داده

است که عوامل تعیین‌کننده هم برای متوسط قیمت مسکن و هم برای فعالیت بازار مسکن با خوشه‌های بالای بالا و پایین پایین همبستگی فضایی را نشان می‌دهد. اپوکو^۳ و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی با نام دیدگاه ساکنین از کیفیت مسکن در یک سکونتگاه غیررسمی به انجام رسانیده‌اند. داده‌ها و اطلاعات این پژوهش از یک نمونه سکونتگاه غیررسمی در لاگوس نیجریه گرفته شده است. نتایج پژوهش ده عامل را از دیدگاه ساکنین مورد مطالعه شامل: نوع اشتغال، کیفیت محیط و خدمات اجتماعی عمومی، کیفیت محیط داخلی، وضعیت المان‌های ساختمانی، امکانات کافی برای کودکان و خرید، زیرساخت‌های محله، کیفیت محیطی محله، ویژگی واحدهای مسکونی و امکانات عمومی، امکانات مشترک، میزان سر و صدا و رضایت از زندگی و نوع تعمیرات، شناسایی نموده است. ون تائو^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی تأثیر ویژگی‌های مسکن در شرایط زندگی مهاجران روستایی در منطقه فنتایی پکن را مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه به تجزیه و تحلیل تأثیر ویژگی‌های مسکن بر شرایط زندگی مهاجران روستایی در منطقه فنتایی پکن چین می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های مسکن مهاجران روستایی (تراکم مسکن، حفظ حریم خصوصی و تسهیلات مسکن) تأثیر بسیاری بر شرایط زندگی آن‌ها در منطقه فنتایی پکن دارد، بنابراین، دولت محلی باید به این گروه از مردم در شهرستان‌های بزرگ کمک نماید. لانرواجو آمانو^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشی با نام کیفیت مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در ایبادان نیجریه به این نتیجه رسید که اگرچه پتانسیل و ظرفیت بالایی برای

3. Opoko
4. Wen Tao
5. Lanrewaju Amao

1. Nix
2. Cellmer

بهبود کیفیت مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی وجود دارد، اما نیازمند بازنگری مجدد برای بهره‌مندی اکثریت از آن دارد. به‌منظور کمک رسانی به افراد فقیر که توانایی تأمین نیازهای مسکن خود را ندارند، مشارکت اکثریت افراد جامعه ضروری است.

علوی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهراهوآز و پیش‌بینی مسکن مورد نیاز تا افق ۱۴۰۰ انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که در طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۴۵ وضعیت شاخص‌های کمی و کیفی شهراهوآز بهبود داشته است، ولی در بعضی موارد در مقایسه با سایر مناطق شهری کشور در رتبه پایین‌تری قرار دارد. همچنین در این پژوهش، جمعیت و تعداد خانوار این شهر تا سال ۱۴۰۰ پیش‌بینی و مشخص شده که در این مدت به ۱۱۹۴۰۴ واحد مسکونی جدید و ۱۰۲۶۸۷۴۴ متر مربع زمین نیاز خواهد بود. مهدیان پور و صارمی (۱۳۹۶) طی پژوهشی با نام بررسی شاخص‌های کمی، اقتصادی مسکن و پیش‌بینی ساختار جمعیت، قیمت مسکن و مسکن مورد نیاز تا افق ۱۴۱۰ برای شهر تهران به این نتیجه رسیدند که جمعیت شهر تهران تا افق ۱۴۱۰ به ۸۵۳۷۰۰۰ تا ۹۷۳۴۰۰۰ نفر می‌رسد و به ۲۸۶۳۰۰۰ تا ۳۵۳۴۰۰۰ واحد مسکونی نیاز دارد. همچنین پیش‌بینی می‌شود تا افق مورد نظر متوسط قیمت هر متر مربع مسکن به ۶/۴ تا ۶/۸ میلیون تومان خواهد رسید. پورغفار مغفرتی و پوررمضان (۱۳۹۵) طی تحقیقی با نام ارزیابی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان رشت) به بررسی و مقایسه شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان رشت طی سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های اجتماعی

کمی مسکن (تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، تراکم نفر در واحد مسکونی و توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد اتاق و خانوار)، در وضعیت مناسب و مطلوب‌تری نسبت به گذشته قرار دارد و هم‌چنین از نظر شاخص‌های اجتماعی کیفی (میانگین سطح زیربنای واحد مسکونی، دوام مصالح ساختمانی، مالکیت و نحوه تصرف و امکانات زیرساختی و تسهیلات)، واحدهای مسکونی روند رو به رشدی را شاهد بوده و بهبود نسبی داشته‌اند؛ اما کماکان مشکلات و کاستی‌هایی نیز وجود دارد. زیاری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی تطبیقی سیر تحول شاخص‌های مسکن شهر مریوان با نقاط شهری استان کردستان و کشور ایران نشان دادند که شاخص‌های کمی مسکن از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ روند مطلوبی را طی کرده است. هر چند که محدوده‌های مورد بررسی از نظر تولید مسکن و تراکم خانوار در واحد مسکونی به شرایط نسبتاً مطلوب رسیده، اما از نظر سایر شاخص‌های کمی (تراکم نفر و خانوار در اتاق و واحد مسکونی و ...) تا رسیدن به شرایط مطلوب فاصله دارد. همچنین از نظر شاخص‌های کیفی نیز هر چند در طی ۴۵ سال اخیر روند مناسبی طی شده، اما هنوز در نقاط شهری کشور برخی از واحدهای مسکونی با مصالح بی‌دوام و نیمه‌بادوام ساخته شده‌اند. همچنین در نقاط شهری کشور بخش عمده‌ای از واحدهای مسکونی عمر مفید خود را طی کرده‌اند و نیازمند نوسازی و بهسازی هستند. به‌علاوه میزان اجاره‌نشینی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ یک روند صعودی را طی کرده است (۳۳/۱۸ درصد). این وضعیت با توجه به شرایط فرهنگی کشور به معنای افزایش شکاف و فاصله طبقاتی و عدم توان گروه‌های کم‌درآمد در دستیابی به مسکن است. حکمت‌نیا و

انصاری (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان برنامه‌ریزی مسکن شهر میبد با رویکرد توسعه پایدار نشان دادند که شاخص‌های تراکم در واحد مسکونی در سال ۱۳۸۵ برابر ۳/۸، متوسط اتاق ۴/۲۶ و متوسط اتاق برای هر خانوار ۴/۱۹ و تراکم نفر در اتاق ۰/۸۹ و تراکم خانوار در اتاق ۰/۲۳ و درصد کمبود واحد مسکونی در این سال ۱/۵ بوده است. به‌طور کلی نتایج این پژوهش، بیانگر پیشرفت به نسبت مناسب شاخص‌های کمی و کیفی در دهه ۸۵-۱۳۷۵ است که با روند توسعه پایدار در ارتباطی معنادار بوده است.

مبانی نظری

الف) مسکن: مقوله مسکن، ابعاد گوناگونی دارد و نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه کرد (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸: ۹۷). بررسی لغوی واژه مسکن نشان می‌دهد که این واژه اسم مکان کلمه ساکن و در لغت فارسی به معنی محل سکون و آرامش است. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز در بهزیستی و بهداشت افراد است. در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست، بلکه کل محیط مسکونی را شامل می‌شود و به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰). به‌طور کلی، با توجه به تعریف مسکن در ابعاد مختلف، می‌توان مسکن مناسب و بهینه را چنین تعریف کرد: مسکن مناسب عبارت است از فضای سکونتی مناسبی که آسایش، دسترسی مناسب، امنیت، پایداری و دوام سازهای، روشنایی کافی، تهویه و دارای زیرساخت‌های اولیه مناسب مانند آبرسانی، بهداشت و آموزش، محیط زیست سالم، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه و همچنین

زمینه رشد و تقویت روابط بین اعضای خانواده (ارتباط افقی) و روابط همسایگی (ارتباط عمودی) را برای ساکنانش فراهم آورد و مهم‌تر از همه متناسب با توان مالی خانوار باشد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲).
ب) مسکن پایدار: مفهوم مسکن پایدار بدان معنی نیست که مسکن برای همیشه باقی خواهد ماند، بلکه تنها بدان معنی است که مواد، انرژی، آب مصرفی و ... از طریق کاهش دادن داده مصرفی برای حفظ اقتصاد بشری مرتبط با ساخت و ساز و استفاده از ساختمان بر پایدارپذیری اشغال کره زمین توسط انسان کمک خواهد کرد (White, 2002: 134). در واقع آن نوع مسکنی که نیازهای زیستی نسل کنونی را بر مبنای کارایی منابع طبیعی انرژی برآورده ساخته و در عین حال محالیتی جاذب و ایمن را ضمن توجه به مسائل اکولوژیکی، فرهنگی و اقتصادی ایجاد نماید، مسکن پایدار است (Edward, 2000: 20). در تعریفی دیگر مسکن پایدار، مسکنی تعریف شده که کمترین ناسازگاری و مغایرت را با محیط طبیعی پیرامون خود و در پهنه وسیع‌تر با منطقه و جهان دارد (بزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۳).

ج) انواع مسکن: مسکن را از حیث انواع می‌توان به سه دسته اصلی مسکن آزاد، مسکن حمایت شده و مسکن اجتماعی تقسیم کرد. مسکن حمایت شده و اجتماعی دخالت دولت را ایجاد می‌کند.

۱. **مسکن آزاد:** این نوع مسکن با استانداردها و تجهیزاتی متفاوت با استانداردهای الگوی مصرف مسکن، احداث و دولت از آن هیچ حمایتی به عمل نمی‌آورد و تنها به کنترل و نظارت و اجرای مقررات ساخت و ساز، استانداردها، وضع عوارض و مالیات و سایر سیاست‌های نظارتی و هدایتی می‌پردازد (ریاضی، ۱۳۸۱: ۲۲۹).



شکل شماره (۱): شاخص های کمی و کیفی مسکن

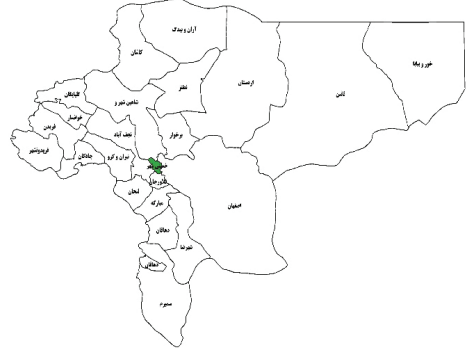
حداقل نیز تعبیر می شود که عمدتاً مرتبط با اهداف اجتماعی و بر اساس حداقل های قابل قبول و احیاناً پایین تر از استانداردهای الگوی مصرف تولید می شود. مسکن اجتماعی به نوع خاصی از تأمین مسکن اطلاق می شود که ریشه ای تاریخی در قرن نوزدهم دارد و در تعدادی از کشورهای صنعتی طی دهه های گذشته و به ویژه در سال های بعد از جنگ جهانی دوم یکی از روش های عمده تأمین مسکن برای افراد کم درآمد و میان درآمد بوده است (رستمی، ۱۳۹۴: ۴۶).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف؛ کاربردی، از نظر ماهیت و روش بررسی از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و از نظر روش گردآوری اطلاعات نیز از نوع تحقیقات کتابخانه ای و اسنادی می باشد. اطلاعات مورد نیاز عمدتاً از نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه های آماری استان اصفهان گرفته شده است. شاخص های این پژوهش شامل دو دسته شاخص های

۲. مسکن حمایتی: این نوع مسکن بر اساس استانداردهای الگوی مصرف احداث می شود و دولت به منظور تشویق سازندگان و حمایت از بهره برداران، از احداث این گونه واحدها حمایت می کند. حمایت دولت مشمول پرداخت سوبسید بابت حق انشعاب آب، برق، گاز، عوارض زیربنا، وام ارزان قیمت و واگذاری زمین ارزان است. مسکن حمایت شده (با میانگین ۱۰۰ مترمربع در نقاط شهری) عمدتاً از طریق قوانین و مقررات و نیز حمایت های غیرمستقیم دولت برنامه ریزی می شود و در نتیجه در بحث برنامه ریزی مسکن عمدتاً به عنوان بحثی حاشیه ای مطرح است (رفیعی، ۱۳۷۶: ۲۲۹).

۳. مسکن اجتماعی: مسکن اجتماعی از دیدگاه سیاست گذاران مسکن، به این صورت تعریف شده: مسکن اجتماعی به واحدهایی اطلاق می شود که سطح زیربنای مفید آن تا ۵۰ مترمربع بوده و به صورت انبوه ساخته می شوند. از این نوع مسکن به عنوان مسکن



شکل شماره (۲): موقعیت جغرافیایی استان اصفهان و شهرستان خمینی شهر در کشور ایران

جدول شماره (۱): وضعیت پارامترهای جمعیتی شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۶۵ (منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ و محاسبات نگارنده)

پارامتر	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
جمعیت	۲۳۰۲۴۹	۲۴۳۴۸۶	۲۸۷۲۶۵	۳۱۹۷۲۷
نرخ رشد	***	۰/۶	۱/۷	۱/۱
مرد	۱۲۲۰۳۲	۱۲۶۹۹۹	۱۴۹۶۸۳	۱۶۴۷۸۷
زن	۱۰۸۲۱۷	۱۱۶۴۸۷	۱۳۷۵۸۲	۱۵۴۹۴۰
نسبت جنسی	۱۱۳	۱۰۹	۱۰۹	۱۰۶
تعداد خانوار	۴۶۳۳۸	۵۳۸۰۳	۷۵۳۲۷	۹۸۲۶۹
بعد خانوار	۵	۴/۵	۳/۸	۳/۳

کمی و کیفی می‌باشد که در شکل زیر آمده است:
محدوده مورد مطالعه

شاهین‌شهر و میمه، از شرق به شهر اصفهان، از غرب به شهرستان نجف‌آباد و از جنوب به شهرستان فلاورجان محدود می‌گردد. این شهرستان با مساحت ۱۸۰ کیلومتر مربع، دارای ۱ بخش (مرکزی)، ۴ شهر (خمینی‌شهر، درچه، کوشک و اصفرا‌آباد)، ۳ دهستان (ماربین سفلی، ماربین علیا و ماربین وسطی) و ۱۸ آبادی (۳ آبادی دارای سکنه و ۱۵ آبادی خالی از سکنه) بوده و حدود ۰/۲ درصد از کل مساحت استان اصفهان را

شهرستان خمینی شهر به مرکزیت شهر خمینی شهر، در مرکز استان اصفهان و در مختصات جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه و ۵۱ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های

جدول شماره (۲): وضعیت شاخص‌های کمی مسکن در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ (منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ و محاسبات نگارنده)

شاخص - سال	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
تراکم نفر در واحد مسکونی	۵/۶۴	۴/۳۴	۳/۳۹
تراکم خانوار در واحد مسکونی	۱/۲۵	۱/۱۴	۱/۰۴
متوسط اتاق در واحد مسکونی	۳/۲۶	۳/۶۸	۳/۵۶
تراکم نفر در اتاق	۱/۷۳	۱/۱۸	۰/۹۵
تراکم خانوار در اتاق	۰/۳۸	۰/۳۱	۰/۲۹
اتاق برای هر خانوار	۲/۶۱	۳/۲۳	۳/۴۲
تعداد واحد مسکونی برای هر ۱۰۰۰ نفر	۱۷۷/۲۹	۲۳۰/۲۰	۲۹۵/۳۵
تعداد اتاق برای هر ۱۰۰۰ نفر	۵۷۷/۱۸	۸۴۶/۴۴	۱۰۵۱/۸۲
کمبود واحد مسکونی (درصد)	۱۹/۷۷	۱۲/۲۱	۳/۹۱
نسبت افزایش خانوار به واحد مسکونی	**	۰/۹۴	۰/۸۱

تشکیل می‌دهد (سالنامه آماری استان اصفهان، ۱۳۹۸). ۱۰ شاخص کمی و ۴ شاخص کیفی بهره گرفته شده جمعیت این شهرستان بر اساس نتایج سرشماری

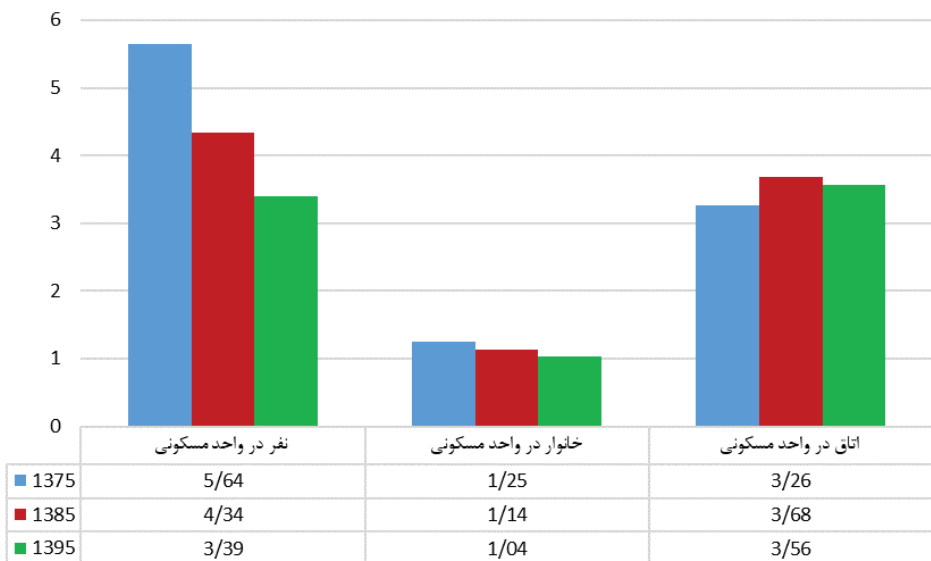
الف) شاخص‌های کمی مسکن:

نفس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۱۹۷۲۷ نفر بوده است. برخی متغیرها و شاخص‌های جمعیتی این شهرستان طی سرشماری‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ در جدول ۱ آمده است:

بحث

شاخص‌های مسکن را می‌توان به‌طور کلی به دو گروه عمده شاخص‌های کمی و کیفی تقسیم کرد. شاخص‌های کمی مسکن به مباحث کمی نظیر انواع تراکم در واحد مسکونی، تعداد نفر در اتاق و ... می‌پردازد، در حالی که شاخص‌های کیفی، خصوصیات

که یک واحد مسکونی را برای زندگی خانوار و انجام فعالیت‌های مرتبط با زندگی خانوادگی مهیا می‌سازد، مد نظر قرار می‌دهد. در این پژوهش به‌منظور بررسی و سنجش وضعیت مسکن در شهرستان خمینی شهر از



شکل شماره (۳): وضعیت شاخص‌های کمی مسکن در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵

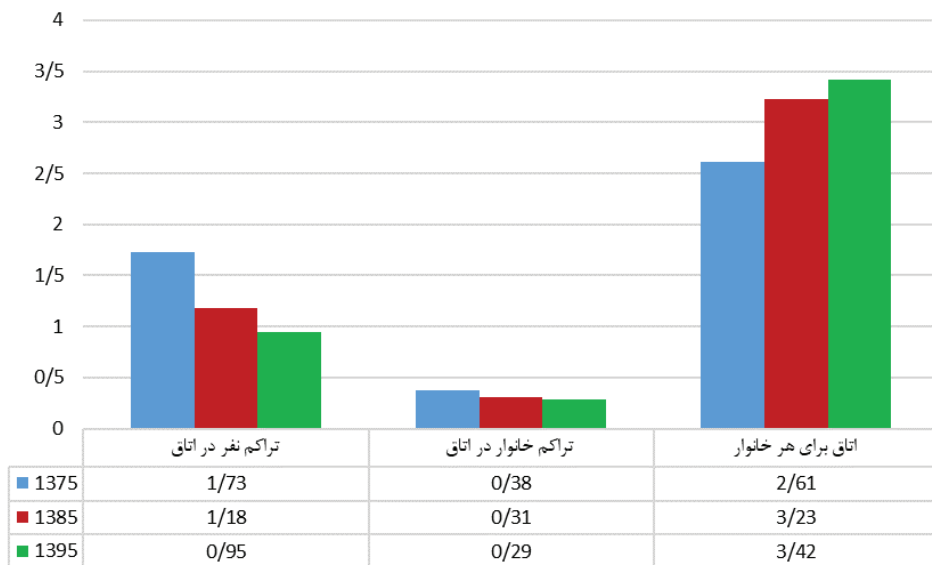
۱۳۷۵، شاخص مذکور روند افزایشی را طی نموده است. به طوری که در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۳/۲۶ و ۳/۶۸ اتاق در هر واحد مسکونی وجود داشته است، اما این میزان در سال ۱۳۹۵ به ۳/۵۶ اتاق در هر واحد مسکونی کاهش یافته است که این میزان نشان از وضعیت نسبتاً مطلوب این شاخص دارد.

تراکم نفر در اتاق: این شاخص تعداد افراد را در مقابل هر اتاق نشان می‌دهد. هرچه اندازه شاخص کوچک‌تر باشد، نشانه استقلال بیشتر افراد خانوارها در داخل واحد مسکونی است. شاخص تراکم نفر در اتاق شهرستان خمینی شهر در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱/۷۳ بوده است که این میزان در سال ۱۳۸۵ به ۱/۱۸ و در سال ۱۳۹۵ به ۰/۹۵ رسیده است. با مقایسه ارقام حاصله می‌توان روند مثبت آن را مشاهده نمود.

تراکم خانوار در اتاق: شاخص تراکم خانوار در اتاق

کمی برای نشان دادن متوسط تعداد خانوارهای ساکن در هر واحد مسکونی است. میزان این شاخص در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱/۲۵ بوده که این امر نشان دهنده آن است که در برابر ۱۰۰ واحد مسکونی، ۱۲۵ خانوار وجود داشته است؛ بنابراین ۲۵ خانوار اضافه با دیگر خانوارها مسکن مشترکی داشته‌اند. شاخص یادشده در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ترتیب برابر با ۱/۱۴ و ۱/۰۴ بوده است که نشان دهنده کاهش ازدحام خانوار در واحدهای مسکونی و روند رو به بهبود وضعیت مسکن در شهرستان خمینی شهر است.

متوسط اتاق در واحد مسکونی: این شاخص جهت شناخت سهم هر خانوار یا افراد آن از تعداد اتاقی که در واحدهای مسکونی وجود دارد، به کار می‌رود که از طریق تقسیم نمودن تعداد اتاق واحدهای مسکونی به تعداد کل واحدهای مسکونی حاصل می‌شود. بر اساس اطلاعات حاصل از سرشماری‌های ۱۳۹۵-



شکل شماره (۴): وضعیت شاخص‌های کمی مسکن در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵

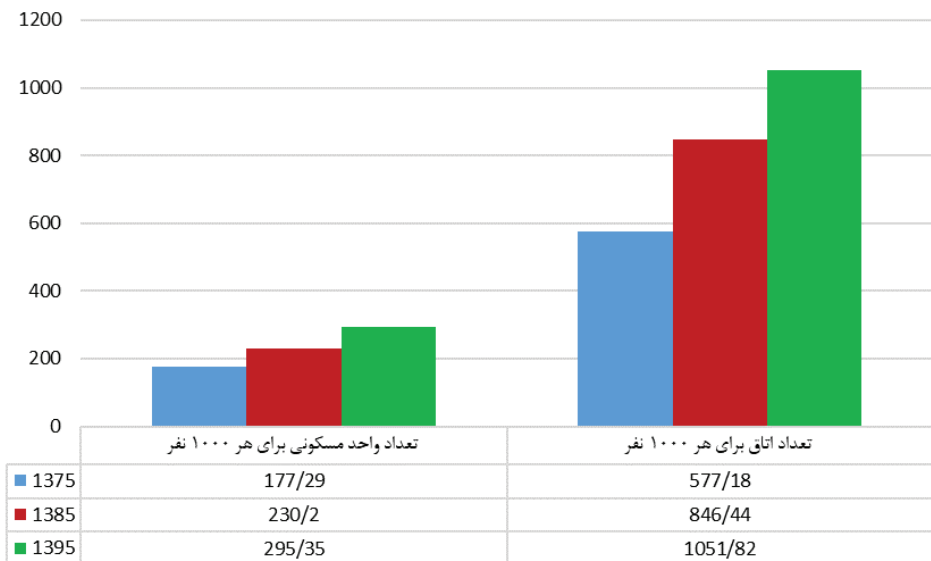
نشان دهنده بهبود وضعیت مسکن و افزایش میانگین تعداد اتاق برای هر خانوار طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ بوده است.

تعداد واحد مسکونی برای هر ۱۰۰۰ نفر: این شاخص نشان دهنده وضعیت تعداد واحدهای مسکونی مقابل تعداد افراد است که از رابطه تعدد واحد مسکونی در هزار بر جمعیت شهر به دست می‌آید. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت شهرستان خمینی شهر، ۱۷۷/۲۹ واحد مسکونی وجود داشته است. شاخص مذکور طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ترتیب برابر با ۲۳۰/۲۰ و ۲۹۵/۳۵ واحد مسکونی بوده که وضعیت رو به رشدی داشته است.

تعداد اتاق برای هر ۱۰۰۰ نفر: این شاخص تعداد اتاق برای هر هزار نفر را نشان می‌دهد و از رابطه تعدد اتاق در هزار بر جمعیت شهر به دست می‌آید. این شاخص در سال ۱۳۷۵ برابر با ۵۷۷/۱۸ و در سال‌های

با تقسیم خانوار بر تعداد اتاق محاسبه می‌شود و میزان آن هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده وضعیت مطلوب و مناسب خانوارها در تصاحب تعداد اتاق می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده، در سال ۱۳۷۵ این نسبت در شهرستان خمینی شهر برابر با ۰/۳۸ بوده و این میزان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ۰/۳۱ و ۰/۲۹ تقلیل یافته است که این امر حکایت از روند رو به بهبود وضعیت خانوارهای شهرستان خمینی شهر در تصاحب اتاق، حکایت دارد.

اتاق برای هر خانوار: این شاخص در جهت شناخت سهم هر خانوار یا افراد آن از تعداد اتاقی که در واحد مسکونی وجود دارد، به کار می‌رود و از تقسیم تعداد اتاق بر تعداد خانوار به دست می‌آید. در سال ۱۳۷۵ هر خانوار شهرستان خمینی شهر به‌طور متوسط ۲/۶۱ اتاق در اختیار داشته که این میزان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ۳/۲۳ و ۳/۴۲ افزایش یافته که در مجموع



شکل شماره (۵): وضعیت شاخص‌های کمی مسکن در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵

نسبت افزایش خانوار به واحد مسکونی: در بررسی وضعیت مسکن و تعیین میزان کمبود آن، بررسی روند رشد جمعیت و متعاقب آن افزایش تعداد خانوار مهم‌ترین عامل محسوب می‌شود. برای سنجش عرضه واحدهای مسکونی با فرض افزایش تعداد خانوار در یک دوره معین می‌توان از رابطه زیر استفاده کرد.
(واحد مسکونی ۱۳۸۵ - خانوار ۱۳۸۵) ÷ (نسبت افزایش خانوار به واحد مسکونی)

اگر مقدار شاخص مذکور برابر یا کمتر از یک باشد، بیان‌کننده آن است که در دوره مورد بررسی، افزایش تعداد خانوار از افزایش تعداد واحد مسکونی کمتر بوده است و در نتیجه از میزان کمبود کاسته شده است؛ اما هرگاه مقدار شاخص از یک بزرگ‌تر باشد، کمبود مسکن ثابت مانده است. شاخص مذکور طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ برابر با ۰/۹۴ و طی سال‌های ۱۳۹۵-

۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۸۴۶/۴۴ و ۱۰۵۱/۸۲ بوده است. به عبارتی دیگر طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ به ازای ۱۰۰۰ نفر از جمعیت شهرستان خمینی شهر به ترتیب ۵۷۷/۱۸، ۸۴۶/۴۴ و ۱۰۵۱/۸۲ اتاق وجود داشته است که نشان از روند مثبت این شاخص دارد. **کمبود واحد مسکونی (درصد):** حاصل تفاضل واحدهای مسکونی معمولی موجود از تعداد خانوارهای معمولی را اصطلاحاً کمبود واحد مسکونی می‌نامند. با تقسیم نمودن تفاضل تعداد خانوار و واحد مسکونی بر تعداد خانوار می‌توان شاخص مذکور را محاسبه نمود. شاخص کمبود واحد مسکونی برای شهرستان خمینی شهر در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱۹/۷۷ درصد و در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ نیز به ترتیب برابر با ۱۲/۲۱ و ۳/۹۱ درصد بوده است که نشان از روند رو به بهبود عرضه مسکن در سطح شهرستان مذکور دارد.

جدول شماره (۳): عمر واحدهای مسکونی شهرستان خمینی شهر (منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ و محاسبات نگارنده)

ردیف	عمر واحد مسکونی	درصد	درصد تجمعی
۱	بین ۱ تا ۱۰ سال	۲۶/۸۱	۲۶/۸۱
۲	بین ۱۰ تا ۲۰ سال	۲۶/۶۱	۵۳/۴۲
۳	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۱۹/۳۲	۷۲/۷۵
۴	بیشتر از ۳۰ سال	۲۶/۳۹	۹۹/۱۴
۵	اظهار نشده	۰/۸۷	۱۰۰
۶	جمع	۱۰۰	**

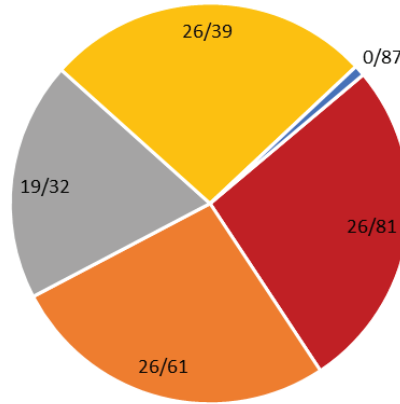
جدول شماره (۴): وضعیت دوام مصالح واحدهای مسکونی در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ (منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ و محاسبات نگارنده)

سال	بادوام		نیمه بادوام		کم دوام		سایر		اظهار نشده		مسکن مناسب
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	درصد
۱۳۷۵	۲۰۱۰۷	۴۶/۵۸	۱۰۱۲۹	۲۳/۴۶	۵۶۳۴	۱۳/۰۵	۶۷۰۸	۱۵/۵۴	۵۸۹	۱/۳۶	۷۰/۰۴
۱۳۸۵	۵۱۲۴۷	۷۷/۵۰	۵۷۹۳	۸/۷۶	۷۶۱۵	۱۱/۵۲	۱۳۱۴	۱/۹۹	۱۵۸	۰/۲۴	۸۶/۲۶
۱۳۹۵	۸۰۴۶۱	۸۵/۲۱	۶۳۳۸	۶/۷۱	۶۲۱۸	۶/۵۸	۱۳۳۱	۱/۴۱	۸۳	۰/۰۹	۹۱/۹۲

۱۳۸۵ نیز برابر با ۰/۸۱ بوده است. واحدهای مسکونی در فاصله سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ و ۲۶/۶۱ درصد واحدهای مسکونی نیز در فاصله سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۴ بنا شده‌اند. به همین ترتیب ۱۹/۳۲ درصد واحدهای مسکونی در فاصله سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۶۵ و ۲۶/۳۹ درصد واحدهای مسکونی واقع در شهرستان خمینی شهر نیز طی سال‌های قبل از ۱۳۶۵ احداث گردیده‌اند.

نسبت مسکن مناسب (دوام ساختمان‌ها و مصالح آن‌ها): واحدهای مسکونی بر اساس مصالح به کار رفته در آن‌ها به سه گروه کم دوام (تمام چوب، خشت و چوب، خشت و گل)، نیمه بادوام (آجر و چوب،

۱۳۸۵ نیز برابر با ۰/۸۱ بوده است. واحدهای مسکونی بین ۱ الی ۱۰ سال قدمت، ۲۶/۶۱ درصد بین ۱۰ الی ۲۰ سال، ۱۹/۳۲ درصد بین ۲۰ الی ۳۰ سال و ۲۶/۳۹ درصد واحدهای مسکونی موجود در این شهرستان نیز بیشتر از ۳۰ سال قدمت داشته‌اند. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که ۲۶/۸۱ درصد



■ اظهارنشده ■ بیشتر از ۳۰ سال ■ بین ۲۰ تا ۳۰ سال ■ بین ۱۰ تا ۲۰ سال ■ بین ۱ تا ۱۰ سال

شکل شماره (۶): عمر واحدهای مسکونی شهرستان خمینی شهر

می‌دهد. بر این اساس در سال ۱۳۹۵ نحوه تصرف ملکی عرصه و اعیان (زمین و بنا) در این شهرستان حدود ۶۲/۶۶ می‌باشد که در مقایسه با سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ کاهش محسوسی داشته است؛ اما نحوه تصرف رهن و استیجاری در شهرستان یادشده تحولات نسبتاً زیادی را تجربه نموده است. به‌گونه‌ای که این شاخص در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱۳/۸۳ درصد بوده و در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ۱۸/۲۳ درصد و ۲۶/۸۶ درصد افزایش یافته است که می‌توان گفت علاقه خانواده‌های جوان به زندگی مستقل و گرانی مسکن و سختی تملک آن به‌ویژه برای زوج‌های جوان، باعث کاهش مالکیت عرصه و اعیان و افزایش مالکیت استیجاری شده است.

درصد تسهیلات مسکن: درصد تسهیلات عمده مسکن یکی از شاخص‌های اصلی سنجش سطح زندگی می‌باشد که توسط کمیته بحران جمعیت برای اندازه‌گیری کیفیت در کلان شهرهای جهان به کار

سنگ و چوب و بلوک سیمانی، تمام آجر یا سنگ و آجر) و بادوام (اسکلت فلزی، بتن مسلح، آجر و آهن، سنگ و آهن) تقسیم می‌شوند. مقایسه وضعیت دوام مصالح واحدهای مسکونی در شهرستان خمینی شهر روند مساعدی را نشان می‌دهد. به‌گونه‌ای که نسبت مسکن مناسب این شهرستان در سال ۱۳۷۵ برابر ۷۰/۰۴ درصد بوده که این میزان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ۸۶/۲۶ درصد و ۹۱/۹۲ درصد افزایش یافته است که این امر حکایت از سطح بالای استحکام مسکن و واحدهای مسکونی در شهرستان خمینی شهر دارد.

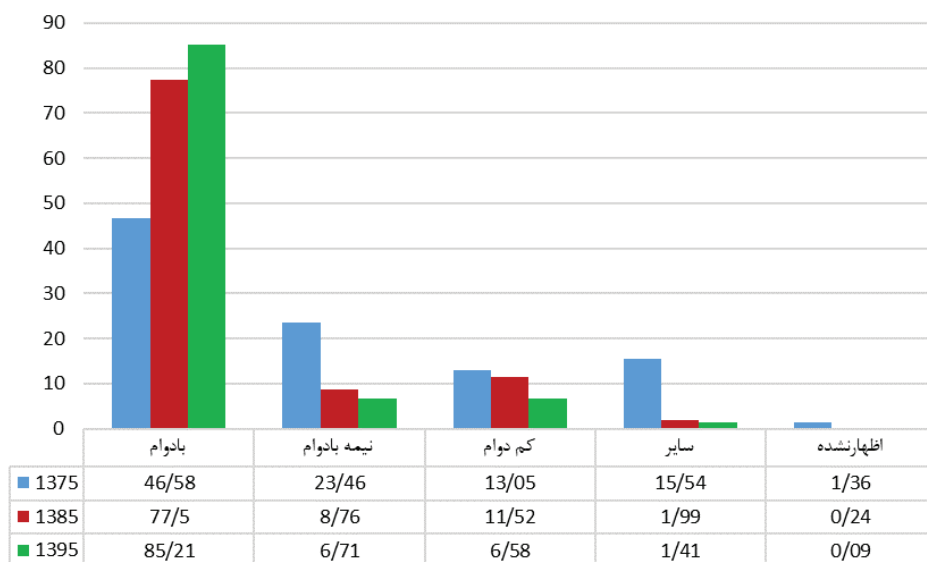
نحوه تصرف واحدهای مسکونی: شاخص نحوه تصرف واحدهای مسکونی، بر حسب مالکیت و یا اجاره‌ای، از جمله شاخص‌های پایه در شناخت بخش مسکن از ابعاد اقتصادی و اجتماعی است. جدول زیر چگونگی تصرف واحدهای مسکونی در شهرستان خمینی شهر را طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ نشان

جدول شماره (۵): نحوه تصرف واحدهای مسکونی در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ (منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ و محاسبات نگارنده)

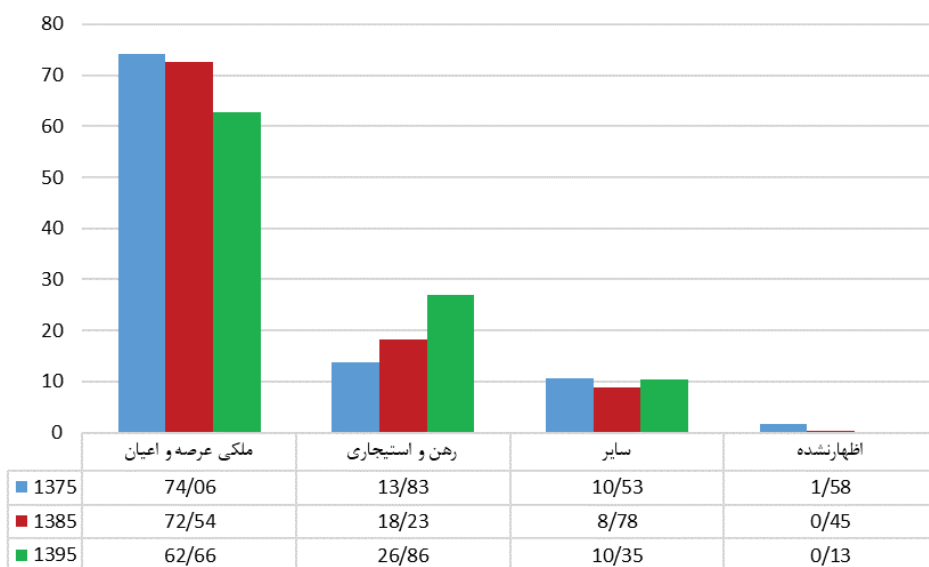
شاخص	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
ملکی عرصه و اعیان	۷۴/۰۶	۷۲/۵۴	۶۲/۶۶
رهن و استیجاری	۱۳/۸۳	۱۸/۲۳	۲۶/۸۶
سایر	۱۰/۵۳	۸/۷۸	۱۰/۳۵
اظهار نشده	۱/۵۸	۰/۴۵	۰/۱۳

جدول شماره (۶): وضعیت امکانات و تسهیلات واحدهای مسکونی شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ (منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ و محاسبات نگارنده)

شاخص	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
برق	۹۴/۳۵	۹۹/۴۰	۹۹/۸۶
آب لوله کشی	۸۷/۶۸	۹۸/۱۱	۹۹/۵۴
گاز لوله کشی	۲۵/۰۷	۹۸/۰۹	۹۹/۶۳
تلفن ثابت	۳۶/۰۹	۸۴/۰۵	۸۹/۷۴



شکل شماره (۷): وضعیت دوام مصالح واحدهای مسکونی در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵



شکل شماره (۸): نحوه تصرف واحدهای مسکونی در شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵

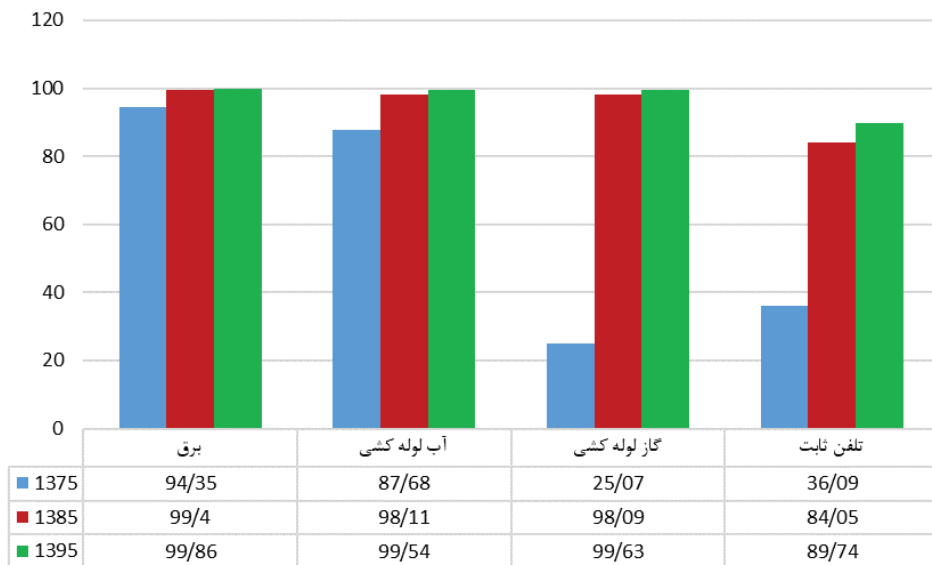
سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

نتیجه‌گیری

شاخص‌های مختلف کمی و کیفی مسکن به‌عنوان شالوده اصلی یک برنامه جامع و ابزاری مهم و ضروری جهت بیان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی مسکن، از جایگاه ویژه‌ای در امر شناخت هرچه بیشتر وضعیت مسکن برخوردار هستند. در واقع بررسی شاخص‌های مسکن یکی از وسایل و شیوه‌های شناخت ویژگی‌های مسکن به شمار می‌رود که می‌توان به کمک آن پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را آسان نمود.

به همین منظور پژوهش حاضر با هدف بررسی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن شهرستان خمینی شهر در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ و با روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است.

گرفته شده است. در اینجا درصد واحدهای مسکونی که دارای تسهیلاتی همچون: برق، آب لوله‌کشی، تلفن ثابت و گاز لوله‌کشی هستند طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ مورد بررسی قرار گرفته است. جدول زیر وضعیت واحدهای مسکونی شهرستان خمینی شهر از لحاظ میزان برخورداری از امکانات و تسهیلات را طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد. بر این اساس ضریب برخورداری واحدهای مسکونی شهرستان خمینی شهر از امکانات و تسهیلات طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ افزایش چشمگیری داشته است. به‌طور مثال وضعیت شاخص دسترسی واحدهای مسکونی به برق از ۹۴/۳۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹۹/۸۶ درصد در سال ۱۳۹۵ ارتقاء یافته است و یا وضعیت شاخص‌های دسترسی واحدهای مسکونی به آب لوله‌کشی و گاز لوله‌کشی به ترتیب از ۸۷/۶۸ و ۲۵/۰۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹۹/۵۴ و ۹۹/۶۳ درصد در



شکل شماره (۹): وضعیت امکانات و تسهیلات واحدهای مسکونی شهرستان خمینی شهر طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که وضعیت مسکن در شهرستان خمینی شهر به لحاظ شاخص‌های کمی نشان‌دهنده بهبود وضعیت مسکن بوده و در تمامی شاخص‌های مورد مطالعه (تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم خانوار در واحد مسکونی، متوسط اتاق در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، تراکم خانوار در اتاق، اتاق برای هر خانوار، تعداد واحد مسکونی برای هر هزار نفر، تعداد اتاق برای هر هزار نفر، کمبود واحد مسکونی، نسبت افزایش خانوار به واحد مسکونی) وضعیت مثبتی را تجربه کرده است. به‌گونه‌ای که شاخص‌های تراکم نفر در واحد مسکونی و تراکم خانوار در واحد مسکونی به ترتیب از ۵/۶۴ و ۱/۲۵ در سال ۱۳۷۵ به ۳/۳۹ و ۱/۰۴ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است که نشان از کاهش تعداد افراد و خانوارهای ساکن در واحد مسکونی دارد. شاخص متوسط اتاق در واحد مسکونی از ۳/۲۶ در سال ۱۳۷۵ به ۳/۵۶ در سال ۱۳۹۵ ارتقاء یافته که نشان‌دهنده بهبود وضعیت معیشتی خانوارها در خرید مسکن می‌باشد. شاخص‌های تراکم نفر در اتاق و تراکم خانوار در اتاق به ترتیب از ۱/۷۳ و ۰/۳۸ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۹۵ و ۰/۲۹ در سال ۱۳۹۵ رسیده است که این امر از وضعیت مطلوب شاخص‌های مذکور در شهرستان خمینی شهر حکایت دارد. شاخص اتاق برای هر خانوار از ۲/۶۱ در سال ۱۳۷۵ به ۳/۴۲ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است که نشان از بهبود وضعیت واحدهای مسکونی و افزایش رفاه خانوارها دارد. شاخص‌های تعداد واحد مسکونی برای هر هزار نفر و تعداد اتاق برای هر هزار نفر با ۱۷۷/۲۹ و ۵۷۷/۱۸ در سال ۱۳۷۵ و ۲۹۵/۳۵ و ۱۰۵۱/۸۲ در سال ۱۳۹۵، روند صعودی و مناسبی داشته است. شاخص کمبود واحد مسکونی نیز روند رو به بهبودی را طی نموده است، به طوری که از ۱۹/۷۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به

۱۳۹۵ در سال ۳/۵۶ به نشان‌دهنده وضعیت مسکن در شهرستان خمینی شهر به لحاظ شاخص‌های کمی نشان‌دهنده بهبود وضعیت مسکن بوده و در تمامی شاخص‌های مورد مطالعه (تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم خانوار در واحد مسکونی، متوسط اتاق در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، تراکم خانوار در اتاق، اتاق برای هر خانوار، تعداد واحد مسکونی برای هر هزار نفر، تعداد اتاق برای هر هزار نفر، کمبود واحد مسکونی، نسبت افزایش خانوار به واحد مسکونی) وضعیت مثبتی را تجربه کرده است. به‌گونه‌ای که شاخص‌های تراکم نفر در واحد مسکونی و تراکم خانوار در واحد مسکونی به ترتیب از ۵/۶۴ و ۱/۲۵ در سال ۱۳۷۵ به ۳/۳۹ و ۱/۰۴ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است که نشان از کاهش تعداد افراد و خانوارهای ساکن در واحد مسکونی دارد. شاخص متوسط اتاق در واحد مسکونی از ۳/۲۶ در سال ۱۳۷۵ به ۳/۵۶ در سال ۱۳۹۵ ارتقاء یافته که نشان‌دهنده بهبود وضعیت معیشتی خانوارها در خرید مسکن می‌باشد. شاخص‌های تراکم نفر در اتاق و تراکم خانوار در اتاق به ترتیب از ۱/۷۳ و ۰/۳۸ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۹۵ و ۰/۲۹ در سال ۱۳۹۵ رسیده است که این امر از وضعیت مطلوب شاخص‌های مذکور در شهرستان خمینی شهر حکایت دارد. شاخص اتاق برای هر خانوار از ۲/۶۱ در سال ۱۳۷۵ به ۳/۴۲ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است که نشان از بهبود وضعیت واحدهای مسکونی و افزایش رفاه خانوارها دارد. شاخص‌های تعداد واحد مسکونی برای هر هزار نفر و تعداد اتاق برای هر هزار نفر با ۱۷۷/۲۹ و ۵۷۷/۱۸ در سال ۱۳۷۵ و ۲۹۵/۳۵ و ۱۰۵۱/۸۲ در سال ۱۳۹۵، روند صعودی و مناسبی داشته است. شاخص کمبود واحد مسکونی نیز روند رو به بهبودی را طی نموده است، به طوری که از ۱۹/۷۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به

۱۲/۲۱ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۳/۹۱ درصد در سال ۱۳۹۵ تنزل یافته که نشان دهنده عرضه مناسب مسکن در طی ۲۰ سال اخیر بوده است.

همچنین بر اساس محاسبات صورت گرفته معلوم شد که وضعیت مسکن در شهرستان خمینی شهر به لحاظ شاخص‌های کیفی نیز در اکثر شاخص‌های مورد بررسی روند مطلوبی داشته و تنها شاخص کیفی که دچار کاهش شده، شاخص نحوه تصرف واحدهای مسکونی بوده است. به گونه‌ای که تصرف عرصه و اعیان (زمین و بنا) از ۷۴/۰۶ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۲/۵۴ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۶۲/۶۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته و در مقابل تصرف رهن و استیجاری از ۱۳/۸۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۸/۲۳ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۲۶/۸۶ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است که این وضعیت تا حدود زیادی ناشی نوسانات قیمت زمین و مسکن و عدم تمکن مالی خرید خانه در بین شهروندان می‌باشد. شاخص نسبت مسکن مناسب یا واحدهای مسکونی بادوام (دوام ساختمان‌ها و مصالح آن‌ها) از ۷۰/۰۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۸۶/۲۶ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۹۱/۹۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته که این افزایش به معنای بهبود وضعیت دوام ساختمان‌ها و استفاده از مصالح مناسب در ساخت و ساز و همچنین افزایش روند بهسازی و نوسازی ساختمان‌های قدیمی می‌باشد. از لحاظ شاخص عمر واحدهای مسکونی بیش از ۵۰ درصد (۵۳/۴۲ درصد) مساکن واحدهای مسکونی شهرستان خمینی شهر در ۲۰ سال اخیر احداث گردیده‌اند یا به عبارتی دیگر عمر ۵۳/۴۲ درصد واحدهای مسکونی شهرستان مذکور بین ۱ تا ۲۰ بوده است و این امر نشان می‌دهد که بیشتر واحدهای مسکونی واقع در این شهرستان نسبتاً

نوساز هستند. از نظر شاخص درصد تسهیلات مسکن نیز میزان بهره‌مندی واحدهای مسکونی از برق، آب لوله‌کشی، گاز لوله‌کشی و تلفن ثابت به ترتیب از ۹۴/۳۵ درصد، ۸۷/۶۸ درصد، ۲۵/۰۷ درصد و ۳۶/۰۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹۹/۸۶ درصد، ۹۹/۵۴ درصد، ۹۹/۶۳ درصد و ۸۹/۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

با عنایت به نتایج و یافته‌های به دست آمده در این پژوهش و با توجه به اینکه کماکان کاستی‌ها و معضلات فراوانی را در شهرستان خمینی شهر شاهد هستیم، برای کمک به بهبود و بهینه‌سازی وضعیت مسکن از لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی، پیشنهادها و راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:

❖ به منظور افزایش مسکن مناسب و بادوام در این شهرستان، با کاهش هزینه‌های مصالح و ملزومات و همچنین دادن وام‌های کم بهره به خصوص به اقشار فقیر و کم درآمد، می‌توان جهت افزایش و بهبود کیفیت مساکن در این شهرستان اقدام نمود.

❖ به منظور افزایش مالکیت عرصه و اعیان مسکن در این شهرستان پیشنهاد می‌شود با اتخاذ سیاست‌های مسکن اجتماعی و حمایتی و از طریق اعطای اعتبارات بلاعوض و یا کم‌بهره و واگذار نمودن زمین‌های ارزان قیمت به خانوارهای کم‌درآمد و یا سطح درآمد پایین، برای ساخت مساکن مطابق با استانداردهای لازم و باکیفیت اقدام نمود.

❖ با توجه به اینکه طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ میزان بعد خانوار در شهرستان خمینی شهر کاهش یافته و به دنبال آن باعث بهبود وضعیت شاخص‌های کمی و کیفی در این شهرستان شده است، از این رو کاهش بعد خانوارها همگام با سیاست ساخت مسکن تا حدودی از رفع مشکل کمبود مسکن

می‌کاهد و وضعیت مسکن از لحاظ شاخص‌های مختلف را بهبود می‌بخشد.

❖ با توجه به اینکه عمر ۴۵ درصد مساکن و واحدهای مسکونی شهرستان خمینی شهر بیش از ۲۰ سال بوده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود از طریق اعطای اعتبارات و تسهیلات بانکی مناسب به ساکنین، در راستای بهسازی و نوسازی این‌گونه مساکن گام برداشت.

فهرست منابع

- بز، خدارحم و کیانی، اکبر و رای، امیر. (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل برنامه‌ریزی توسعه مسکن پایدار (مطالعه موردی شهر حاجی‌آباد استان فارس)، فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، ۳، ۴۶-۲۵.
- بصیری پارسا، نیره. (۱۳۹۲)، نقش بخش خصوصی و دولتی در تولید مسکن از منظر توسعه پایدار شهری، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، همدان.
- پوراحمد، احمد و زیاری، کرامت‌الله و یوسفی، رشید و حاجیلو، مهدی. (۱۳۹۳)، تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن شهر زنجان، فصلنامه آمایش محیط، ۳۳، ۲۳-۱.
- پورغفار مغفرتی، محمدرضا و پوررمضان، عیسی. (۱۳۹۵)، ارزیابی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان رشت)، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۳۷، ۸۰-۶۱.
- پورمحمدی، محمدرضا و معبودی، محمدتقی و حکیمی، هادی. (۱۳۹۶)، بررسی و رتبه‌بندی مناطق شهری بر اساس شاخص‌های مسکن ایران، فصلنامه علمی مجلس و راهبرد، ۲۴ (۹۱)، ۳۱۹-۳۴۲.
- جمالی‌نسب، جابر. (۱۳۹۵)، تحلیلی بر شاخص‌های

کمی و کیفی مسکن در شهرها و شهرستان‌های استان گلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی.

— جمشیدی، علیرضا و جمینی، داوود و صیدایی، اسکندر و نجفی، مریم. (۱۳۹۲)، تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای، برنامه‌ریزی مسکن و محیط روستا، ۱۴۳، ۸۸-۶۹.

— حکمت‌نیا، حسن و انصاری، ژینوس. (۱۳۹۱)، برنامه‌ریزی مسکن شهر میبد با رویکرد توسعه پایدار، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره چهل و چهارم، ۷۹، ۲۰۷-۱۹۱.

— حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف و زرافشان، عطاالله. (۱۳۸۴)، بررسی و تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهر تفت و برنامه ریزی آتی آن، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۵، ۱۴۲-۱۲۵.

— رستمی، فرشاد (۱۳۹۴)، تحلیل فضایی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهر کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه.

— رفیعی، مینو. (۱۳۷۶)، مسکن شهری در ایران: چشم انداز آتی توسعه پایدار، بولتون اقتصاد مسکن، ۲۳.

— ریاضی، سیدابوالحسن. (۱۳۸۱)، نقش دولت در برنامه ریزی مسکن؛ مروری اجمالی بر وضعیت مسکن در ایران طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۴، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۶-۱۷۵.

— زیاری، کرامت‌الله و پشاه‌آبادی، شهرام و حاجی، مهسا و مرادی، اسعد. (۱۳۹۴)، ارزیابی تطبیقی سیر تحول شاخص‌های مسکن شهر مریوان با نقاط شهری استان کردستان و کشور ایران، نشریه مطالعات شهری، شماره ۱۵، صص ۵۲-۳۷.

- سالنامه آماری استان اصفهان. (۱۳۹۸)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، معاونت آمار و اطلاعات.
- شمس، مجید و گمار، منا. (۱۳۹۴)، ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در استان همدان (با تأکید بر اقبال کم درآمد)، نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵ (۲۰)، ۶۸-۵۵.
- علوی، سیدعلی و بناری، سجاد و صمدی، محمد. (۱۳۹۷)، تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهر اهواز و پیش‌بینی مسکن مورد نیاز تا افق ۱۴۰۰، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره یک، شماره ۲، صص ۸۵۰-۸۶۷.
- قاسمی، محمود. (۱۳۹۷)، آینده پژوهی متغیرهای کمی و کیفی مسکن در کلاتشهر اصفهان، کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری، موسسه آموزش عالی دانش‌پژوهان پیشرو، دوره هشتم.
- لطفی، عبدالقادر و احمدی، ملیحه و حسن‌زاده، فرجود (۱۳۸۸)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در ایران، فصلنامه آمایش محیط، ۷، ۱۰۹-۹۰.
- مرادی اهری، علیرضا. (۱۳۹۴)، رتبه‌بندی معیارهای مسکن پایدار با استفاده از روش ANP، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم اجتماعی، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا، ۱۵-۱.
- مرکز آمار ایران (<https://amar.org.ir>). نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵.
- ملکی، سعید و شیخی، حجت. (۱۳۸۸)، بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی مسکن در سطح استان‌های کشور با استفاده از روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی، فصلنامه برنامه‌ریزی مسکن و محیط
- روستا، ۱۲۷، ۱۰۷-۹۴.
- مهدیان پور، جواد و صارمی، حمیدرضا. (۱۳۹۶)، بررسی شاخص‌های کمی، اقتصادی مسکن و پیش‌بینی ساختار جمعیت، قیمت مسکن و مسکن مورد نیاز تا افق ۱۴۱۰ برای شهر تهران، مجله مطالعات مدیریت شهری، ۳۱، ۵۷-۳۱.
- میروسی‌زاده، حامد. (۱۳۹۷)، تحلیل شاخص‌های کمی کیفی مسکن در سطح منطقه ۱۶ شهرداری کلان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گرایش برنامه‌ریزی مسکن، دانشگاه پیام نور، واحد شهر ری.
- یعقوبی، فاطمه. (۱۳۹۶)، ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن شهر اردبیل با رویکرد شهر سالم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گرایش مسکن، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا.
- یوسف‌وند، حسین. (۱۳۹۸)، تحلیل و بررسی وضعیت شاخص‌های کمی و کیفی مسکن خرم‌آباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران.
- Amao, Funmilayo Lanrewaju (2012), Housing Quality in Informal Settlements and Urban Upgrading in Ibadan, Nigeria, A Case Study of Apete in Ibadan, Developing Country Studies, Vol 2, No.10, 2012.
- Cellmer, Radosław; Cichulska, Aneta; Belej, Mirosław (2020), Spatial Analysis of Housing Rises and Market Activity with the Geographically Weighted Regression, ISPRS International. Journal of Geo-Information.

- 2020, 9, 380.
- Edwards, B and Turrent.B (2000). Sustainable housing, London: and FN spon.
 - Liu Wen Tao (2014), the influence of housing characteristics on rural migrants' living condition in Beijing Fengtai District, Housing and Building National Research Center (HBRC) Journal, Volume 11, 2015 - Issue 2.
 - Nix, Emily; Paulose, Jacob; Shrubsole, Clive; Hector Altamirano-Medina; Michael Davies; Renu Khosla; Kristine Belesova; Paul Wilkinson (2020), Evaluating Housing Health Hazards: Prevalence, Practices and Priorities in Delhi's Informal Settlements, J Urban Health (2020) 97: pp 502–518.
 - Opoko, Akunnaya P; Oluwatayo, Adedapo A; Ezema, sidore C; Opoko, Chidinma Abigail (2017), Residents' Perception of Housing Quality in an Informal Settlement, International Journal of Applied Engineering Research ISSN 0973-4562 Volume 11, Number 4.
 - With.R (2002). Building the ecological city, wood head, publishing CRC Press.

بررسی وجوه تمایز خانه‌های آرامنه جلفای اصفهان با خانه‌های مسلمانان (مطالعه موردی: خانه‌های خواجه پطرس و سوکیاس)

محمد منوچهر^۱

کارشناس ارشد فلسفه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۴۷ - ۵۸

چکیده

خانه‌ها می‌توانند به غیر از سکونت دارای کارکردهای متفاوت دیگری مانند بستر وقوع فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشند. علاوه بر این ساخت خانه‌ها و نمای درونی و بیرونی آن متأثر از موقعیت‌های اجتماعی، اقلیمی، سیاسی و فرهنگی منطقه و ساکنین آن است و به همین دلیل است که تنوع بسیار زیادی را از حیث ظاهر خانه‌ها در نقاط مختلف همچنین سبک ویژه‌ای را در یک منطقه شاهد هستیم. یکی از ویژگی‌های موقعیتی اصفهان که حائز اهمیت است، حضور آرامنه در منطقه جلفای اصفهان است که از نظر فرهنگی با سایر ساکنین اصفهان یعنی مسلمانان متمایز بوده‌اند و این سؤال ایجاد می‌شود که این تمایز فرهنگ در بستر اصفهان با فرهنگ غالب اسلام، چگونه خود را در خانه‌های آرامنه نمایان کرده است. این مقاله با بررسی دو خانه خواجه پطرس و خانه سوکیاس به بررسی این وجوه تمایز و اشتراک می‌پردازد. آنچه در این بررسی مشخص می‌شود این است که آرامنه جلفای اصفهان هرچند بنا به دلایلی خانه‌های خود را متأثر از خانه‌های اصفهان ساخته‌اند؛ اما ویژگی‌های فرهنگی‌شان را نیز بر خانه‌هایشان تحمیل کرده‌اند که بیشتر در نمای درونی آن قابل ملاحظه است. **واژگان کلیدی:** محله جلفای اصفهان، سبک معماری خانه‌های آرامنه، سبک معماری خانه‌های مسلمانان.

۱. نویسنده مسئول: mohammad.manouchehr0098@gmail.com

آگاهی و شناخت ارزش‌های والای معماری، هنری و فرهنگی تخریب شده است.

هم‌اکنون جلفای نو دارای هشت محله‌ی میدان بزرگ، میدان کوچک، چارسو، قارکل، هاکوپیان، سنگ تراش‌ها، تبری‌ها و ایروانی‌هاست که شش محله اول در سال‌های اول مهاجرت ارامنه به اصفهان در زمان شاه عباس اول و دو محله تبری‌ها و ایروانی‌ها حدود ۵۰ سال بعد در زمان شاه عباس دوم در پی دستور شاه مبنی بر خروج ارامنه از اصفهان ساخته شده است. این گروه از ارامنه در قسمت غربی جلفای نو چندین محله ساختند که این محله‌ها بعداً مسلمان‌نشین شد و تنها دو محله ایروانی‌ها و تبری‌ها هنوز ارمنی‌نشین است (کارپتیان، ۱۳۸۵: ۸).

در این نوشتار با بررسی ویژگی‌های کلی خانه‌های ارامنه جلفا به بررسی و معرفی دو خانه خواجه پطرس و خانه سوکیاس پرداخته می‌شود و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که ویژگی‌های مذهبی و اجتماعی سازندگان این خانه‌ها چه تأثیری بر شکل خانه و تمایز آن با خانه‌های غیر ارامنه شده است.

مبانی نظری

کوچ ارامنه به اصفهان

در اواخر سده شانزدهم میلادی در نتیجه سوء مدیریت حکام عثمانی و ظلم و تعدی روا داشته شده به ارامنه، ارمنستان دچار قحطی شدیدی بود. به همین دلیل گروه پرشماری از ارامنه که از لحاظ مالی توان انتقال خانه و مال خود به نقاط دوردست را داشتند، کشور خویش را به سوی مکان‌های جدیدی ترک کردند. این گروه هنگام رسیدن به اصفهان با شاه عباس اول مذاکره کردند که وی ضمن خوش‌آمدگویی دوستانه اجازه اقامت در اصفهان و نواحی اطرافش را به ایشان اعطا نمود. شاه عباس بلافاصله به اهمیت فواید حاصل

خانه مکانی است برای سکنی‌گزیدن و سرپناهی است برای زندگی؛ اما اهمیت آن تنها به‌عنوان سرپناه نیست، بلکه می‌تواند محیطی برای شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد. از سوی دیگر شکل ساخت خانه با موقعیت‌های اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی هر منطقه‌ای پیوند خورده و از آن تأثیر پذیرفته است. همچنین خانه می‌تواند مکانی برای تبلور هنرهای گوناگون معماری، نقاشی، منبت‌کاری و... باشد؛ لذا بررسی خانه فراتر از ساختمانی دارای ویژگی‌های فیزیکی، از رویکردی اجتماعی و تاریخی و هنری بسیار حائز اهمیت است. از جمله خانه‌هایی که در ایران به آن‌ها توجه ویژه شده و سندی بر تاریخ چند صد ساله هستند، خانه‌های منطقه جلفای اصفهان است.

جلفای نو یکی از مراکز مهاجرت و اسکان ارامنه در ایران و جایگاه کلیساها و خانه‌های زیبا و باشکوه بوده است. از آن همه خانه، تنها تعدادی اندک برجای مانده است و همین تعداد اندک کافی است تا شکوه و عظمت آن‌ها را گواه باشد. امروزه از چهار خانه ارزشمند جلفا اصفهان (خانه خواجه پطرس ولیجانیان، گانی، سوکیاس و داوید) به‌عنوان بخش‌هایی از دانشگاه هنر استفاده می‌شود، خانه سیمون به باشگاه ارامنه تبدیل شده و در برخی خانه‌ها چون خانه روولیان، دفاتر مهندسی مستقر شده است. در تعدادی از این خانه‌ها نیز ارامنه بی‌خانمان یا مالکان اصلی زندگی می‌کنند. تعدادی از این خانه‌ها به‌عنوان آثار ملی ایران به ثبت رسیده است؛ اما متأسفانه تعداد بی‌شماری از آن‌ها به دلایل متعدد همچون ساخت خیابان‌های حکیم نظامی و توحید، منفعت‌طلبی سودجویان و عدم

از این کوچ پی برد. او امیدوار بود با کوچ ارامنه به ایران سرزمین ارمنستان به بیابانی تبدیل شود و این امر مانع از آن گردد تا ترک‌ها پیوسته سپاهیان خود را به طور نامحدود در آنجا مستقر کنند و هر سال ایران را مورد حملات شدید قرار دهند. به این روش ایران در درجه نخست از حملات سالانه ترکان عثمانی مصون می‌ماند و در درجه دوم از آنجا که ارامنه بازرگانی تیزهوش و هنرمندانی ماهر بودند، وجودشان سبب شکوفایی هنر و تجارت ایران می‌شد (کارپتیان، ۱۳۸۵: ۳۰).

هنگامی که شاه عباس در سال ۱۶۰۳ میلادی وارد جلفای قدیم شد و با پیشوازی و هدایای ارمنیان روبه‌رو شد با مشاهده هرچه بیش‌تر ثروت ارامنه طمعش به دارایی آنان بیشتر شد و اندیشه انتقال اینان به ایران در ذهنش قوت گرفت. در واقع میزان ثروت ارامنه نبود که شاه عباس غبطه آن را می‌خورد؛ بلکه شایستگی آنان در کسب این ثروت بود. آن‌ها باوجود اینکه هیچ‌گونه کمکی دریافت نمی‌کردند و فرمانروایی نداشتند و تحت ستم نیز بودند، تنها به‌واسطه توان زیاد بازرگانی خود توانسته بودند ثروت‌های فراوانی برهم انباشته و شهرشان را به جایی باشکوه تبدیل کنند.

شاه عباس در طی چند دوره عده زیادی از ارامنه را به ایران و به اصفهان انتقال داد. وی پس از آوردن ارامنه به اصفهان با این نیت که همیشه در آنجا اقامت گزینند و دیگر به موطنشان برنگردند در آغاز با آن‌ها رفتار بسیار خوبی داشت، از جمله منازلی را به ایشان اختصاص داد و آن‌ها را در انتخاب شغل و کار آزاد گذاشت (کارپتیان، ۱۳۸۵: ۳۱).

ساخت جلفای نو

پس از استقرار کشاورزان ارمنی در روستاهای گوناگون اطراف اصفهان بیشتر آنان به همراه بازرگانان به

اصفهان نقل مکان کردند. شاه‌عباس زمین‌هایی در کناره جنوبی زاینده‌رود به آن‌ها بخشید. بعداً ارامنه خانه‌ها، کلیساها و باغ‌هایی در این منطقه ساختند که اکنون بخش کمی از آن‌ها بر جای مانده است. تمام زمین‌هایی که جلفا بر آن ساخته شد، متعلق به شاه بود که به ارامنه بخشید. در واقع شاه اراضی سلطنتی را بدیشان بخشید تا در آنجا شهری نوین بسازند. از آنجا که سرزمین خاستگاه ارامنه دیگر وجود نداشت، این اعطای زمین بدان معنا بود که آن‌ها می‌توانستند آن را طبق خوشایند و سلیقه خود بسازند. به همین دلیل بود که این شهر نوین را جلفای نو نامیدند (کارپتیان، ۱۳۸۵: ۵۰).

تاریخ کالبدی جلفا را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: جلفای قدیم یا کهنه: جلفای قدیم که در هنگام بنا شدنش «جلفای نو» خوانده می‌شد در میان باغ‌ها و زمین‌های حاصلخیز کرانه جنوبی زاینده‌رود و در جنوب غربی اصفهان شکل گرفت. خیابان شرقی - غربی نظر که محوری پهن بود با دو ردیف چنار بلند در دو طرف آن و نه‌ری که درخت‌ها را آبیاری می‌کرد، ستون فقرات جلفای قدیم محسوب می‌گردید. «درب شهریمان» دروازه شرقی و «درب سرافرازیان»، دروازه غربی جلفا بوده است که به مثابه دو نقطه، محور ناظر را تعریف می‌کند. محور شمالی - جنوبی کوچه باغ که هر کوچه یک «دهه» نامیده می‌شد، جلفا را به ده قسمت تقسیم و ارتباط خیابان نظر را با رودخانه و قسمت‌های جنوبی برقرار می‌کرد. بیش از ۶۰ سال پس از تأسیس جلفای قدیم، شهر جلفا به دلیل‌های گوناگون به سوی جنوب منتقل شد. این جابجایی به‌گونه‌ای بود که خیابان نظر که پیش از این از میانه جلفای قدیم می‌گذشت، به محوری تبدیل

شد که مرز شمالی جلفا را تعیین می‌کرد. به این ترتیب جلفای نو شکل گرفت.

به‌طور کلی جلفای اصفهان در پنج مرحله اصلی بر اثر مهاجرت و جابه‌جایی آرامنه در دوران صفویه گسترش یافت:

۱- بین سال‌های ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۵ میلادی، اوایل قرن یازدهم هجری با مهاجرت اهالی جلفای ارس به دستور شاه عباس اول، هسته نخستین شهرک جلفا در حومه جنوبی زاینده‌رود پایه‌ریزی شد.

۲- بین سال‌های ۱۶۲۰ تا ۱۶۵۵ میلادی بر اثر افزایش جمعیت، محدوده جلفا به‌صورت تدریجی گسترش یافت.

۳- در سال‌های ۱۶۳۰ تا ۱۶۴۰ در پی مهاجرت ۲۰۰ خانوار سنگتراش به این منطقه محدوده این شهرک در حوزه غربی توسعه یافت.

۴- بین سال‌های ۱۶۵۵ تا ۱۶۵۶، در پی رانده شدن ۱۲ هزار ارمنی ساکن در بخش شمالی زاینده‌رود به جلفا در زمان شاه عباس صفوی، این شهرک بالاترین اندازه گسترش خود را تجربه کرد.

۵- در سال ۱۶۷۰ میلادی، به دنبال مهاجرت گروهی از ارمنی‌های ارمنستان به جلفا و اسکان آن‌ها در محله ایروانی‌ها، دوباره محدوده این شهرک در حوزه غربی توسعه یافت (اصانلو، ۱۳۹۱: ۴).

محدوده‌ای که شاه عباس اول به آرامنه اعطا کرد تا جلفای نو را بر آن بنا نهند از جنوب به محله‌های تبریزی‌ها و سنگ‌تراش‌ها، از شمال به زاینده‌رود، از شرق به مسیر چهارباغ منتهی به هزار جریب و از غرب به محله ایروانی‌ها محدود می‌شد.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش کتابخانه‌ای و مبتنی بر مطالعه مدارک، اسناد و پژوهش‌های پیشین است.

بحث

منزل‌های مسکونی محله جلفا

بررسی منزل‌های مسکونی ارمنیان جلفا و مقایسه آن با منزل‌های مسکونی مسلمانان، جنبه‌های اشتراک و نیز تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. در طراحی نقشه خانه‌های ارمنیان جلفا، به‌طور کلی از نقشه خانه‌های مسکونی مسلمانان پیروی شده است. طراحی با الگوی حیاط مرکزی، رعایت محرمیت‌ها، تزئین‌های شاخص در نماهای رو به حیاط، استفاده نکردن از تزئین‌ها در نماهای خارجی، ورودی با طراحی هشتی و رعایت سلسله مراتب تا رسیدن به فضای حیاط و نوع چیدمان فضاها در پیرامون حیاط مرکزی از جمله مواردی هستند که می‌توان به‌منزله جنبه‌های اشتراک این خانه‌ها با خانه‌های مسلمانان از آن‌ها نام برد. سه دلیل را می‌توان سبب وجود این وجوه اشتراک ذکر کرد: نخست، منزل‌های موجود در جلفا در اختیار افراد سرشناس و تاجران معروف آن زمان بوده که ارتباطشان با مردم اصفهان بیشتر از ساکنان جلفا بوده و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرفته‌اند. دوم آن که رفت‌وآمد شاه و درباریان به این منزل‌ها ساختن چنین منزل‌هایی با نقشه‌های مشابه با خانه‌های اصفهان و رعایت حریم‌های لازم را ایجاب می‌کرده است. دلیل دیگر، اقلیم منطقه است. لزوم روبارویی با شرایط جوی و اقلیمی منطقه نوع خاصی از چیدمان فضاها، ابعاد و تناسب‌های بازشوها، جهت‌گیری نقشه و ... را بر طراح تحمیل می‌کرده است. برای جنبه‌های تفاوت خانه‌های جلفا با خانه‌های مسلمانان نیز می‌توان به تزئینات داخلی بناها از جمله استفاده از نقاشی‌های دیواری که تأثیر گرفته از اعتقادات مذهبی ارمنیان بود، اشاره کرد (اصانلو، ۱۳۹۱: ۸).

به‌نام پدارم و آزاده حریری در مقاله «خانه‌های تاریخی

با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان» (۱۳۹۵) به اهمیت نقش تجارت و پیشه بازرگانی و رابطه با دربار در نحوه معماری خانه‌های آرامنه اصفهان اشاره کرده‌اند:

«بازرگانان اصفهان در دوران قاجار و صفوی ارتباط میان مردم و حاکمیت را سامان می‌بخشیدند و با تأمین بخش‌هایی از درآمد پادشاهی، جایگاه اجتماعی خود را ارتقاء بخشیده بودند. این بازرگانان در محلات مختلف این شهر خانه‌های زیبا با فضاهای شکیل برای پذیرایی از همکاران و مراجعین خود جهت تجارت احداث نمودند. حضور این طیف متمول در محله‌های شهر اصفهان بر سازمان فضایی، شبکه‌های ارتباطی و سیستم‌های تأسیسات شهری تأثیر مستقیم داشته و نوعی سازمان اجتماعی مبتنی بر فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی را معرفی می‌نماید که تجار در آن نقش اساسی داشته‌اند. یکی از تفاوت‌های فرمی این گونه با سایر خانه‌ها جهت‌گیری اصلی خانه است. غالباً در خانه‌های تجار مخصوصاً تجار محله جلفا به خاطر پذیرایی از بازرگانان و تجار دیگر کشورها در فصل تجارت آن روزگار (بهار و تابستان) شاخص‌ترین جنبه در بخش جنوبی (نَسرد) ساخته شده است. این در حالی است که جنبه غالب اقلیمی در شهر اصفهان، بخش شمالی است. در خانه‌های متعلق به ملاکان و اربابان نیز، حیاط‌های بیرونی بزرگی برای مراجعه و پذیرش رعیت‌هایی از ده و انبارها و طولی‌های بزرگی برای ذخیره کردن سهم اربابی وجود دارد. معمولاً این حیاط‌های بیرونی به علت تفاوت مراجعان آراستگی و شکوه بیرونی‌های خانه‌های روحانیون و تجار را ندارند. خانه ادیب برومند ۱۲ گز، از نمونه خانه‌های اربابی می‌باشد که رعایا برای حسابرسی و پرداخت سهم اربابی در آن حاضر می‌شدند. در این خانه انبارهای

بزرگی ساخته شده است. چله خانه که به نگهداری غلات، گندم و جو، اختصاص دارد. همچنین طولی‌های بزرگی برای نگهداری حیوانات رعایا و یا سهم اربابی وجود دارد.»

به‌طور کلی ویژگی‌های خانه‌های جلفا عبارت‌اند از:

- ۱- اکثر خانه‌ها دارای دیوارهای بلند بیرونی و ساختار درون‌گرا هستند.
- ۲- اکثر خانه‌ها دارای ارتفاع بلند به‌اندازه دو طبقه در یک یا چند جنبه خود می‌باشند.
- ۳- مصالح اصلی خانه‌ها از خشت است و عمارت اصلی به‌وسیله آمود، پوسته الحاقی، حفاظتی و تزئینی، آجری پوشش داده شده است.
- ۴- غالباً دارای وسعت زیاد از نظر سطح زیرساخت و عرصه‌های اطراف بنا همانند باغ و باغچه بوده‌اند.
- ۵- فضاهای اصلی معماری خانه‌های ایرانی شامل دیوارهای بلند، سردر تزئینی ورودی، سکوی دوم در هشتی، حیاط مرکزی و اتاق‌های اطراف آن، سقف‌های گنبدی و پوشش و طاق و تویزه، قرارگیری روی صفیه‌هایی با ارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتی متر را در بر می‌گیرند.
- ۶- غالباً دارای پوش گیاهی شامل درختان انجیر، توت و انگور برای کاربرد آئینی ساخت شراب بوده‌اند.
- ۷- غالباً دارای تالار صلیبی بوده که در آن‌ها از قوس‌های رایج معماری مکتب اصفهان استفاده شده است.
- ۸- نحوه بهره‌برداری از آب در داخل خانه‌های جلفا با بناهای هم عصر دوره صفوی در معماری اصفهان متفاوت است. برخلاف منازل مسلمانان حوض‌ها صرفاً جنبه تزئینی و تقلیدی دارند.

همچنین غالب خانه‌های جلفا در تزئینات اشتراکاتی با یکدیگر دارند که به دلایل اعتقادی و مذهبی کاملاً

C: بنا دارای حیاط مرکزی با دیوارهای جانبی محصور و بسته.

C1: بنا دارای سه جبهه با دیوارهای جانبی محصور و بسته، دارای حیاط مرکزی.

D: دارای دو ساختمان مجزا از هم تابستان نشین و زمستان نشین.

D1: شبیه گونه D که قسمت تابستان نشین ندارد (رازانی، ۱۳۹۲: ۴).

خانه خواجه پطرس

مالک خانه در آن زمان (۱۶۶۸ میلادی)، یکی از نام‌آورترین و ثروتمندترین بازرگانان جلفا بود. خانه وی در مرکز جلفای نواز دو بخش جداگانه تابستان نشین و زمستان نشین، گونه D، تشکیل شده بود که باغی آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کرد. بعدها بخش زمستان نشین ویران و بناهای دیگری بر جای آن ساخته شد.

معماری

طبقه همکف: روی کرسی با ارتفاع چهل سانتی‌متر نسبت به سطح باغ ساخته شده و شامل یک تالار مرکزی تقریباً صلیبی شکل با پوشش گنبدی است که در هر طرف آن یک اتاق مورب شکل و یک راهرو باریک قرار دارد. تالار مرکزی به‌عنوان هسته میانی و نقطه شاخص بنا ارتفاعی به‌اندازه دو طبقه دارد.

نمای خارجی: تناوب قرارگیری تالار مرکزی سه دری‌ها و راهروهای خدماتی در کنار هم در شکل نمای خارجی تأثیر گذارده و باعث ایجاد قاب‌هایی در آن می‌شود که قوس‌هایی با دهانه بزرگ و کوچک در آن‌ها قرار گرفته است و مطابق الگویی از معماری است که مشابهش در هنر دوره رنسانس تقسیمات عمودی تکراری نامیده می‌شد.

این ساختار دقیقاً متقارن حس وحدت و یگانگی شدیدی را القا می‌کند که معماری دوره صفویه همواره

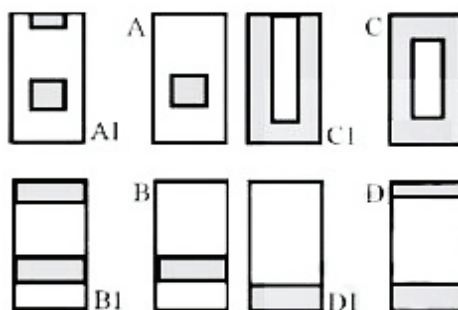
با خانه‌های مسلمان نشین اصفهان متفاوت‌اند. به‌طور کلی این تزئینات عبارت‌اند از:

۱- تزئینات نقاشی شامل نقاشی دیواری با سبک فرنگی‌سازی و مینیاتور ایرانی، پرده‌سازی ازاره‌ای، نقوش تشعیری و نقاشی گل و مرغ و اسلیمی و ختایی با استفاده از تکنیک‌های تمپرا و رنگ و روغن.

۲- تزئینات سنگ شامل سکوهای طرفین ورودی خانه، ازاره‌های سنگی با نقوش لچک ترنج به‌صورت برجسته و نقوش گل و بته و گاهی مشبک.

۳- تزئینات گچ‌بری شامل مقرنس‌های تزئینی، نقوش مهری، تنگبری، قطاربندی، گچ‌بری رنگی و...

۴- تزئینات چوبی شامل درها و پنجره‌های ارسی، گره چینی‌های هندسی، ستون‌ها و تیرهای باربر پوششی.



تصویر شماره (۱): هشت گونه ساختار معماری بنا در جلفا

در تفکیکی کلی که کاراپت کاراپتیان در سال ۱۹۶۸ میلادی انجام داده، ساختار معماری بناهای جلفا را به هشت گونه مختلف تقسیم‌بندی کرده است که این هشت گونه ساختار معماری عبارت‌اند از:

A: به‌صورت گوشک

A1: شبیه گونه A، دارای بخش زمستان نشین.

B: بنا و دیوارهای جنبی محصور و بسته و دو حیاط جدا از هم دارد.

B1: شبیه گونه B دارای بخش زمستان نشین.

نسبت به آن وفادار باقی ماند (کارپتیان، ۱۳۸۵: ۷۵). در قسمت جنوبی دیوار اتاق مرکزی تزئیناتی به شکل گچبری دیده می‌شود که شامل حجم‌هایی مانند کاسه صراحی و ظروف دیگر است. مشابه این تزئینات در کاخ عالی‌قاپو هم به چشم می‌خورد.

در وسط این اتاق حوض آبی وجود دارد که از سنگ مرمر ساخته شده است. فرورفتگی‌ای نیز در همین قسمت دیده می‌شود که به‌جای بخاری اختصاص داشته و در بالای آن بقایای نوشته‌ای به زبان ارمنی وجود دارد که به نام سازنده بنا ماتئوس و سال تولد خواجه پطرس اشاره می‌کند. در تالار دیوارنگاری بزرگی به چشم می‌خورد معروف به تابلو جنگ شاه عباس اول با عثمانیان که نبرد شاه صفوی را با قوای عثمانی، واقع در پشت دروازه‌های ایروان، به نمایش کشیده است. این نقاشی هم برای ایرانی‌ها و هم برای ارمنی‌ها اهمیت دارد. علت اهمیت آن برای ایرانی‌ها آن است که در این جنگ شاه عباس اول توانست به کمک سردار معروف خود، الله‌وردی خان و ارمنیانی که به اطاعت درآمده بودند، از جمله ملک‌شاه نظر که در التزام شاه بود، ایروان را فتح کند و برای ارمنی‌ها به این دلیل اهمیت دارد که طی این نبرد ایروان از دست ترکان عثمانی آزاد شد. این دیوارنگاری همچنین به علت نشان دادن ویژگی‌های انسانی و حیوانی، آلات موسیقی، ابزار آلات جنگی و نوع پوشش و لباس مردان و زنان قابل توجه و حائز اهمیت است.

در این دیوارنگاری، چهره شاه عباس دقیقاً با توصیفاتی که مورخان و سیاحان آن دوران درباره او آورده‌اند به چشم می‌خورد؛ یعنی، با گریزی در دست، لباسی زرد رنگ، قامتی برافراشته و سبیل‌هایی کلفت. در پشت سر شاه عباس یک هندی با لباسی متفاوت از سایرین به تصویر کشیده شده است. این شخص میرمعصوم،

فرستاده جلال‌الدین اکبرشاه است که برای اعلام فتوحات اکبرشاه به شاه عباس به ایران آمده بود. در پایین این نقاشی طاقچه‌هایی وجود دارد که داخل آن‌ها نیز نقاشی شده است.

در سقف تالار نیز ترنج بسیار بزرگی با تزئینات گل بنه‌ای به رنگ مشکی و قهوه‌ای به چشم می‌خورد که با اشکال هندسی در اطراف ترنج تزئین شده است. اتاق‌های اطراف تالار نیز که قرینه یکدیگرند، تزئینات گل بوتنه‌ای دارند و در هریک از آن‌ها هم یک بخاری دیواری وجود داشته. طبقه فوقانی ساختمان بیش از همکف آسیب دیده است؛ بنابراین اطلاعات کمتری از آن می‌توان به دست آورد؛ اما آنچه در این طبقه به‌وضوح به چشم می‌خورد قرینه‌سازی پله‌ها، پنجره‌ها، راهروها و طاقچه‌هاست. تمامی تزئینات و نقاشی‌های این خانه کار چند نقاش معروف ارمنی است. ساخت این بنا در سده هفدهم میلادی هم‌زمان است با دوران زندگی چند تن از نقاشان بزرگ ارمنی که تزئین کلیساها و خانه‌های ارمنیان را به عهده داشتند. معروف‌ترین آن‌ها میناس نقاش است که نقاشی را در حلب نزد استادان اروپایی تعلیم دیده بود. پس از آمدن میناس به اصفهان شهرت وی به‌سرعت بر سر زبان‌ها افتاد و تجار و بازرگانان ارمنی از او برای نقاشی و تزئین خانه‌های خود دعوت کردند. از جمله این بازرگانان خواجه سرافراز از بزرگان ارمنیان در قرن هفدهم میلادی است که شاه صفی صفوی نخستین بار کار میناس را در خانه او مشاهده و از میناس برای تزئین کاخ‌های خود دعوت کرد. در بایگانی کلیسای وانک، سندی از شاه صفوی درباره میناس وجود دارد که متن آن به‌قرار زیر است:

«همیون اعلی حکم عالی شد آنکه چون مسموع شد که نادرالعصر، استاد میناس نقاش، دست از کار اینجانب

کشیده و جهت دیگر نقاشی می‌کند در باب تعلیم سواد

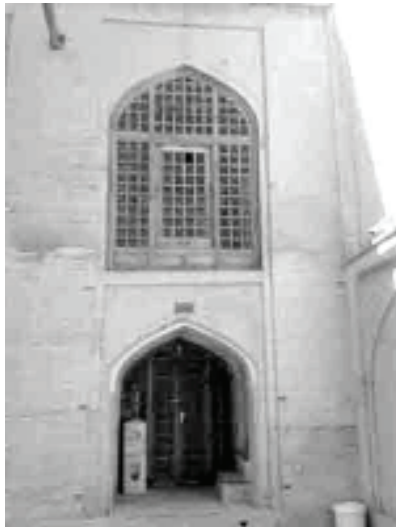
نصاب استاد رضا تغافل و تکاهل می‌نماید می‌باید که نوعی نماید که باعث خجالت و شرمندگی ایشان نشود و آنچه لازم و سعی و کوشش باشد به علم آورند که فرد مسموع نخواهد و اگر من بعد از اثر تغافل و کاهلی ظاهر شود و به عرض نواب رساند، ایشان را با خانه کوچ بدین صورت خواهد آورد. غرض که دیگر تقصیر شد تخلف جایز ندارد در عهد شناسد».

مضمون سند حاوی اختیار شاه صفی به میناس و دعوت او به ادامه کار است که نقاشی یکی از کاخ‌های شاه را نیمه کاره رها کرده و دست از کار کشیده بود.

با توجه به مهارت میناس و شهرت او چه در بین اهالی جلفا و چه در بین سران حکومتی نقاشی اکثر کلیساها و خانه‌های جلفا را در آن زمان میناس می‌کشید، از جمله نقاشی کلیسای بیت‌الحم که بانی خیر آن خواجه پطرس است. در کتیبه این کلیسا آمده تصاویر را میناس و ماردو پروس و گل بته‌های آن را استواد زور نقاشی کرده‌اند. به این ترتیب، با توجه به اینکه میناس در نقاشی کلیسای بیت‌الحم مشارکت داشته به احتمال زیاد نقاشی‌های خانه خواجه پطرس نیز از کارهای اوست.

نام میناس در کتیبه‌ای در خانه خواجه پطرس به چشم می‌خورد. در این کتیبه آمده در زمان رهبری هاکوپ، جاثلیق مقدس، به سال ۱۶۶۸ میلادی مرمت خانه به دست ماتئوس میناس صورت گرفته است. آرزوی من این است که شما دوستان هنگام دیدن و لمس کردن این نقاشی‌ها ماتئوس و والدین و پدر و خواجه پطرس و نزدیکان او را به یاد آورید.

در آن زمان نقاشان دیگری نیز بودند، از جمله هوانس مرکوز، هاکوپ جان، خواجه استپانوس که احتمالاً در کشیدن نقاشی‌های خانه خواجه پطرس مشارکت



تصویر شماره (۲): نمای خارجی خانه خواجه پطرس

خانه سوکیاس

خانه سوکیاس در محله تبریزی‌ها قرار دارد. نام داوید سوکیاس، قدیمی‌ترین مالک شناخته شده این خانه که تا امروز به گوش ما رسیده است در هیچ منبع مکتوبی نیامده است؛ اما در گذر سال‌ها این نام سینه به سینه نقل شده تا به خانواده‌ای که صاحب کنونی این خانه‌اند، رسیده و نمی‌توان با قاطعیت گفت که او خود



تصویر شماره (۳): چند نما از خانه خواجه پطرس (نمای داخلی)

دارد و خصوصیت بارزش آن وجود هسته مرکزی به ارتفاع دو طبقه است. این هسته شامل ایوانی ستون دار به همراه تالار یا حوض خانه‌ای با پلان صلیبی شکل و محاط در یک چهارگوش با سقف گنبدی به ارتفاع دو طبقه است.

فضای حوض خانه توسط ارسی الحاقی مرتفعی به ایوان ستون دار مقابل خود و به وسیله در چوبی به حیاط پشتی ارتباط می‌یابد. تالار از روبه‌رو به حیاط بزرگ و از نمای پشتی به حیاط یا باغچه مشرف است. راه ارتباطی تالار اصلی به حیاط پشتی از طریق سه در چوبی و راه ارتباط آن به ایوان ستون دار و حیاط شمالی از طریق یک ارسی مرتفع و دو در چوبی است.

در جبهه شمالی خانه سوکیاس فضایی متفاوت و تزئین شده با بقایای کاغذ دیواری و نیز نقاشی تزئینی با سبک زندیه و قاجاری وجود دارد. بیش تر صاحب نظران خانه‌های تاریخی جلفا معتقدند این فضا یک نمازخانه خصوصی بوده است.

خانه سوکیاس از لحاظ تزئینات وابسته به معماری بسیار منحصر به فرد است و دارای تزئیناتی است از قبیل نقاشی‌های دیواری، لایه چینی و سلاکاری، آجرکاری، تزئینات چوبی، تنگبری و غیره می‌باشد. تزئینات چوبی این خانه به دو ایوان ستون دار با سقف

سازنده این ساختمان بوده است یا اینکه مدتی در آن می‌زیسته است. در نبود اسناد مکتوب تاریخی می‌توان از روش‌های تقریبی و غیرمستقیم در تاریخ‌نگاری این بنا بهره برد. در تالار مرکزی خانه سیمای پادشاهی نقاشی شده که شاید شاه عباس اول باشد. در هر حال نام وی بر این نقاشی نوشته شده است. از آنجا که مجوز به تصویر کشیدن پادشاه و نگهداری تصویر وی در خانه امتیازی بود که تنها شخص پادشاه اعطا می‌کرد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که درخواست خلق این تصویر به خود پادشاه تسلیم شده و دیگر آنکه مالک خانه از امتیاز بسیار بالایی برخوردار بوده و پادشاه خود شخصاً و طی ملاقاتی حضوری وی را بدین افتخار نائل کرده است. بنا به همین دلایل به گمان بسیار این خانه در زمان شاه عباس اول ساخته شده است (کارپتیان، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

بررسی معماری خانه سوکیاس

طبق دسته بندی کارپتیان این خانه با دارا بودن ساختمان مرکزی با دیوارهای جانبی محصور و دو حیاط در جلو و پشت خانه در گروه B قرار دارد. خانه سوکیاس همچون دیگر بناهای تاریخی جلفا شامل دو قسمت شمالی و جنوبی است. فضای اصلی بنا در جبهه جنوبی واقع شده است. این جبهه تقارن دو محوری

چوبی، پنجره‌های ارسی و نرده‌های چوبی با گره چینی‌های هندسی و درهای چوبی خلاصه می‌شود. در این ایوان‌ها به غیر از تزئینات چوبی سقف که خود قاب‌بندی‌های چوبی و یک منبت کاری ساده به صورت شطرنجی دارند، سقف ایوان‌ها را دو ستون چوبی که دارای سرستون‌های مقرنس هستند، نگاه داشته‌اند.

در این خانه حدود ۵۰ نقاشی دیواری در قالب فرنگی‌سازی، نقاشی ایرانی و کپی‌های بسیار دقیقی از نقاشی‌های قرن ۱۷ میلادی مصادف با سده یازدهم هجری قمری وجود دارد که خود مجموعه‌ای بسیار غنی از لحاظ نقاشی در تاریخ جلفا و به‌ویژه تاریخچه فرنگی‌سازی ایران است.

نقاشی‌ها و تزئینات خانه سوکیاس به‌طور کلی به هفت دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱- نقاشی‌های تصویری مینیاتوری روی دیوار که با روش آبرنگ و شفاف روی بستر گچی کار شده‌اند. نمونه این نقاشی‌های ایرانی را در کاخ چهلستون و کاخ عالی قاپو مشاهده می‌کنیم.

۲- نقاشی‌های تصویری که با تکنیک رنگ و روغن روی بستر گچی به شیوه فرنگی بازسازی کار شده و چند دسته‌اند:

الف. نقاشی‌های تصویری که با تکنیک رنگ و روغن در اندازه‌های بزرگ توسط نقاشان اروپایی به تصویر درآمده‌اند.

ب. نقاشی‌های ترسیم شده با تکنیک رنگ و روغن در اندازه کوچک و اروپایی‌سازی که بسیار ظریف هستند و در آن‌ها مسئله پرسپکتیو و سایه روشن و احجام معماری در نظر گرفته شده است. نظیر نقاشی‌های دوازده ماه سال خانه سوکیاس.

ج. نقاشی‌های کپی شده و بسیار دقیق از روی باسمه‌های اروپایی که از طریق بازرگانان ارمنی و

اروپایی وارد ایران می‌شده‌اند که نمونه آن را در ایوان مرکزی سوکیاس می‌توان مشاهده کرد.

۳- نقاشی‌های گل و بوته‌ای و حیوانی تشعیری که تماماً برای تزئینات حواشی کتب به وجود آمده‌اند، روی دیوارها به همان شکل حاشیه‌های کتاب در اندازه بزرگ‌تر کار شده‌اند. این شیوه در حاشیه فضاهای معماری و گره‌سازی دیده می‌شود که حالت بسیار ظریف و زیبایی به فضا می‌دهد.

۴- نقاشی‌های گل و بوته‌ای که روی زمین از طلا می‌باشند و در تالار اصلی بر بدنه دیوارها دیده می‌شوند.

۵- تزئینات نقاشی که با طلاکاری برجسته و گود کار شده‌اند.

۶- تزئینات نقاشی روی چوب که دارای لایه تدارکاتی چسب حیوانی و گچ هستند.

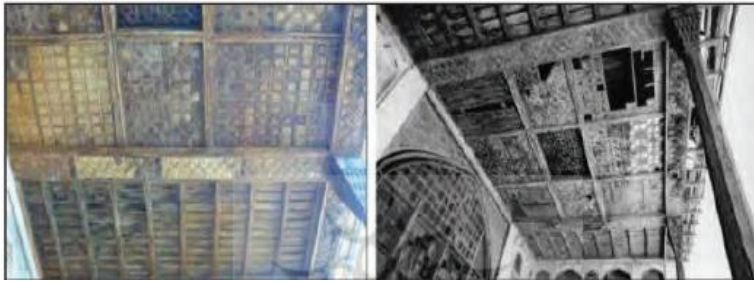
۷- تزئینات پرده‌سازی که اغلب از کف تا فاصله تقریبی یک متری انجام گرفته است (رازانی، ۱۳۹۲: ۹).

نتیجه‌گیری

شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی هر منطقه در شکل‌گیری فرم خانه‌ها تأثیرگذار هستند. منطقه جلفای نواصفهان به لحاظ بافت فرهنگی و اجتماعی‌اش که پذیرای مهاجران ارمنی با مذهب و فرهنگی متفاوت از فرهنگ اصلی و پایه ایران در زمان صفویه بوده‌اند، به‌واسطه شرایط اقلیمی اصفهان و مراودات آرامنه با مسلمانان دارای وجوه اشتراکی با خانه‌های مسلمانان در آن دوره می‌باشد که این ویژگی‌ها عبارت است از: طراحی با الگوی حیاط مرکزی، رعایت محرمیت‌ها، تزئین‌های شاخص در نماهای رو به حیاط، استفاده نکردن از تزئین‌ها در نماهای خارجی، ورودی با طراحی هشتی و رعایت سلسله مراتب تا رسیدن به فضای حیاط و نوع چیدمان فضاها در پیرامون حیاط مرکزی؛ اما باوجود این وجوه اشتراک به دلایلی چون تفاوت



تصویر شماره (۴): نمای خانه سوکیاس قبل و بعد از تغییر کاربری



تصویر شماره (۵): تزئینات چوبی خانه سوکیاس قبل و بعد از تعمیرات سال ۱۳۵۵



تصویر شماره (۶): نقاشی‌های ایوان ورودی جبهه شمالی خانه سوکیاس قبل و بعد از تغییر کاربری

مهمانان خارجی و سیاستمداران، استفاده از هنرمندان اروپایی، صرف هزینه برای تزئینات گوناگون و معماری ویژه این خانه‌ها همگی نشان‌گر فرهنگ ویژه ساکنان آن یعنی ارامنه دوره صفویه است که باعث ایجاد یک منطقه ویژه و تفاوت‌هایی با خانه‌های مسلمانان در آن زمان شده است.

فرهنگی و مذهبی و همچنین فرهنگ متفاوت ساکنان این خانه‌ها که گروه تاجران ثروتمند و افرادی مرتبط با دربار و اروپاییان بوده‌اند موجب ایجاد تمایزاتی با خانه‌های مسلمانان در آن دوره شده است که بیشترین تمایز در تزئینات خانه‌ها و به‌خصوص در کاربرد نقاشی نمایانگر است بررسی خانه‌های خواجه پطرس و سوکیاس نیز نمایانگر تأثیر روابط گسترده و میزبانی

فهرست منابع

- پدرام، بهنام و آزاده حریری، (۱۳۹۵)، خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۱(۴)، ۷۴-۹۰.
- رازانی، مهدی و پژمان الماسی نیا، (۱۳۹۲)، خانه سوکیاس در جلفای نو اصفهان: تاریخچه، معماری، تزئینات و تعمیرات، دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی دوران جدید اول، ۲، ۷۰-۵۷.
- سید العسگری، روح الله، (۱۳۸۶)، خانه خواجه پطرس، فصلنامه فرهنگی پیمان، ۴۰(۱۰).
- کارپتیان، کاراپت، (۱۳۸۵)، خانه‌های آرامنه جلفای نو اصفهان، ترجمه مریم قاسمی سیچانی، نشر فرهنگستان هنر.

تأثیر بیوفیلیک در فضای اداری جهت بهبود سلامت روان

مهدی سادات^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری داخلی، مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو، اصفهان، ایران

غزل فرجامی

دکترای معماری داخلی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۵۹ - ۷۰

چکیده

فضای اداری بعد از مسکن برای انسان با اهمیت‌ترین فضای زندگی روزمره و تعیین کننده در میزان سطح روحیه و سلامت روان کارمندان آن می‌باشد انسان بیش از هر زمان دیگر چه از نظر روحی و چه از نظر جسمی نیازمند طبیعت است. نیازی که همواره با خلقت انسان در پیوند بوده است؛ بنابراین، طراحی بیوفیلیک به منظور پاسخ به این نیاز انسان برای برقراری مجدد این تماس با طبیعت به معماری کمک می‌کند و طراحی بیوفیلیک نظریه‌ای است که هدف آن ادامه ارتباط فرد با طبیعت در محیط‌های روزانه یعنی زندگی و کار می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش با عنوان تأثیر بیوفیلیک در واحد اداری جهت بهبود سلامت روان تجزیه و تحلیلی است از طراحی بیوفیلیک که چگونه بر روی انسان تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به سلامت روانی و کاهش استرس کارکنان در فضاهای اداری کمک کند. برای نوشتن این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و با مروری بر اسناد کتابخانه‌ای صورت گرفته شده است نتایج به دست آمده نشان می‌دهد طراحی بیوفیلیک تأثیر مثبتی بر سلامت، عملکرد شغلی و تمرکز کارکنان در محیط کار می‌گذارد و در کاهش اضطراب و استرس نیز مؤثر است که با بررسی نمونه موردی‌های خارجی و الگو گرفتن از آن با کمک گیری از مؤلفه‌های بیوفیلیک همچون بهینه کردن و استفاده از نور طبیعی و صدای الهام بخش طبیعت و طیف رنگی مناسب شاخص و خنثی القاکننده حس طبیعت و بافت و فرم طبیعت‌گرا برای کیفیت بخشی بیشتر در فضا کار و اداری می‌توان ارتباط و تعامل عمیقی بین انسان با طبیعت خود برقرار نمود و از استرس و تنش‌های موجود کاست.

واژگان کلیدی: رویکرد بیوفیلیک، واحد اداری، سلامت روان، طراحی داخلی

۱. نویسنده مسئول : Mahdisadat127@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

حس آرامش و عدم استرس و اضطراب مهم‌ترین عوامل برای بالا بردن راندمان کاری کارمندان است که با پیوند انسان با طبیعت می‌توان تأثیر عمده‌ای رو این امر از فرضیه بیوفیلیا اظهار می‌کند که پیوندی غریزی و فطری بین انسان‌ها و دیگر سیستم‌های حیات وجود دارد (Al Horr, Arif, Amit Kaushik, & Katafygiotou, 2016)

معماری بیوفیلیک، یکی از رویکردهای جدید در معماری امروز است که در پی طراحی بناها با استفاده از عناصر طبیعت است تا از این طریق انسان به آرامش روحی و روانی دست یابد. در فضاهای اداری که کارمندان بیشترین اوقات روزمره خود را در آنجا می‌گذرانند می‌توان این ارتباط انسان با طبیعت را با رویکرد معماری بیوفیلیک تقویت نمود. (yin, et al., 2020)

طراحی بیوفیلیک در واقع طراحی و ساخت با توجه به طبیعت در ذهن می‌باشد. البته طراحی بیوفیلیک به این معنی نیست که ساختمان‌هایمان را با چمن و پوشش گیاهی سبز کنیم و به سادگی، جذابیت و زیبایی آن‌ها را با استفاده از درختان و بوته‌ها بالا ببریم. بلکه موضوع بحث ما خیلی بالاتر از این است و در مورد مکان بشریت در طبیعت و همچنین مکان و جایگاه جهان طبیعی در اجتماع انسان‌هاست، فضایی که تقابل، احترام و ارزشمند کردن ارتباطات می‌تواند در تمام سطوح به وجود بیاید و به شکل هنجار پدیدار شود تا یک استثناء. طراحی بیوفیلیک در هر مقیاسی، از ساختمان‌ها گرفته تا شهرها، با یک سؤال ساده آغاز می‌شود: چگونه محیط ساخته دست بشر بر محیط طبیعی تأثیر می‌گذارد و چگونه طبیعت می‌تواند بر تجربیات و اشتیاق و عملکرد انسان‌ها تأثیر بگذارد؟ «و دیگر این که» ما چگونه می‌توانیم به پایداری و منفعت دو طرفه و متقابل بین این دو (محیط طبیعی و

یکی از مسائل دنیای امروزی زندگی شهرنشینی، پیشرفت‌های فناوری است که انسان را از طبیعت دور ساخته و آسایش و آرامش انسان‌ها را به حد کافی رعایت نشده است (Sugiyama, 2021). فضاهای اداری و دفاتر کار، مکان‌هایی هستند که کارمندان بیشترین زمان روزمره خود را در آنجا می‌گذرانند و محیط اداری یکی از مهم‌ترین فضاهای زندگی کارمندان است (Shan & gang Hwang, 2018). به همین منظور کیفیت طراحی فضاهای اداری می‌تواند تأثیر بسزایی در روحیه و خلق و خوی کارمندان با اکثر فضاهای اداری که وجود دارد به رعایت اصول و قواعد برای کاهش استرس کارمندان در طراحی داخلی این فضاها توجهی نمی‌کند. نتایج حاصل از این اس در غالب فضاهای اداری طراحی شده اصول و قواعد لازم برای بهبود بخشیدن به روان و سلامت کارمندان رعایت نشده است و همین امر باعث کاهش سلامت آن در دراز مدت می‌شود.

یکی از نیازهای عمیق انسان ارتباط با طبیعت است. پیوند انسان و طبیعت همواره غیرقابل انکار بوده و سبب ادامه حیات او بوده است. (Esan & Hyunwook Youb, 2021) ارتباط تنگاتنگ انسان با طبیعت سبب شده است تا معماران نیز هم از طبیعت برای طراحی بناها الهام گرفته و هم در تالش برای مستحکم‌تر کردن ارتباط انسان با طبیعت برآیند. یکی از نیازهای روحی و روانی مهم انسان ارتباط وی با طبیعت است. توجه به عوامل طبیعی به‌ویژه طبیعت شکل گرفته فضاهای داخلی‌ها در کنار مجموعه‌های اداری می‌تواند کیفیت زندگی کارمند را ارتقا بخشیده و فضای مطلوب‌تری، برای رشد و تعالی انسان قرار دهد (Zaki, Almusaed, & Almssad Khal, 2006).

محیط ساخته دست بشر) دست پیدا کنیم؟ بیوفیلیا به نیاز عمیق انسان برای ارتباط با طبیعت است. این مهم کمک می‌کند که متوجه شویم چرا توجه به طبیعت خلاقیت انسان را بالا می‌برد. (Kellert, Heerwagen, & John Wiley and Sons, 2008)

امروزه توجه به حالات روحی و روانی کارمندان در فضای طراحی شده اداری بین معماران شهر اصفهان کم رنگ شده و همین امر باعث بروز مشکلات عدیده‌ای همچون اختلالات روانی و خستگی در کارمندان در آن محیط گردیده است. در این پژوهش شناخت تأثیرات مؤلفه‌های رویکرد معماری بیوفیلیک بر روان کارمندان و ارتقا روحیه‌ی آنان مورد بررسی است. هدف از این مطالعه و پژوهش ارائه راهکاری برای بهبود کیفیت فضای اداری توسط رویکرد بیوفیلیک برای طراحی داخلی یک واحد اداری در شهر اصفهان می‌باشد و از اهداف دیگر به بررسی اینکه با چه مؤلفه‌هایی از فضای داخلی می‌توان با رویکرد و معماری بیوفیلیک روی آن تأثیر گذاشته شود. از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی - تحلیلی است. شیوه تحلیل اطلاعات جمع آوری شده به این صورت بود بعد از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، با مراجعه به مقالات، نشریات داخلی و خارجی و سایت‌های اطلاعاتی مرتبط استخراج شده و پژوهش حاضر از نظر هدف در حیطه تحقیقات کاربردی می‌باشد. سپس با توجه به مطالب نظری گردآوری شده از اسناد کتابخانه‌ای و نمونه‌های مشابه کارشده با رویکرد بیوفیلیک در فضاهای اداری جهت خلق فضایی جهت آرامش کارمندان مورد بررسی قرار گرفت. به دلیل سپری شدن مدت زمان روزانه کارمندان در فضای اداری بهتر است با تقویت فضا از لحاظ کیفیتی و برطرف کردن نیاز عمیق انسان یعنی ارتباط و پیوند با طبیعت باعث ارتقا روان کارمندان

در دراز مدت در فضای داخلی اداری شود. در ادامه دو پروژه ساختمان اداری آمستردام و ساختمان اداری ویتنام که هر دو با رویکرد بیوفیلیک طراحی و اجرا شدند به بررسی شباهت و تفاوت‌های این دو پروژه و همچنین به بررسی تطبیقی و نتیجه‌گیری، پرداخته شده است.

روش پژوهش

نظر به اینکه هدف اصلی از انجام این تحقیق شناخت مؤلفه‌های ساختار رویکرد معماری بیوفیلیک جهت ارتقا سلامت روان است، می‌توان گفت پژوهش حاضر از نظر هدف در حیطه تحقیقات کاربردی و توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. پژوهش حاضر از حیث ماهیت و روش یک پژوهش توصیفی - تحلیلی است. نوع پژوهش در این مطالعه کیفی است و به این جهت که قابل تعمیم برای سایر فضاها نمی‌باشد و فقط مختص این مطالعه می‌باشد و شامل استفاده آگاهانه و گردآوری مجموعه از داده‌های تجربی است.

شیوه تحلیل و جمع‌آوری اطلاعات به این صورت بود که در ابتدا با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری ادبیات تحقیق به صورت کیفی پرداخته شد و سپس با بررسی تطبیقی بین دو نمونه موفق اجرا شده به شناخت مؤلفه‌هایی اصلی کارشده آن پرداخته شد. در ادامه با نتایج به دست آمده از مطالعات انجام شده و تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی به ارتقای کیفیت فضای کار با استفاده از بیوفیلیک در فضا پرداخته می‌شود و بر این اساس پیشنهادهایی برای طراحی فضا کار با رویکرد بیوفیلیک ارائه می‌شود.

پیشینه و مبانی نظری

(علی اکبر عامری صفات، محمد علی بیگی نژاد، ۲۰۱۶) در پژوهش خود با نام «تحلیل ویژگی‌های

معماری بیوفیلیک در آثار بومی ایرانی نمونه موردی: اقلیم گرم و خشک» این نتیجه حاصل شد که بیوفیلیا یک خواسته عمیق انسان برای ارتباط گیری با طبیعت است. این امر یاری می‌کند که متوجه شویم چرا تمرکز به طبیعت آفرینش انسان را افزایش می‌دهد، چرا سایه‌ها و ارتفاع القای شیفتگی و ترس دارند، چرا باغبانی و قدم زدن در پارک‌ها، اثرات شفا بخش دارند. بیوفیلیا به‌عنوان یک نظریه، بیان می‌کند که چرا بعضی از پارک‌ها و ساختمان‌های شهری بر بقیه ترجیح داده می‌شوند طراحی بیوفیلیک می‌تواند استرس را کاهش داده است.

(احسان بی طرف و همکاران، ۲۰۱۷) در پژوهش خود تحت عنوان «نظریه بیوفیلیک رویکردی در افزایش سطح کیفی فضای زندگی ساکنان مجتمع‌های مسکونی» به این دستاورد دست یافتند که طراحی بیوفیلیک در واقع تلاشی است برای از بین بردن شکافی که بین معماری مدرن (امروزی) و نیاز انسان‌ها به برقراری ارتباط با جهان طبیعی به وجود آمده است. طراحی بیوفیلیک یک رویکرد ابتکاری است که بر اهمیت نگهداری، بالا بردن و ترمیم تجربه سودمند استفاده از طبیعت در محیط ساخته شده تأکید می‌کند. طراحی بیوفیلیک را مدل جدیدی از معماری سبز می‌داند که وعده داده است انسان‌ها را دوباره با طبیعت پیوند دهد. طراحی بیوفیلیک را دانش اعصاب، محیط طبیعی و طراحی ساختمان دانسته‌اند و آن را به‌عنوان یک علم میان رشته‌ای معرفی کرده‌اند.

(Rasha Mahmoud Ali El-Zeiny، 2011) پژوهشی با عنوان «طراحی داخلی محل کار و تأثیر آن بر عملکرد کارمندان: مطالعه موردی بخش خصوصی شرکت‌های بزرگ در مصر» باهدف تأثیر قابل توجه طراحی دفتر

بر عملکرد کارکنان می‌باشد. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد در فضای کسب و کار رقابتی امروز، شرکت‌ها دیگر توانایی هدر دادن توان بالقوه را ندارند. از نیروی کار آن‌ها عوامل مهمی در محل کار کارمند وجود دارد که به‌طور قابل توجهی تأثیر می‌گذارد. حل کار باعث افزایش ۱۹ درصدی بهره‌وری کارمندان و ۱۷ درصدی بهره‌وری از کارکنان آن‌ها می‌شود. این پیشرفت‌ها در صورت اثبات پیامدهای زیادی برای اقتصاد دارند. تحقیق در یک نظرسنجی از ۲۰۰۰ کارمند دفتر در ایالات متحده آمریکا که نشان می‌دهد ۹۰ درصد از پاسخ دهندگان معتقد بودند که طراحی داخلی بهتر و چیدمان منجر به عملکرد بهتر کارمندان می‌شود نتایج مطالعه نشان داد که ۳۱ درصد کارمندان از شغل خود راضی بوده و از محل کار جذابی برخوردار هستند. 50 درصد کارمندان به دنبال کار بودند و گفتند که کار در یک محیط کار را ترجیح می‌دهند شرکتی که محل کار فیزیکی آن مطلوب است. عوامل طراحی داخلی که بر بهره‌وری و عملکرد تأثیر می‌گذارند.

Melissa Beck و همکاران، ۲۰۱۹ (در پژوهشی با عنوان «پتانسیل اعمال محیط مجازی همه جانبه به طراحی ساختمان BIOPHILIC» به بررسی و آزمایش ویژگی‌های طراحی بیوفیلیک از سطح استرس، عملکرد شناختی و خلق و خوی خود برای اندازه گیری در تأثیر طرح‌های بیوفیلیک و برای محقق شدن این موضوع پرداختند.

در طراحی بیوفیلیک این مطالعه از سطح استرس، عملکرد شناختی و خلق و خوی خود گزارش شده برای اندازه گیری تأثیر طرح‌های بیوفیلیک این مطالعه گزارش داد که محیط زیست دوستانه، هم مجازی و هم محیط زیست، به بهبود خلق و خو و کوتاه مدت کمک کرد به‌خصوص، زمان قرار گرفتن در معرض

ویژگی‌های زیست‌دوستانه در آزمایش مهم است زیرا ارتباط مستقیمی با اثربخشی آزمایش دارد. مطالعات تجربی در مورد قرار گرفتن در معرض طبیعت نشان می‌دهد که فعالیت در طبیعت به‌طور بالقوه منجر به تعاملات اجتماعی بیشتری می‌شود و برای بهبود سلامت، طبیعت به انسان‌ها کمک می‌کند تا از زندگی روزمره رها شوند و همچنین ممکن است استرس و تأثیر منفی آن را از نظر روحی و روانی کاهش دهد. (Nelly Shafik Ramzy, 2014) پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های بیوفیلی معماری تاریخی» انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که طرح‌هایی که انسان را به طبیعت متصل می‌کنند مطالب و پیکربندی‌های منظره، به‌منظور تقویت احساس کلی رفاه انسان، با مثبت و عواقب درمانی بر فیزیولوژی یافته‌ها در زمینه روانشناسی محیط هستند. همچنین نشان داد که این ویژگی‌ها اثرات مثبتی بر روی بهره‌وری انسان دارند و می‌توانند استرس را کاهش دهند. فرصت‌های تماس با این عناصر، در زندگی مدرن شهری به‌طور فزاینده‌ای کاهش می‌یابد.

سلامت روان

مفهوم سلامت روان شامل احساس آرامش، احساس خودتوانمندی، کفایت و شناخت توانایی خود در محقق ساختن ظرفیت‌های عقلی و هیجانی خویش است. سلامت روان یا بهداشت روانی حالتی از رفاه است که در آن فرد توانایی‌هایش را می‌شناسد و می‌تواند با استرس‌های معمول زندگی خود به سازش و سازگاری برسد و از نظر شغلی و برای اجتماع خود مفید و سازنده باشد و با دیگران همکاری و همدلی داشته باشد. (نوربالا، ۱۳۹۲)

افرادی که از سطح سلامت روان بالایی برخوردارند، هیجانات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند، اعتماد به

نفس و عزت‌نفس بالایی دارند، نسبت به دنیا و دیگران خوش‌بین‌تر هستند، روابط بین‌فردی بهتری را می‌توانند شکل بدهند، استعداد و توانایی‌های خود را شکوفا کرده، به جامعه خود کمک می‌کنند و انعطاف‌پذیری بیشتر برای یادگیری مهارت‌های جدید و سازگاری با تغییر را دارند و احتمال افسردگی، خودکشی، عزت‌نفس پایین و رفتارهای خشونت‌آمیز در آن‌ها کمتر است. سلامت روان به زندگی سالم کمک می‌کند، بیماری‌های روانی می‌تواند، توانایی افراد برای انجام زندگی روزانه را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. (Ayuso Sanchez, Ikaga, & Vega, 2018)

عوامل زیادی بر روی سلامت روان به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم و به‌صورت مثبت یا منفی، اثر می‌گذارند، از جمله عوامل خطر ساز مؤثر بر سلامت روان، می‌توان به فقر، بیکاری، درآمد کم، جنگ، تغذیه ناسالم و ورزش نکردن، افت تحصیلی در دانش‌آموزان، احساس تنهایی، بحران هویت، دسترسی آسان به مواد مخدر، اختلاف و ناسازگاری خانوادگی، والدین یا بستگان معتاد به مواد مخدر و یا الکل و دوستان ناباب اشاره کرد. عوامل محافظت‌ساز مؤثر بر سلامت روان، می‌تواند به وضعیت اقتصادی مناسب، برخورداری از رژیم غذایی مناسب، روابط مثبت با دیگران، تحصیلات، تأهل، دین‌داری، عزت‌نفس، کنترل استرس و استقلال اشاره کرد. (پورجوادی، ۱۳۸۴)

مؤلفه‌های سلامت روان

دیدگاه‌های متفاوت و مختلفی برای مفهوم سلامت روان و مؤلفه‌های آن ارائه شده است، از مهم‌ترین مدل‌های به‌زیستی روان‌شناختی مدل ریف است که سلامت روان را دارای ۶ مؤلفه سلامت روان شامل

ارائه می‌کند. (mangonea, Capaldi, & Luscuerea, 2017)

مؤلفه‌های معماری بیوفیلیک

مقادیر، اجزاء و خصلت طراحی بیوفیلیک بعد اول معماری بیوفیلیک بعد طبیعی است که به شکل اشکال و فرم‌های محیط ساخته شده که مستقیماً یا غیرمستقیم یا به‌طور استعاری وابستگی غیرقابل تفکیک انسان را با طبیعت انعکاس می‌دهند، تعریف می‌شود. تجربه‌ی مستقیم به تعامل بی‌قاعده با خصلت خودپایدار طبیعت مانند نوروز، گیاهان، حیوانات، زیستگاه‌های طبیعی و زیست‌بوم‌ها باز می‌گردد. تجربه‌ی غیرمستقیم حاوی ارتباط با طبیعت در راستای بقا است مثل گیاه درون گلدان، آبنا یا فواره و آکواریوم. تجربه‌ی استعاری نیز حاوی ارتباط واقعی با طبیعت نمی‌شود اما حاوی بیان و ارائه جهان طبیعی از خلل تصاویر، مفهوم و امثال آن است. بعد اساسی دوم معماری بیوفیلیا، بعد مکان‌محور یا بومی است که به‌عنوان ابنیه و محوطه‌هایی که با فرهنگ و زیست‌بوم محلی و جغرافیایی یک محدوده در تعامل هستند عنوان می‌شود. مردم خواستار تجربه کردن یک رضایتمندی احساسی، عاطفی و روحی می‌باشند که تنها از یک اثر متقابل دوستانه، نزدیک به دست می‌آید. این اثر متقابل و درک روح مکان را شکل می‌دهد. فضا خصلت‌های یک مکان را از خلل ادغام یک نظم طبیعی و انسانی به دست می‌آورد. دو بعد بیان‌شده می‌توانند با شش مؤلفه‌های طراحی بیوفیلیک هماهنگ باشند و در نهایت شش مؤلفه یادشده بیش از هفتاد خصلت طراحی بیوفیلیک را عنوان می‌کنند. (Sugiyama, 2021)

خودمختاری (داشتن استقلال و قدرت تنظیم رفتار از درون)، رشد شخصی (تحول مداوم نیروهای بالقوه خویش)، داشتن ارتباطات مثبت با دیگران (داشتن روابط گرم و صمیمانه با دیگران و توانایی دوست داشتن)، زندگی هدفمند (داشتن هدف‌های کلی، مقاصد و حس جهت‌گیری در زندگی) و تسلط بر محیط (توانایی انتخاب یا ایجاد بافت‌های محیطی مناسب با شرایط روانی خویش) و پذیرش خود (پذیرش دیدگاه مثبت نسبت به خود) دانست که توضیحات هر یک از این موارد در ادامه متن ارائه شده است. (demersa, et al., 2019)

رویکرد بیوفیلیک

وارد شدن بیوفیلیک به حوزه‌ی طراحی به خلاف گرایشات دیگر معماری از عرصه نظری و کتب علمی شروع شد. در اصل طراحی بیوفیلیک در آغاز فقط به دنبال ابنیه دارای مزایای مورد نظرش بوده، نه به دنبال بیرون‌کشیدن مزایای ابنیه ساخته‌شده برای شکل دهی به یک فرضیه طراحی که غالباً متد متداول در به‌وجودآمدن گرایشات معماری بوده است. بایوفیلیا با همت دکتر استفان کلرت به حوزه‌ی طراحی ورود کرد. نخستین بیانیه‌ی طراحی بیوفیلیک به‌وسیله استفان کلرت به همراهی چاپ کتاب تشکیل برای زندگی در سال ۲۰۰۵ شکل گرفت و در سال ۲۰۰۸ با ترویج کتاب معماری بایوفیلیا با همراهی آقای مارتین مادور و خانم جودیس هیرواگین تکمیل یافت. آقای کلرت در این کتاب هفتاد و دو مؤلفه و عنصر طبیعت را برای حضور در فضا انسان‌ساخت ارائه می‌دهد، در حوزه‌ی طراحی شهری نیز آقای تیموتی بیتلسی از عاملان سرشناس شهرسازی سبز کلیاتی از شهر بیوفیلیک را در این کتاب بیان می‌نماید و در سال ۲۰۱۱ به مفصلاً در کتاب شهر بایوفیلیا مزایای یک شهر بیوفیلیک را

جدول شماره (۱): ابعاد و عناصر طراحی بیوفیلیک،
(kellert, heerwagen, & Mador, 2008, p. 15)

ابعاد طراحی بیوفیلیک	عناصر طراحی بیوفیلیک
بعد ارگانیک و طبیعی	خصوصیت‌های محیطی
بعد مکان محور / گویشی (بومی)	ساختار و مدل‌های طبیعی
	مدل‌ها و سیستم‌های طبیعی
	نور و فضا
	تعاملات مکان محور
	گرایش‌ات تکامل یافته‌ی انسان و طبیعت

روی نمای ابنیه و درون طرح‌های داخلی انجام شکل می‌گیرد. ۱. نقش فحسوی گیاهی ۲. درخت و حفظ کننده طبیعی ۳. شکل‌هایی که در تقابل خطوط راست و زوایای قائمه استقامت دارند ۴. شکل‌هایی صدفی و حلزونی ۵. نقش فحسوی حیوانی (مهره داران) ۶. تخم مرغ، بیضی و فرم‌های لوله ۷. طاق‌ها و آرگ‌ها ۸. مشابه‌سازی خصلت‌های طبیعی ۹. بیومورفی ۱۰. ژئومورفولوژی ۱۱. زیست‌وارگی (Shan & gang, Hwang, 2018)

نور و فضا

در این قسمت هفت گونه از گونه‌های عنوان شده به کیفیات نور می‌پردازد و پنج مورد بر تعاملات فضایی تأکید دارد. ۱. نور طبیعی ۲. نور پنخس شده و فیلتر شده ۳. نور و سایه (سایه روشن) ۴. نور بازتابی ۵. استخرهای نور ۶. نور گرم ۷. نور باهدف شکل و فرم ۸. حس وسعت داشتن ۹. گوناگونی فضایی ۱۰. فضا باهدف شکل و فرم ۱۱. هماهنگی (هارمونی) فضایی ۱۲. محیط‌های داخل - بیرون (Hyun Lee, 2019)

تعاملات مکان محور

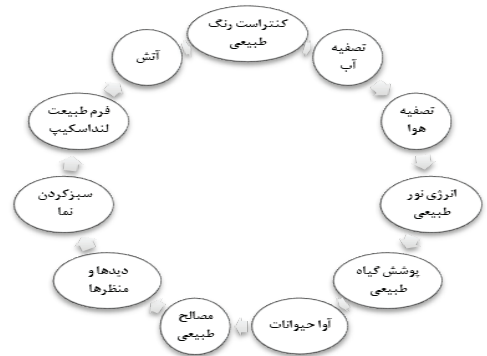
اختصاراً تعاملات مکان محور شامل ۱. ارتباط جغرافیایی با مکان ۲. رابطه‌ی تاریخی با مکان ۳. ارتباط اکولوژیکی با مکان ۴. تعامل فرهنگی با مکان ۵. مصالح بومی ۶. جهت‌گیری محوطه‌سازی (لنداسکیپ) ۷. خصلت‌های محوطه فضا که فرم ساختمان را بیان می‌کند ۸. اکولوژی محوطه (وضعیت زیست‌شناسانه‌ی محوطه طرح) ۹. تلفیق فرهنگ و اکولوژی ۱۰. روح مکان ۱۱. اجتناب از بی‌مکانی می‌شوند. (Hyun Lee, 2019)

گرایش‌ات تکاملی بشر و زیست و طبیعت

این ویژگی‌ها اختصاراً شامل چشم‌انداز و سرپناه، نظم و پیچیدگی، کنجکاو‌ی و وسوسه، تغییر و دگردیسی

خصوصیت‌های محیطی

خصوصیت‌های محیطی غال با در چند دسته ۱. رنگ ۲. آب ۳. هوا ۴. نور خورشید ۵. گیاهان ۶. حیوانات ۷. مصالح طبیعی ۸. دیدها و منظرها ۹. سبزی کردن نما ۱۰. زمین‌شناسی و لنداسکیپ ۱۱. آتش خلاصه می‌شوند. (Ayuso Sanchez, Ikaga, & Vega Sanchez, 2018)



شکل شماره (۱): ویژگی‌های محیطی برای طراحی بیوفیلیک

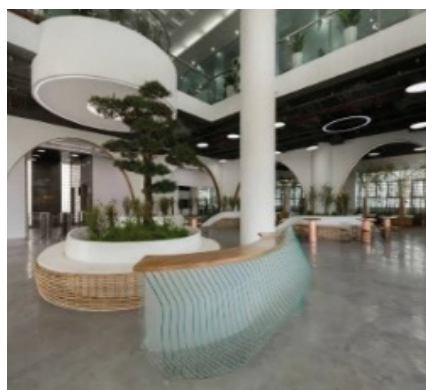
ساختار و مدل‌های طبیعی

نمایش مجدد و شبیه‌سازی جهان طبیعی اکثراً بر

پروژه ساختمان اداری ویتنام در کشور ویتنام در سال ۲۰۱۹ میلادی بنا شده است. طراحی آن با شرکت معماری آی پلاس بوده است و مساحت زمین آن ۶۷۰ متر مربع بوده است و عملکرد آن دفتر کار می‌باشد. از دلایل انتخاب این پروژه، استفاده معمار از فرم‌های هندسی طبیعت گرا و منحنی و استفاده از هارمونی و طیف رنگی طبیعت و گرم به صورت شاخص و همچنین استفاده از نور طبیعی حداکثری در پروژه و از همه مهم‌تر به کاربرد مصالح طبیعی همچون گیاهان و چوب درختان دلیل انتخاب این پروژه برای بررسی تطبیقی می‌باشد.



شکل شماره (۴): دفتر سبز آمستردام، (IPLUS, 2019)



شکل شماره (۵): ساختمان مدیریتی ویتنام،

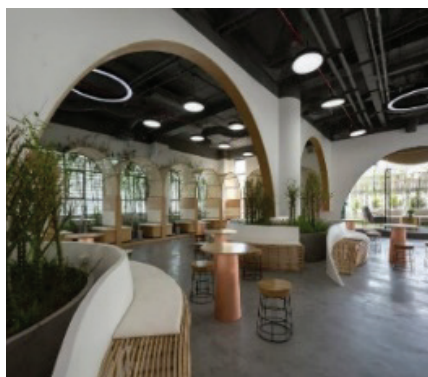
(IPLUS, 2019)

(دگرگونی)، امنیت و محفوظ بودن، تسلط و کنترل، دل‌بستگی و وابستگی، جذابیت و زیبایی، تجسس و اکتشاف، اطلاعات و ادراک، ترس و مهابت (سهمگینی) و احترام و روحانیت می‌باشند. (demersa, et al., 2019)

بررسی تطبیقی دو نمونه پروژه با رویکرد بیوفیلیک
 دو نمونه موفق خارجی به نام ساختمان اداری ویتنام و دفتر اداری آمستردام که در زمینه اجرای با رویکرد و عناصر بیوفیلیک و همچنین به بررسی علل انتخاب نمونه موردی مدنظر و اینکه چه عامل یا عوامل مؤثر در گزینش انتخاب و بررسی مؤثر بوده است به بررسی پرداخته می‌شود.



شکل شماره (۲): دفتر سبز آمستردام (IPLUS, 2019)



شکل شماره (۳): ساختمان مدیریتی ویتنام، (IPLUS, 2019)

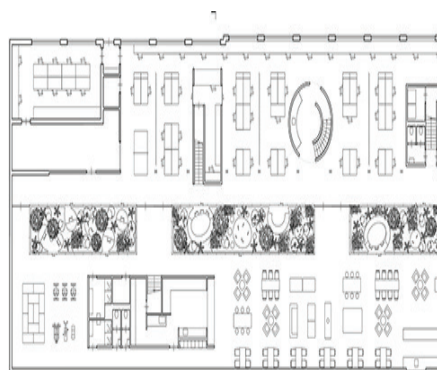
بیشتر طبیعت و عناصر بیوفیلی از طراحی پاسیو گیاهان و باکس گیاهی ویژه برای هر میز کار و کارمندان و استفاده از دیوارهای شیشه‌ای جهت عبور نور طبیعی به همه فضاها و همچنین استفاده هوشمندانه از کنتراست رنگی خنثی و فقط استفاده از رنگ شاخص سبز به میزان مطلوب و معین که توجه مخاطب رو به سمت این رنگ و حس رابطه نزدیک‌تر با طبیعت می‌پردازد.



شکل شماره (۷): پلان ساختمان مدیریتی ویتنام،
(IPLUS, 2019)

پلان ساختمان اداری آمستردام برعکس پروژه اداری ویتنام که ساماندهی آن شعاعی می‌باشد، به شکل مستطیل می‌باشد و ساماندهی فضا همگی به شکل خطی می‌باشد. در همین راستا یکی از نقاط ضعف این پروژه در ساماندهی به وجود آمده، محوریت مرکز آن می‌باشد که انرژی لازم طبیعی مثل نور و یا چشم انداز طبیعی دید ندارد اما طراح پروژه اداری آمستردام دقیقاً این نقطه ضعف رو به نقطه قوت تبدیل کرده و با ایجاد یک پاسیو در مرکز پلان به فرم مستطیل مشابه و متناسب خود فرم پلان و شفاف کردن سقف آن به وسیله شیشه و همچنین گرفتن نور و انرژی و نزدیک کردن فاصله انسان با طبیعت با قرار گیری گیاهان بزرگ و سبز در پاسیو و چیدمان مبلمان فضای

دفتر اداری سبز در آمستردام در شهر آمستردام هلند واقع گردیده است و سال ساخت آن ۲۰۱۶ میلادی می‌باشد. طراحی آن به عهده شرکت معماری space encounters بوده است و مساحت زمین ۱۶۰۰ متر مربع می‌باشد. از دلایل انتخاب این پروژه داشتن فضا سبز در داخل خود (پاسیو) و استفاده از آن به عنوان محیط کار اشتراکی و همچنین سقف شفاف پاسیو و گرفتن نور طبیعی که توانسته علاوه بر تأثیر بر نحوه کارکرد کارکنان، روحیه و روان آنان و راندمان کاری‌شان تأثیر بسزایی بگذارد یک محیط بیوفیلیک بسیار قوی در مرکز پلان آن به وجود آمده است و دلیل اصلی انتخاب این پروژه برای مقایسه تطبیقی می‌باشد



شکل شماره (۶): پلان دفتر سبز آمستردام،
(IPLUS, 2019)

طراح پروژه ساختمان اداری ویتنام در رویکرد بیوفیلیک در ورودی به بخش لابی مجتمع اداری از عناصر و مؤلفه‌هایی همچون استفاده از قوس و منحنی در آرگ بین دو ستون و استفاده از پاسیو گیاهان و استفاده از نور و مصالح طبیعت مثل چوب و فرم گرد گوشه مبلمان و رنگ شاخص سبز گرم استفاده شده است که همگی القای حس طبیعت نزدیکی به انسان در فضا می‌شود. در فضای میز کار اشتراکی برای ایجاد حس

جدول شماره (۲): بررسی تطبیقی دو نمونه موردی سبک بیوفیلیک

مؤلفه بیوفیلیک	پروژه آمستردام	پروژه ویتنام
کنتراست رنگ	استفاده از رنگ‌های خنثی همچون خاکستری طوسی ...	استفاده از رنگ‌های طبیعت به‌طور شاخص بمانند رنگ‌های سبز و قهوه‌ای
نور طبیعی	سقف شیشه‌ای و عبور نور طبیعی به مرکز حجم و نورگیر مرکزی	نور طبیعی از پنجره‌های محاطی حجم همراه با چشم انداز به طبیعت بیرون
میلان	میلان با الگو از سبک مدرن و با ترکیب چوب و فلز و کانسپت به شکل میز کار اشتراکی و اکسسوری مینیمال	میلان و اکسسوری فرم و الگو هندسی طبیعت دایره و نیم دایره با پلازای مرکزی با فرم دایره‌ای
مصالح و بافت	مصالح شیشه جهت شفافیت و عبور نور و فلز به شکل سازه نمایان در سقف و سنگ در کف	مصالح صنعتی و مدرن بمانند فلز و چوب
چشم انداز طبیعت	وجود حیاط مرکزی و قرارگیری گیاهان سبز جهت ایجاد چشم انداز طبیعی به تمام فضاهای داخلی پروژه	چشم انداز به طبیعت بیرون فضا با بازشوهای جانبی محاطی قابل دید به بیرون حجم
فرم هندسی طبیعت‌گرا	فرم‌های تیز گوشه و مربع شکل و عدم اجرای فرم هندسی طبیعت‌گرا	استفاده از فرم قوس و فرم‌های هندسی طبیعی در مرکز پلان مثل دستگاه پله و پاسیو و همچنین آرک‌های ورودی به هر بخش

خاک، گیاه، آب، سنگ، صداها و آواها طبیعی، فرم اشکال هندسی طبیعی، رنگ‌های شاخص طبیعت و مصالح و بافت‌های حس طبیعت‌گرا می‌باشند.

نتیجه‌گیری

رویکرد معماری بیوفیلیک برای تعامل انسان با طبیعت با توجه به جایگاه طبیعت در ذهن بشر است و صرفاً با پوشش سبز غیرقابل اعمال است. بیوفیلیک دقیقاً رابط مناسب بین کارمندان و محیط کار و ایجاد رضایت کارمندان نسبت به فضای کار و ساماندهی طراحی محیط کار می‌باشد. این ارتباط بین کاربران و محیط کار همان خللی است که پاسخ مناسب به ارضای نیازهای کاربران در محیط کار داده نمی‌شود و همین امر سبب نارضایتی شغلی و کاهش سلامت روان کارمندان در مرور زمان و ایجاد حس خستگی در روحیه آنان می‌شود.

ارتباط مناسب بین عامل‌های بیوفیلیک و واحد اداری و کیفیت سلامت روان در اکثر فضاهای کار مشاهده نمی‌شود اما با گذر زمان و بررسی فاکتورهای بیوفیلیک واحد

کار اشتراکی در آن باعث شده تا کارمندان و کاربران این واحد اداری راندمان و روحیه بسیار بالایی پیدا کنند و همین امر باعث چشم انداز طبیعی در مرکز پلان شده است و در مقابل چشم انداز طبیعی پروژه ویتنام به شکل دید از داخل به بیرون می‌باشد و از تفاوت‌های شاخص بین دو پروژه می‌باشد.

بحث و یافته‌ها

هر یک از نمونه‌های موردی و مطالعاتی دارای یکسری عناصر و ویژگی‌های منحصر به فرد در شکل‌گیری ارتباط مؤثر و بهتر، بین انسان و محیط پیرامون خود هستند که نقش بسزایی در این امر دارند. با توجه به مطالعات انجام شده عناصر و مؤلفه‌های کاررفته می‌توان گفت که در نمونه‌های معاصر، این سبک یعنی بیوفیلیک که خود یک سبک معاصر به شمار می‌آید، مهم‌ترین رکن، ارتباط‌گیری بین انسان و طبیعت و ایجاد حس آرامش در کاربران و ارتقای کیفیت محیط، استفاده از عناصر طبیعی بالأخص نور طبیعی و تهویه هوا مناسب و عنصرهای طبیعی مثل

اداری معاصر این ارتباط در حال قوی‌تر شدن می‌باشد.



شکل شماره (۸): راهکار اعمال مؤلفه‌های طراحی فضای

بیوفیلیک در محیط کار

یک واحد اداری بیوفیلیک به دلیل تأمین و ارضای نیازهای روانی و اولیه برای کاربران و کارمندان در آن فضا می‌تواند تأثیر به‌سزایی در ارتقای سلامت روان آنان به همراه داشته باشد و رضایتمندی شغلی و ماندگاری در فضا و بلاخص به مقصود رسیدن سازمان‌ها در شکل‌گیری ارتباط دوستانه کارمندان در فضای کار خود می‌شود و با توجه به ساعات طولانی قرارگیری انسان‌ها در فضای کار خود و تأثیر فضا بر خلق و خوی آنان می‌توان نتیجه گرفت که اکثر تنش‌ها و رفتار مردم در اجتماع از تأثیر رضایتمندی شغلی و محیط کار آنان برگرفته می‌شود. با تغییر کیفیت طراحی فضای کار در واقع می‌توان سلامت روانی جامعه را ارتقا داد. از نظری دیگر عوامل ۱. بهره‌گیری از نور طبیعی ۲. تهویه هوا مطلوب ۳. کنتراست رنگ به تناسب خنثی و شاخص ۴. استفاده از فرم و بافت‌های طبیعی و ۵. روابط مکان محور هندسی و جغرافیایی مکان مهم‌ترین فاکتورهای لازم برای شکل‌گیری ایجاد فضای بیوفیلیک در محیط کار جهت ارضای نیازهای روانی کاربران می‌باشد.

پیشنهاد طراح این است که ابتدا فضای داخلی مورد

نظر، با دقت تحلیل و بررسی شود و عوامل و مؤلفه‌های طبیعی و بیوفیلیک قابل بهره‌وری و موجود سایت مورد استفاده و اولویت قرار گیرد تا اینکه مؤلفه‌های دیگر بیوفیلیک اعمال شود. در ادامه پیش‌طرح‌های ارائه شده برای نظام‌مند بودن و طبیعت‌پذیر بودن بهتر است بر اصول خطوط تناسب و طلائی خود فرم و پلان باشد تا مؤلفه‌های بیوفیلیک به‌درستی در پلان جانمایی و طبیعت ذهن مخاطب را درگیر کند. نور طبیعی و تهویه هوا طبیعی از مؤلفه‌های بسیار مهم بیوفیلیک در فضا داخلی بلاخص در شهر اصفهان می‌باشد که در قسمت جنوب پلان بسیار مؤثرتر است. چنانچه پلان‌هایی با شرایط پلان وضع موجود پروژه و مساحت نسبتاً بالا و قابلیت اجرا نورگیر و حیاط مرکزی داشته باشد برای نور و تهویه مناسب‌تر در فضا پیشنهاد می‌شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد معماری داخلی در موسسه آموزش عالی دانش‌پژوهان اصفهان استخراج شده است. نویسنده بر خود لازم می‌داند مراتب تشکر صمیمانه خود را از استاد راهنمای محترم، خانم دکتر فرجامی، مدیر گروه موسسه دانش‌پژوهان که ما را در انجام ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام کنم.

فهرست منابع

- پورجوان، ن. (۱۳۸۴). سلامت روان یا سلامت روانی-اجتماعی (سمپوزیوم سلامت روانی-اجتماعی).
- ذبیحی، ح. حبیب، ف. و بیطرف، ا. (۲۰۱۷). نگرش بیوفیلیک رویکردی در ارتقا سطح کیفی محیط زندگی ساکنان مجتمع‌های مسکونی
- علی بیگی نژاد، م. و عامری صفات، ع. (۲۰۱۶). بررسی ویژگی‌های معماری بیوفیلیک در بناهای

- and practice of bringing buildings to life. New Jersey: John Wiley and sons, Inc.
- Kellert, S. Heerwagen, J. & John Wiley and Sons. (2008). *Biophilic Design: The Theory, Science And Practice Of Bringing Buildings To Life*.
 - Mangonea, G. Capaldi, c. & Luscuera, V. (2017). *Bringing Nature To Work: Preferences And Perceptions Of Constructed Indoor And natural outdoor workspaces*.
 - Shan, ., & gang Hwang, B. (2010). *Green Building Rating Systems: Global Reviews of Practices and Research Efforts*.
 - Sugiyama, T. (2021). *Office spatial design attributes, sitting, and face-to-face interactions: Systematic review and research agenda*.
 - Shafik Ramzy, N. (2014). *Biophilic qualities of historical architecture: In quest of the timeless terminologies of 'life' in architectural expression*.
 - Yin, J. yuana, j. arfaeia, n. Catalanoc, p. Al-lena, j. & Spenglera, j. (2020). *Effects of biophilic indoor environment on stress and anxiety recovery: A between-subjects experiment in virtual reality*.
 - Zaki, D., Almusaed, A., & Almssad Khal, A. (2006). *Biophilic architecture, the concept of healthy sustainable architecture*.
 - بومی ایرانی نمونه موردی: اقلیم گرم و خشک. نوربالا، ا. (۱۳۹۲). *سلامت روانی - اجتماعی و راهکارهای بهبود آن*.
 - Ayuso Sanchez, J. Ikaga, T. & Vega Sanchez, S. (2018). *Quantitative improvement in workplace performance through biophilic design: A pilot experiment case study*.
 - Al Horr, Y. Arif, M. Amit Kaushik, A. & Katafygiotou, M. (2016). *Occupant productivity and office indoor environment quality: A review of the literature*.
 - Ali El-Zeiny, R. (2011). *the interior design of workplace and its impact on employees' performance: a case study of the private sector corporations in egypt*.
 - Beck, M. Zhu, i. & Emamjo, A. (2019). *the potential of applying immersive virtual environment to biophilic building design: a pilot study*.
 - Demersa, c. parsaceea, m. marc hébertb, d. potvin, a. lalondec, f. & lalondec, f. (2019). *A photobiological approach to biophilic design in extreme climates*.
 - Esan, O. & HyunwookYoub, O. (2021). *how does the biophilic design of building projects impact consumers' responses – case of retail stores*.
 - Hyun Lee, S. (2019). *Effects of biophilic design on consumer responses in the lodging industry*.
 - Kellert, s. R. heerwagen, j. & Mador, M. (2008). *biophilic design, th etheory, science,*

عوامل مؤثر بر تخریب مراتع و شناسایی راهکارهای حفاظت از آن

آیداالادین وندی^۱

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۷۱ - ۹۰

چکیده

مراتع با مساحتی حدود ۲۵ درصد کل کره زمین و ۵۵ درصد مساحت کل ایران، در تأمین تولیدات دامی، امنیت غذایی، حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی، اشتغال‌زایی، افزایش درآمد روستاییان و عشایر، تقویت سفره‌های آب زیرزمینی، جلوگیری از سیل و ... نقش بسزایی را ایفا می‌نمایند تا جایی که از آن به‌عنوان عامل کلیدی توسعه پایدار کشورها یاد شود. با این وجود شواهد نشان می‌دهد مراتع طی سال‌های گذشته تاکنون با روند تخریبی فزاینده‌ای مواجه شده‌اند و این مهم صدمات جبران‌ناپذیری را برای جوامع انسانی به همراه دارد. پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع و شناسایی راهکارهای حفاظت از مراتع انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز از مطالعه ۶۰ مقاله داخلی و خارجی و همچنین سایت‌ها و گزارش‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تخریب مراتع یک چالش جهانی است که شدت آن در کشورهای درحال توسعه بیشتر است و عوامل متعددی در تخریب مراتع دخیلی هستند که متناسب با شرایط مکانی و زمانی حاکم بر کشورها و مناطق مختلف، این عوامل متفاوت هستند. از مهم‌ترین عوامل تخریب مراتع می‌توان به افزایش تعداد دام و عدم رعایت تناسب بین دام و مرتع، چرای زودرس، تغییر کاربری مراتع به اراضی زراعی، چرای طولانی، آتش‌سوزی، بوته‌کشی، مانور نظامی، احداث جاده و عملیات عمرانی، ضعف عوامل مدیریتی و قوانین و مقررات حفاظت از مراتع، خشکسالی، کاهش توان اقتصادی و فقر جوامع محلی، بی‌نظمی در بارش و کاهش نزولات جوی، عدم اجرای طرح‌های مرتعداری و توجه ضعیف به مشارکت مردم در تهیه و تدوین این طرح‌ها، عدم به‌کارگیری دانش بومی در حفاظت از مراتع و تجزیه بافت و ساختار اجتماعی سنتی و بومی بهره‌برداران، اشاره کرد. در نهایت بر اساس یافته‌های حاصل شده راهکارهایی برای حفظ از مراتع ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، منابع طبیعی، مرتع، تخریب و حفاظت مراتع.

۱. نویسنده مسئول: ayda.alahdini@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

اما با افزایش سطح زندگی، استفاده بی‌رویه و البته خارج از توان اکوسیستم‌های توسعه‌یافته و تخریب منابع طبیعی در نظر بهره‌برداران، متولیان و پژوهشگران نمود پیدا کرده است (کارگر و حیدری، ۱۳۹۴: ۱۴۲). به طوری که در چند دهه اخیر، شیوه‌های نادرست و نامناسب بهره‌برداری از منابع طبیعی موجب بروز لطمات شدیدی به عرصه‌های منابع طبیعی شده است (کریمی و شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۳۸). تخریب مراتع نه تنها تهدیدی برای سلامت اکولوژیک علفزارها و بوته‌زارها است بلکه می‌تواند کاهش کیفیت و کمیت مواد غذایی پوشش گیاهی در دسترس دام را (سوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۹۴) و افزایش ناهنجاری‌های محیطی از جمله سیل، آلودگی هوا، خشکسالی، فرسایش و کاهش سطح سفره‌های آب زیرزمینی را به دنبال داشته باشد (کاویان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۹). این در حالی است که جامعه بشری در زمان کنونی و آینده، برای ادامه حیات خویش بر روی کره زمین نیازمند بی‌چون و چرای منابع طبیعی به ویژه مراتع به عنوان حیاتی‌ترین بستر توسعه پایدار محیط‌زیست و پدیده‌های اکولوژیکی هستند (سواری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۰).

مراتع با پوشش حدود ۲۵ درصد از مساحت کل سطح زمین (Bolo et al, 2019: 2)، با کمک به تأمین معیشت میلیون‌ها انسان در سراسر جهان، کمک به پایداری اقتصادی و اجتماعی جوامع، فراهم کننده ریزمغذی‌های قابل دسترس که می‌توانند برای سلامتی افراد، به ویژه در مناطق کم درآمد، حیاتی باشند؛ ارائه دهنده خدمات مهم به اکوسیستم، از جمله حفظ تنوع زیستی، ذخیره‌سازی کربن (Godde et al, 2020: 1-2) و همچنین ارائه کالاها و خدمات متعدد ارزشمند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بیولوژیک بزرگی در

منابع طبیعی به عنوان بستر اصلی حیات موجودات زنده به‌ویژه انسان، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و از مهم‌ترین عوامل مؤثر در پایداری اقتصادی و اجتماعی جوامع به شمار می‌رود. نقش تعیین‌کننده منابع طبیعی در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی، فراهم کردن شرایط مناسب زیست‌محیطی و جلوگیری از بروز تغییرات اساسی در زیست‌بوم‌های مختلف است (شهرکی و بارانی، ۱۳۹۱: ۶۰). با وجود اینکه مراتع نقش بسزایی را در پایداری اکوسیستم از جمله غذا آب و وضعیت معیشت بسیاری از فقیران جهان دارند، تخریب روزافزون مراتع در سطح وسیعی از جهان، نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده است. حیوانات استفاده‌کننده از مراتع از ناامنی غذایی رنج می‌برند و جوامع فقیر که اغلب فاقد خدمات بهداشتی، تحصیلات و فرصت‌های مناسب اقتصادی هستند شرایط منزوی تری را تجربه خواهند کرد و نارضایتی آن‌ها بیشتر می‌شود (Bedunah and Angerer, 2012: 607).

در حال حاضر در اثر تعامل بدون برنامه و منفعت‌طلبانه جوامع بشری با محیط‌زیست، با چالش‌های زیست‌محیطی متعددی از جمله تخریب مراتع و جنگل‌ها مواجه هستیم تاجایی که بسیاری از سکونتگاه‌های انسانی کشورمان در اثر بروز این چالش‌ها، به سمت ناپایداری پیش می‌روند. چالش‌های مذکور با توجه به شرایط جغرافیایی و انسانی حاکم بر مناطق مختلف، دارای تنوع، قدرت و شدت متفاوتی هستند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۵). به طور کلی بهره‌برداری از منابع طبیعی از جمله مراتع تا زمانی که استفاده از سرزمین در حد توان اکولوژیک آن بوده، هیچ شکلی از انهدام و تخریب را به وجود نمی‌آورد؛

سطح محلی، ملی و جهانی (Fenetahun et al, 2018):
2) نقش کلیدی را در توسعه انسانی و طبیعی ایفا می‌نمایند. همچنین مراتع نقش کلیدی را در تعادل زیست‌بوم‌ها، ذخیره‌سازی و تولید آب، فرآورده‌های دارویی، صنعتی و غذایی، افزایش ارزش در اقتصاد خرد و کلان کشور و اشتغال‌زایی با صرف کمترین هزینه (کریمی و شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۳۸) ایفا نموده و به عنوان اساسی‌ترین عامل تولید در دامداری سنتی (دهداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸۳) و یکی از عوامل توسعه کشورها (سوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۹۴) شناخته می‌شوند. ایفای نقش حیاتی اقتصادی و اجتماعی در بقای معیشت جامعه روستایی و عشایر (حیبیان و بارانی، ۱۳۹۸: ۸۰۹)، تأمین علوفه، ذخیره نزولات جوی، تعدیل آب و هوا، تولید اکسیژن (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷)، تغذیه دام، جلوگیری از فرسایش خاک (شریفیان بهرمان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶)، از دیگر اهمیت‌های مراتع هستند.

در ایران به‌عنوان یکی از ۸ کشور دارای غنی‌ترین فلور گیاهی در جهان، از ۱۶۴ میلیون هکتار عرصه کشور ۸۳/۲ درصد آن را منابع طبیعی تجدیدشونده (الف: جنگل‌ها با مساحتی در حدود ۱۲/۴ میلیون هکتار (معادل ۷/۶ درصد از سطح ایران) ب) مراتع با مساحتی در حدود ۹۰ میلیون هکتار (معادل ۵۵ درصد مساحت کشور) و ج) اراضی بیابانی و کویری با سطحی در حدود ۳۴ میلیون هکتار (معادل ۲۰/۷ درصد مساحت کشور) به خود اختصاص داده است (انجمن مرتعداری ایران، ۱۳۹۹). همان‌طور که ملاحظه می‌شود مراتع کشور با وسعت ۹۰ میلیون هکتار حدود ۵۵ درصد از مساحت کشور را پوشانده است (دهداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸۳) و این مراتع در طول زمان از تخریب در امان نبوده‌اند و تخمین زده

می‌شود که در طول ۳ دهه گذشته، بیش از ۲۰ درصد از مراتع کشور از لحاظ کیفی و کمی تخریب شده‌اند. این حجم و درصد از تخریب، نسبت به کشورهای اروپایی و آمریکایی با شدت بیشتری رخ داده است (حقیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲). این در حالی است که تلاش‌های سازمان‌های مرتبط با منابع طبیعی به ویژه در کشورمان برای مهار بحران تخریب مراتع و احیاء این منابع تاکنون نتوانسته است به توفیق چندانی دست یابد (Liu et al, 2010: 511; Johnson et al, 2011: 1752).

با وجود اینکه مراتع خوب کشور درصد ناچیزی از کل مراتع را تشکیل می‌دهند، طی سال‌های اخیر مراتع این به دلیل اثرگذاری عوامل طبیعی و دخالت‌های بی‌رویه انسان و وابستگی مردم به این منابع دستخوش تغییرات زیادی شده است. دخالت‌های انجام گرفته موجب تغییرات زیادی از نظر فرم، تنوع و پوشش شده است. به طوری که در اثر افراط و تفریط عوامل مختلف آسیب‌های جدی و گاهاً جبران‌ناپذیری بر آن‌ها وارد شده است. با توجه به اهمیت حفاظت از مراتع در معیشت جامعه روستایی و عشایری، تنوع حیات وحش، تولید مواد اولیه دارویی، کمک به پاکیزگی هوا، زیبایی بخشیدن به منظر طبیعی و ... جلوگیری از تخریب این منابع و حفاظت از آن‌ها می‌تواند به بهبود عملکردهای مذکور مراتع در بخش‌های مختلف و همچنین پایداری این منابع منجر گردد. با توجه به مطالب عنوان شده محققان در پژوهش حاضر به دنبال بررسی سؤالات زیر هستند: وضعیت تخریب مراتع در به چه صورتی است؟ مهم‌ترین عوامل تخریب‌کننده مراتع کدام‌اند؟ و مهم‌ترین راهکارهای اجرایی حفاظت از مراتع کدام‌اند؟

روش پژوهش

تصویب قانون ملی شدن جنگل‌ها، مراتع و جنگل‌ها جزء اموال عمومی و متعلق به دولت قلمداد گردید (زه‌دی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۹۸).

منابع طبیعی تجدیدشونده که در واقع رکن اساسی توسعه پایدار در هر کشور به شمار می‌روند (لشگرآرا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶) و در یک تعریف ساده به مجموعه مواهب و ثروت‌های خدادادی اطلاق می‌شود که به رایگان در اختیار بشر قرار گرفته است (انجمن مرتعداری ایران، ۱۳۹۹). در تعریفی دیگر منابع طبیعی به مواد و موجودات زنده‌ای اطلاق می‌گردد که به‌طور طبیعی به وجود آمده و انسان در پیدایش آن دخالتی نداشته و در صورت استفاده درست هیچ‌گاه به پایان نخواهد رسید (جمشیدی و امینی، ۱۳۹۱: ۹۲).

اگر چه منابع طبیعی تجدیدشونده کشور به‌صورت یک پیکره واحد است، اما به لحاظ سیستم‌های بهره‌برداری و نظام‌های مدیریتی در کشور، در سه بخش متفاوت مورد توجه و ارزیابی قرار می‌گیرند. این سه بخش عبارت‌اند از: جنگل، مرتع و مناطق بیابانی (انجمن مرتعداری ایران، ۱۳۹۹)؛ بنابراین مراتع، از منابع طبیعی تجدیدشونده با استفاده‌های متنوع محسوب می‌شود. چرا که علاوه بر ارزش اقتصادی، به لحاظ تأثیرات حفاظتی که برای خاک و آب دارد نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد (حاجی شفیق و رزاقی، ۱۳۸۸: ۲۶).

مراتع به عنوان مناطقی از جهان تعریف می‌شود که علاوه بر تأمین علوفه مورد نیاز زیستگاه جانوری، معیشت جمعیت قابل توجهی از جامعه انسانی را نیز تأمین می‌نماید و ۴۰ تا ۵۰ درصد از مساحت کل زمین را شامل می‌شود (Al-bukhari et al, 2018: 2) در تعریفی دیگر مرتع^۱ زمینی است اعم از کوه، دامنه یا اراضی مسطح که در فصول رویش گیاهان دارای

این مطالعه با هدف با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع و شناسایی راهکارهای حفاظت از مراتع انجام شده است. روش حکم بر پژوهش کیفی حاضر، توصیفی - تحلیلی است برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، تکیه اصلی محقق بر منابع داخلی و خارجی (مقالات، گزارش‌ها و سایت‌های معتبر) مرتبط با موضوع مورد مطالعه بوده است. به این صورت که با مطالعه منابع مذکور، مطالب مد نظر فیش‌برداری شده و متناسب با بخش‌های مختلف پژوهش، از آن‌ها استفاده شده است. در نهایت ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در فضاهای مختلف جغرافیایی، راهکارهای حفاظت از مراتع شناسایی شده است.

مبانی نظری

تعاریف و مفاهیم

در رویارویی نابرابر انسان با طبیعت که از انقلاب صنعتی شروع شد، طبیعت به تدریج روبه زوال نهاد. اجرای برنامه‌های توسعه در دو سده عمر خود، اگرچه باعث ارتقاء و بهبود شرایط زندگی بشر گردید، اما با این حال چالش‌های زیادی این دستاوردها را در معرض تردید قرار داده است. نگاهی گذرا به روند توسعه در دهه‌های اخیر در کشور نشان می‌دهد تحولات خیره‌کننده در زمینه بهره‌برداری از منابع، انجام پروژه‌های عمرانی و رشد سریع شهری - صنعتی بدون توجه به آسیب‌های محیطی بوده است (نوروزی آورگانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۴). به همین دلیل موضوع مرتع و مرتع‌داری از اواخر دهه ۱۳۳۰ در قوانین جاری کشور، به‌طور جدی و مشخص مطرح و در پی آن تشکیلات مشخصی در بدنه دولت برای مدیریت مراتع شکل گرفت. با توجه بیشتر قانون‌گذاران به اهمیت منابع طبیعی، در سال ۱۳۴۱ با

1. Rangelands

پوششی از نباتات علوفه‌ای خودرو بوده و با توجه به سابقه بهره‌برداری مورد چرای دام قرار می‌گیرد. ممکن است مراتع دارای درختان جنگلی خودرو باشد که در این صورت مرتع مشجر نامیده می‌شود. همچنین مرتع به کلیه اراضی طبیعی که دارای پوشش گیاهی خودرو بوده و بتواند علوفه مورد نیاز دام‌ها را در فصل چرا تأمین نمایند گفته می‌شود.

بر اساس مطالعات انجام شده ارزش جهانی یک هکتار مرتع در سال، ۲۳۲ دلار برآورد شده است. ارزش‌های اکولوژیکی و زیست‌محیطی مراتع در ایران بین ۴ تا ۸ برابر ارزش علوفه تولیدی آن‌ها است. برخی از این ارزش‌ها عبارت‌اند از:

۱- حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش آن (۶۰ تا ۷۰ درصد)

۲- تنظیم گردش آب در طبیعت (۷۵ درصد روان آب‌های سطحی)

۳- حفظ ذخایر ژنتیکی گیاهی و جانوری (۸۰ تا ۸۵ درصد تنوع گونه‌ای کشور)

۴- ایجاد فضای سبز و تلطیف هوا

۵- تأمین علوفه مورد نیاز احشام عشایری و روستایی (حدود ۴۰ درصد علوفه مورد نیاز دام‌های کشور)

۶- تأمین بخشی از پروتئین مورد نیاز کشور (بالغ بر ۳۱ درصد گوشت قرمز تولیدی سالانه کشور)

۷- تولید محصولات نظیر گیاهان دارویی، صمغ‌ها و رزین‌ها

۸- اکوتوریسم

۹- تأمین غذا و مأمّن و حوش و پرندگان

۱۰- ترسیب کربن (انجمن مرتعداری ایران، ۱۳۹۹).

عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی با تأکید بر مراتع

در دهه‌های گذشته به دلیل وجود تعادل نسبی ما بین

جمعیت بهره‌بردار و سطح نیازهای اجتماعی، مسئله تخریب مراتع مطرح نبوده، اما با افزایش جمعیت که افزایش سایر نیازها به خصوص نیاز به مراتع را در پی داشت، موجبات تغییر در خصوصیات کیفی و کمی مراتع و نهایتاً کاهش توان اکولوژیک این منابع عظیم را سبب شد (امیری و ارزانی، ۱۳۸۸: ۶۸۱).

به این صورت که گسترش فعالیت‌های تولیدی اعم از بخش کشاورزی، منابع طبیعی و دیگر بخش‌های اقتصادی و رشد روزافزون جمعیت و تقاضا از یکسو و درهم ریختگی سامانه سنتی مدیریت جامع مراتع که از گذشته تا به امروز در چارچوب نظام سنتی بهره‌برداری می‌گردد از سوی دیگر و عدم جایگزینی مناسب برای آن، وضعیت نامناسبی را در این عرصه‌ها به وجود آورده است (دهداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸۴) و روی هم رفته مخاطرات ناشی از عوامل طبیعی و انسانی مراتع را به‌شدت در معرض تخریب قرار داده‌اند (Kedu, 2019: 260).

بر اساس مطالعات انجمن مرتعداری، مهم‌ترین عوامل تخریب منابع طبیعی در ایران را می‌توان در چهار محور اصلی زیر خلاصه کرد:

❖ رشد فزاینده جمعیت و فشار بیش از حد آن به منابع طبیعی.

❖ گسترش بی‌رویه شهرها و از بین رفتن عرصه‌های طبیعی در اثر ساخت و سازهای عمرانی - شهری.

❖ نبود دانش و آگاهی عمومی از اهمیت منابع طبیعی و جایگاه آن در زندگی اجتماعی.

❖ فقدان برنامه‌ریزی اصولی در خصوص حفاظت از عرصه‌های طبیعی کشور در سطوح بالای مدیریتی کشور (انجمن مرتعداری ایران، ۱۳۹۹).

بر اساس گزارش دبیرخانه کنوانسیون تنوع زیستی^۱

1. Secretariat of the Convention on Biological Diversity

دامداری در مراتع به عنوان منبع اقتصادی و فرهنگی بسیار مهمی برای جمعیتی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر از مردم سطح جهان محسوب می‌گردد. مراتع، عمده‌ترین منبع تغذیه و تعلیف دام‌ها در کشورهای فقیر محسوب می‌شوند و این در حالی است که دام خود به عنوان منبع مهم درآمدی و تغذیه‌ای در مناطق روستایی به شمار می‌رود (شریفیان بهرمان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶). این در حالی است یکی از مهم‌ترین عوامل تخریب مراتع در جهان، چرای مفرط دام است. بر اساس تعریف برنامه توسعه سازمان ملل چرای مفرط عبارت است از چرای تعداد زیادی از دام‌ها در مراتع بیش از ظرفیت قابل تحمل آن (جعفری و رضانی، ۱۳۹۱: ۳۰۵).

بررسی‌ها نشان می‌دهد خسارت ناشی از پدیده‌هایی مانند خشکسالی به مراتع و بهره‌برداران امری شناخته شده است. در شرایطی که در اغلب مراتع کشور به استناد آمار دام در طرح‌های مرتع‌داری، تعداد دام موجود بیش از ظرفیت مراتع حتی برای شرایط طبیعی است، تشدید تخریب پوشش گیاهی ناشی از خشکسالی و تسریع در روند زوال مراتع به‌وضوح آشکار می‌شود. کاهش وزن لاشه دام به دلیل فقدان تغذیه مناسب و در موارد خشکسالی‌های شدید تلفات دام، موجب کاهش درآمد بهره‌برداران مراتع شده و در نتیجه می‌تواند پیامدهای اجتماعی در پی داشته باشد (فیاض، ۱۳۹۶: ۱۲). همچنین بهره‌برداری بی‌رویه و عدم رعایت اصول علمی در مدیریت عرصه‌های مرتعی، پوشش و خاک را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۸) و از فقر، تعامل نامناسب بین بهره‌برداران، حکومت، سیاست‌ها و عوامل محیطی (Bedunah and Angerer, 2012: 607)، افزایش جمعیت انسانی و تعداد دام‌ها،

تغییر مدیریت سنتی مراتع و عدم وجود سیستم مناسب جایگزین آن، تبدیل مراتع به مزارع (Behmanesh 105-106: et al, 2016a) عدم استفاده دولت‌ها از مهارت و توانایی مردم در فرآیند مدیریت منابع طبیعی (Liu et al, 2010: 511; Johnson et al, 2011: 1752)، به عنوان عوامل تخریب مراتع یاد شده است.

سنجش تخریب مراتع

حفظ تنوع زیستی در اکوسیستم‌های مرتعی و جنگلی هدف غایی مدیریت منابع طبیعی و مراتع است. تنوع زیستی موجود در اکوسیستم مرتع به‌طور مستقیم تحت تأثیر ویژگی‌های رویشی و تنوع گونه‌های گیاهی آن قرار دارد که همواره متضمن پایداری این اکوسیستم در مقابل عوامل متغیر محیطی و زیستی است. بی‌شک از دست دادن هر یک از گونه‌های گیاهی یا جانوری، خسارت جبران‌ناپذیری برای تمام جهانیان در پی خواهد داشت. از این‌رو، حفاظت و حمایت از تمامی گونه‌های موجود می‌تواند مانعی در راه وقوع خسارات جبران‌ناپذیر باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳۵). همچنین فزونی روند تخریب مراتع، اهمیت ایجاد یک سیستم مدیریت پایدار و منطقی در حفاظت و بهره‌برداری از این اکوسیستم‌های شکننده را ضروری جلوه می‌دهد. بدون شک مدیریت هیچ منبعی بدون شناخت علمی و عمیق از آن میسر نیست (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۸).

تخریب مراتع به عنوان کاهش یا از بین رفتن موقت بهره‌وری بیولوژیکی و اقتصادی چمنزارها در مناطق خشک، نیمه‌خشک و خشک زیر مناطق مرطوب تعریف شده است (Roudgarmi, 2013: 12). بررسی‌ها نشان می‌دهد مفهوم کلی از تخریب مراتع که به‌طور یکنواخت در همه شرایط اعمال شود، وجود ندارد و لازم است فاکتور یا فاکتورهای تخریب تعریف

شود. بر اساس نظرات بعضی از محققان تخریب مراتع با کاهش پایداری بیولوژیکی و بهره‌وری اقتصادی در ارتباط با استفاده نادرست یا ناپایدار از اراضی و تأثیر این استفاده ناپایدار در هیدرولوژی، فرآیندهای خاک و ترکیب پوشش گیاهی مشخص می‌شود (Bedunah and Angerer, 2012: 607) و همچنین در مطالعات دیگری از فاکتور کاهش تولید علوفه خشک به عنوان عاملی کلیدی و نهایی بر سنجش تخریب مراتع استفاده شده است (قائم، ۱۳۸۱: ۶۶۵).

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت مراتع در ابعاد مختلف توسعه محلی، منطقه‌ای و ملی، در خصوص موضوع مورد مطالعه، پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در ادامه به نتایج این مطالعات پرداخته شده است. نتایج پژوهش قائمی (۱۳۸۱) با هدف شناسایی عوامل تخریب در مراتع استان آذربایجان غربی نشان داد زیادی تعداد دام، چرای زودرس، شخم و تبدیل مرتع به دیمزارهای کم بازده و بوته‌کنی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تخریب مراتع هستند. از نظر قیظوری و همکاران (۱۳۸۵) تغییر کاربری مراتع به اراضی زراعی، افزایش تعداد دام، چرای زودرس، چرای طولانی، آتش‌سوزی، بوته‌کنی، چرای شدید، مانور نظامی، احداث جاده و عملیات عمرانی، مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب مراتع استان کرمانشاه هستند. نتایج مطالعه انصاری و همکاران (۱۳۸۷) نشان داد مهم‌ترین عامل در تخریب منابع طبیعی کشور، عوامل مربوط به دام و دامداری شامل افزایش تعداد دام و دامدار، چرای بی‌رویه (چرای زودرس، چرای طولانی و چرای شدید یا خارج از ظرفیت) و تضادهای بین استفاده کنندگان از مراتع، قطع و برداشت شامل آتش‌سوزی، برداشت محصولات فرعی و بوته‌کنی و همچنین

تغییر کاربری‌ها و طرح‌ها شامل تغییر کاربری مراتع به معدن، زمین زراعی و باغی و استفاده عمرانی، هستند. نتایج پژوهش خلیقی و همکاران (۱۳۹۰) با هدف بررسی نقش مشکلات مدیریتی در تخریب و شخم غیرقانونی مراتع از دیدگاه ساکنان طایفه شش بلوکی ایل قشقایی واقع در شهرستان اقلید نشان داد مهم‌ترین عامل تخریب مراتع، تجاوز و تخریب مراتع از طریق شخم غیرقانونی است و این مسأله ناشی از مشکلات حقوقی (مانند کمیسیون ماده واحده و اعتراض به آن، کمیسیون ماده ۴، قانون فقهی کشت سبز و مشکلات قوانین مجازات) و چالش‌های ساختاری و مدیریتی (مانند مشاع بودن مراتع روستا و عشایر، عدم تثبیت ممیزی و مشکلات تنسيق مراتع، تعلل در پیگیری موضوع توسط سیستم قضائی، عدم کارائی سیستم قضائی در بحث‌های منابع طبیعی، مشکلات اجرای احکام و پاسگاه، مشکلات منابع طبیعی و در نهایت نفوذ بعضی ارگان‌ها و شخصیت‌ها، سخن‌های غیرتخصصی بعضی مسئولین و سیاست‌های کلی مملکت به عنوان محرک‌های تجاوز، تخریب و شخم مراتع) است. یافته‌های مطالعه رودگرمی و همکاران (۱۳۹۰) با هدف بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی استان تهران نشان داد تغییر کاربری اراضی مرتعی به کاربری‌های عمرانی و کشاورزی و کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌های منابع طبیعی، مهم‌ترین عوامل تخریب مراتع در محدوده مطالعاتی هستند.

شهرکی و بارانی (۱۳۹۱) با مرور چندین منابع داخلی و خارجی و انجام یک مطالعه میدانی در استان گلستان، مهم‌ترین عوامل تخریب مراتع را در جدول زیر خلاصه کرده‌اند.

نتایج پژوهش جمشیدی و امینی (۱۳۹۱) نشان داد

جدول شماره (۱): عوامل مؤثر بر تخریب مراتع (منبع: شهرکی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۴-۶۳)

عامل تخریب	شرح عامل
عوامل مدیریتی	سیستم چرای نامناسب
	بهره برداری غیراصولی از محصولات فرعی
	بهره برداری غیراصولی از معادن
	چرای زودرس (زودهنگام)
	چرای مفرط (شدید)
	عملیات اصلاحی نامناسب در مرتع
	ناکافی بودن آب در مرتع و توزیع نامناسب آن
	عدم تعادل بین مرتع و دامدار (یا افزایش دامدار)
	طولانی بودن چرا (خروج دیر هنگام)
	آتش سوزی عمدی در مرتع
	سوء مدیریت حاکم بر منابع طبیعی
	پراکنش نامناسب دام در سطح مرتع
	ترکیب نامناسب گله
تهیه آذوقه برای دام	
عوامل معیشتی	تعداد زیاد دام
	بوته کنی جهت سوخت و تأمین انرژی حرارتی
	شخم و تبدیل کاربری مرتع به زمین‌های زراعی
عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	افزایش جمعیت کل
	فقر فرهنگی
	پایین بودن فعالیت‌های آموزشی و ترویجی
	نزاع و دعوای قومی بین بهره برداران
	عدم سرمایه گذاری و انگیزه اقتصادی بهره برداران
فقر مالی و کاهش درآمد	
عوامل حقوقی و قانونی	ضعف قوانین در حفاظت از منابع طبیعی
	نامشخص بودن وضعیت مالکیت مراتع
	روند طولانی رسیدگی به جرائم متخلفان
عوامل طبیعی	انجام مانورهای نظامی
	میزان و توزیع نامناسب بارندگی
	خشکسالی
	وجود حشرات و آفات مرتعی
	بارش برف سنگین و تگرگ
وزش بادهای شدید	
سیل و رگبارهای شدید	

عوامل مستقیم انسانی (مانند چرای بیش از ظرفیت مرتع، چرای خارج از فصل، وجود دامداران غیرقانونی، عدم آگاهی دامداران از وضعیت مراتع و تبدیل مراتع به زمین‌های زراعی)، عوامل محیطی (مانند بارش‌های سیل آسا، بارش کم، تبخیر زیاد و ضعیف بودن بافت خاک)، عوامل غیرمستقیم انسانی (مانند سمکوب و فشرده شدن مرتع، نبود یا گران بودن مراتع مصنوعی یا طبیعی و اختلافات محلی و تعرض به حریم یکدیگر) و اجرای برنامه‌های موازی (مانند کمبود یا نبود نیروهای حفاظت از مراتع، مشخص نبودن مالکیت و عدم احساس مسئولیت، ایجاد و توسعه شرکت‌ها و بهره‌برداری صنعتی، توسعه حیات وحش و اجرای طرح‌های آبخیزداری)، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تخریب مراتع از نظر کارشناسان اداره منابع طبیعی در استان ایلام هستند. بر اساس یافته‌های مطالعه سعیدی گراغانی و همکاران (۱۳۹۳) چرای طولانی مدت دام، رقابت در بهره‌برداری، عدم احساس مالکیت، شیوه بهره‌برداری گروهی، دام بیش از حد، بوته‌کشی برای تأمین سوخت، تعداد زیاد بهره‌برداران، تغییر کاربری مراتع، چرای زودرس، مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب مراتع قشلاقی شهرستان عنبرآباد هستند. نتایج پژوهش کارگر و حیدری (۱۳۹۴) با هدف ارزیابی عوامل مؤثر در تخریب مراتع هراز در استان مازندران نشان داد تغییر کاربری اراضی مرتعی به کشاورزی، خشکسالی، تعدد بهره‌بردار، تأسیسات عمرانی، آتش‌سوزی و تعداد دام بیش از حد، به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب مراتع در محدوده مطالعاتی هستند. یافته‌های مطالعه باباذکری و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد عوامل سازمانی (نظارتی) (مانند نبود مدیریت قرق)، حمایتی (مانند حمایت کم دولت از بخش منابع

طبیعی) و اداری (مانند فساد اداری)، عوامل زیربنایی (مانند جاده‌سازی)، فرهنگی-اجتماعی (فرهنگ‌سازی ضعیف)، قانونی (مانند نبود اقدامات قانونی مناسب در مواجهه با تصرفات غیرقانونی)، اقتصادی (مانند فقر) و طبیعی (مانند خشکسالی)، مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب مراتع و جنگل‌ها در بخش مرکزی شهرستان دنا هستند. نتایج پژوهش غفاری و همکاران (۱۳۹۶) با هدف بررسی اثر شدت چرا بر ترکیب، تراکم و درصد تاج پوشش گیاهی و ویژگی‌های خاک در مراتع حریم روستای تولکلو در مغان نشان داد چرای شدید دام باعث کاهش درصد تاج پوشش کل، افزایش میزان خاک لخت، سنگ و سنگریزه افزایش، تغییر ترکیب گونه‌ای و در کل باعث ناپایداری اکوسیستم مرتعی شده است. یافته‌های پژوهش شریفیان بهرمان و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد کمبود منابع آب و پراکنش نامناسب منابع آبی در مراتع، خشکسالی، شرایط ادافیکی و زمین‌شناسی منطقه (شوری و عدم وجود زهکش در عرصه‌ها)، عدم تعلق خاطر بهره‌برداران نسبت به عرصه‌های مرتعی، سو نبودن فرهنگ مردم با فرهنگ منابع طبیعی و نبود برنامه‌های توسعه‌ای برای مراتع از جمله کمبود زیرساخت‌ها و عدم آینده‌نگری، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در شهرستان آق‌قلا هستند.

نتایج پژوهش دهقانی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد مدیریت ضعیف نهادهای متولی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب مراتع بخش مرکزی شهرستان روانسر واقع در استان کرمانشاه است. سواری و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای راهبردهای بهره‌برداری پایدار از مراتع در میان جوامع محلی واقع در شهرستان کرمان را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد فرهنگ بهره‌برداری ضعیف در زمینه پایداری مراتع،

بهره‌برداری بی‌رویه و غیراصولی، خشکسالی، کاهش توان اقتصادی و فقر جوامع محلی، از مهم‌ترین عوامل تخریب مراتع در محدوده مطالعاتی هستند. با این وجود احیای تعاونی‌های بهره‌برداران و واگذاری مراتع به آن‌ها با نظارت بر نحوه احیاء و بهره‌برداری، از مهم‌ترین اقداماتی است که در محدوده مورد مطالعه برای بهره‌برداری پایدار از مراتع صورت گرفته است. بر اساس یافته‌های مطالعه هادیان و همکاران (۱۳۹۸) بی‌نظمی در بارش و کاهش نزولات جوی، خشکسالی و بهره‌برداری بیش از حد از مراتع، از عوامل کلیدی تخریب مراتع در استان اصفهان هستند.

همچنین نتایج چند مطالعه دیگر نشان می‌دهد سیاست اسکان عشایر به‌واسطه چرای زودرس، کاهش محدوده و شعاع چرای دام، استفاده زمانی بیشتر از مراتع نسبت به قبل از اسکان، استفاده از مراتع برای استفاده گرمایشی، تغییر کاربری مراتع به کاربری‌های زراعی و باغی و ... (ضیاء توانا و توکلی، ۱۳۸۶)، توجه ضعیف به مشارکت مردم در تهیه و تدوین طرح‌های مرتع‌داری (فمی و همکاران، ۱۳۸۹)، عدم برخورد با متخلفین و وجود گریزگاه‌های قانونی و حتی قانون‌های حمایتی و همچنین مشکلات مدیریتی و ساختاری هم در ادارات منابع طبیعی و هم سیستم قضائی (خلیقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۲)، چرای زودرس و عدم رعایت تناسب میان دام و مرتع (کریمیان، ۱۳۹۰)، خشکسالی (جابرالانصاری و همکاران، ۱۳۹۱)، عدم اجرای طرح‌های مرتعداری (دهداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۹۱)، عدم رعایت تناسب میان دام و مرتع و عدم رعایت زمان مناسب چرا دام (امیری لمر و مرادمند جلالی، ۱۳۹۳)، افزایش تعداد دام‌ها، چرای سنگین، تغییر کاربری مراتع و چرای زودرس (کاویان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴)، بهره‌برداری به صورت مالکیت

مشاعی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴)، فقر مالی و کاهش درآمد، رقابت در افزایش تعداد دام و تغییر کاربری اراضی (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵)، فقر (داودی فارسانی و نوری‌پور، ۱۳۹۵)، چرای دام (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶)، افزایش فشار ناشی از بهره‌برداری (قربانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸۲)، افزایش تعداد دام و عدم رعایت تناسب میان دام و مرتع (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶)، ضعف قوانین و مقررات مرتع‌داری (زه‌دی و همکاران، ۱۳۹۷)، استخراج معادن در محدوده مراتع (احمدی و شفیعی، ۱۳۹۷)، بارش کم، چرای بی‌رویه دام، شخم مراتع در جهت شیب به‌منظور تصاحب آن، دیم کاری (سوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۹۴)، چرای مفرط دام، چرای خارج از فصل، آتش‌سوزی، تغییر کاربری اراضی مرتعی به زراعت و انجام عملیات غیراصولی کشت (شخم در جهت شیب، آتش زدن بقایای گیاهی، مصرف بیش از حد کودهای شیمیایی و استفاده از خیش خاک برگردان) (قیطوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۷۳)، از مهم‌ترین عوامل و فرایندهای تخریب مراتع در مناطق مختلف ایران هستند.

نتایج پژوهش هان^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در خصوص تخریب مراتع در چین نشان داد چرای زیاد و توسعه بیش از حد زراعت از عوامل اصلی تخریب مراتع در چین هستند و تغییرات آب و هوایی نیز تشدید کننده این مشکلات هستند.

نتایج پژوهش هو و آزادی^۲ (۲۰۱۰) با هدف بررسی تخریب مراتع در شمال چین از دیدگاه بهره‌برداران نشان داد ضعف دانش، آگاهی و ادراکات مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در محدوده مورد مطالعه است.

1. Han

2. Ho and Azadi

نتایج پژوهش رودگرمی^۱ (۲۰۱۳) با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در استان تهران نشان داد تغییر کاربری مراتع به اراضی کشاورزی و مسکونی، مهم ترین عامل تخریب مراتع در محدوده مطالعاتی بوده است.

نتایج پژوهش بهمنش^۲ و همکاران (۲۰۱۶b) در خصوص عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در شمال شرقی ایران نشان داد عدم به کارگیری دانش بومی در حفاظت از مراتع یکی از مهم ترین عوامل تخریب مراتع در محدوده مطالعاتی است.

نتایج پژوهش البخاری^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در خصوص عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در کشور لیبی نشان داد عوامل طبیعی و انسانی از جمله خشکسالی شدید، چرای بیش از حد و افزایش تعداد دام، شیوه های نادرست کشاورزی، سوء مدیریت، شیوع آتش سوزی فصلی و فرسایش بادی و آبی، بوته کنی برای تأمین سوخت تأثیرات عمیقی را بر تخریب مراتع گذاشته اند و در این میان تأثیرات عامل انسانی بیشتر بوده است.

نتایج پژوهش فتاهون^۴ و همکاران (۲۰۱۸) در خصوص عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در اتیوپی نشان داد تغییرات آب و هوایی، چرای بیش از حد، فشارهای ناشی از عوامل انسانی و دامها، خشکسالی و سیاست دولت، مهم ترین عوامل تخریب مراتع هستند.

نتایج پژوهش کدو^۵ (۲۰۱۹) در خصوص علل و اثرات تجزیه مراتع در مناطق فقیرنشین منطقه اکو بالی در جنوب شرقی اتیوپی نشان داد تغییر کاربری مراتع به کاربری های کشاورزی، کشت غیرقانونی و چرای بیش از حد دام، مهم ترین علل تخریب مراتع در

محدوده مطالعاتی هستند.

نتایج پژوهش بولو^۶ و همکاران (۲۰۱۹) در خصوص عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در آفریقا نشان داد مراتع در اثر دخالت عوامل انسانی و طبیعی مانند تغییرات آب و هوایی خشکسالی، بیابان زایی، تهاجم گونه های گیاهی بیگانه، توسعه فعالیت های کشاورزی و اجرای برنامه ها و پروژه های توسعه، رقابت بر سر چرای زیاد، تجزیه بافت و ساختار اجتماعی بهره برداران و سیاست های دولت، در معرض تهدید و تخریب مداوم قرار گرفته اند. نتایج پژوهش گوده^۷ و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد تغییرات آب و هوایی (تغییر اقلیم) یکی از مهم ترین عوامل تخریب مراتع در کشورهای مختلف جهان است.

راهکارهای حفاظت از مراتع

مقابله با عوامل تخریب مراتع و تلاش در جهت احیاء آن گام اساسی در مدیریت پایدار آن است و علی رغم اقدامات انجام گرفته دولت برای کنترل عوامل تخریب، حفظ و احیاء منابع طبیعی، اثرات ناشی از تخریب همچنان به عنوان یک عامل محدودکننده رشد و توسعه کشور به حساب می آید (کاوایان پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۹). به همین جهت تدوین راهبردهای حفاظت و بهره برداری پایدار از این منابع به عنوان ضرورتی بنیادی بیش از پیش احساس می گردد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۰)

مدیریت صحیح و اتخاذ روش های مناسب احیاء مراتع به منظور مدیریت اصولی مراتع مستلزم داشتن اطلاعات و دانش کافی در خصوص اکوسیستم های طبیعی است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴۷). بررسی های نشان می دهد در مناطق و کشورهای مختلف متناسب با تعامل میان بهره برداران، محیط طبیعی و شرایط

6. Bolo
7. Godde

1. Roudgarmi
2. Behmanesh
3. Al-bukhari
4. Fenetahun
5. Kedu

- اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، عوامل مختلفی در تخریب مراتع دخیل هستند و محققان متناسب با یافته‌های مطالعات خود، راهکارهایی را برای حفاظت و حراست از مراتع ارائه داده‌اند؛ که در ادامه به مواردی از این راهکارها اشاره شده است:
- اجرای طرح مرتع‌داری (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۳)
- برگزاری کلاس‌های آموزشی بیشتر به‌ویژه با استفاده از شیوه‌های آموزشی همچون استفاده از بحث گروهی
- اجرای طرح مرتع‌داری
- برقراری ارتباط مستمر و کارآمد با کارشناسان و متخصصان منابع طبیعی و جهاد کشاورزی (حاجی شفیعی و رزاقی، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۶)
- قرق‌بندی مراتع (سوری و همکاران، ۱۳۹۷b: ۹۱۸)
- بیمه مراتع (فیاض، ۱۳۹۶: ۱۲)
- توجه کارشناسان به دانش بومی و روش‌های سنتی حفاظت از مراتع
- کمک به روستاییان و جامعه عشایری برای تأمین امکانات و خدمات مورد نیاز از جمله منابع انرژی جهت کاهش تخریب مراتع
- کمک در تأمین اعتبارات و تسهیلات لازم برای سرمایه‌گذاری در اصلاح و احیای مراتع توسط دولت با مشارکت مستقیم بهره‌برداران
- کاهش فشار بهره‌برداری از مراتع از طریق فراهم نمودن مشاغل جایگزین مانند زنبورداری، کاشت گیاهان دارویی و ...
- افزایش سطح آگاهی و دانش بهره‌برداران
- اجرای طرح مرتع‌داری (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲۱)
- تجدید نظر در شیوه بهره‌برداری از مراتع به صورت
- مالکیت مشاعی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲۳)
- تهیه دقیق برنامه‌های آمایش سرزمین
- افزایش ظرفیت مورد نیاز کارشناسی و پرسنلی حفاظت از منابع طبیعی و مراتع
- در نظر گرفتن گزینه‌های جانبی برای کسب درآمد بهره‌برداران
- تأمین سوخت و انرژی مورد نیاز دامداران (رودگرمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۸)
- اقدام به اندازه‌گیری سطوح منابع طبیعی از طریق روش‌های نوین و سریع مانند استفاده از تصاویر ماهواره‌ای حداقل در دوره‌های ۵ ساله برای مشخص شدن و علت‌یابی تغییرات ایجاد شده نسبت به دوره‌های قبلی (انصاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۰۱)
- توجه بیشتر به تنظیم زمان ورود دام به مراتع، مدیریت چرا و نظام دامداری
- تمرکز بیشتر دستگاه‌های متولی منابع طبیعی بر روی مسائل مربوط به دام و دامداری (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۲۱)
- مشارکت دادن بهره‌برداران در تهیه و اجرای طرح‌های مرتع‌داری
- واگذاری قانونی مراتع به بهره‌برداران با توجه به وابستگی بهره‌بردار به مراتع و همچنین به منظور بهره‌برداری بهینه و مدیریت چرا (دادرسی و سبزواری، ۱۳۸۱: ۱۲۰۲)
- کاهش فقر، بهبود معیشت و رفاه جامعه به‌عنوان زیربنای توسعه مشارکت جوامع
- توانمندسازی جوامع محلی و تشکل‌ها با استفاده از ابزارهای آموزشی و مهارت‌آموزی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۸)
- طرح‌های مرتعداری

- کمک‌های اقتصادی دولت
- تشکیل تعاونی مرتعداری
- افزایش نظارت دستگاه‌های ذی‌ربط
- کاهش تعداد بهره‌بردار و دام
- استفاده از محصولات فرعی مرتع به عنوان منابع جدید مالی
- رعایت سیستم‌های چرای متناسب
- کلاس‌های آموزشی و ترویجی (سعیدی گراغانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۰)
- اجرای طرح مرتعداری با مشارکت فعال بومیان
- قرار دادن بذر لازم در اختیار مرتع‌داران برای مشارکت آن‌ها در بذرپاشی و بذرکاری توسط سازمان جنگل‌ها و مراتع
- برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی حفاظت از مراتع توسط مروجان منابع طبیعی
- اعتمادسازی و جلب اعتماد مرتع‌داران از طریق تأمین و تخصیص امکانات و خدمات مورد نیاز مرتع‌داران (لشگرآرا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶)
- توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی بهره‌برداران در سطح بسیار پایین‌تر از ملی یا منطقه‌ای یعنی در سطح محلی و سامان عرفی در برنامه‌ریزی‌های مدیریتی مراتع (رئوفی راد و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۹۰)
- تعیین تعداد بهره‌برداران از مراتع و مشخص کردن سهم هر یک
- توسعه مشاغل خارج از مرتع و افزایش درآمد خانوارها
- اصلاح و بهبود ترکیب گله‌های گوسفند و بز و اصلاح نژاد دام‌ها
- اجرای برنامه‌های اصلاح و احیایی مراتع (برقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵۵)
- طرح‌ریزی، اجرا و نظارت طرح‌های مرتعداری
- (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۴۰)
- آموزش اجرای پروژه‌های مرتعداری با شفافیت هر چه بیشتر، جلب اعتماد و مشارکت بهره‌برداران (Bedunah and Angerer, 2012)
- دست کم نگرفتن اهمیت مراتع برای دولت‌ها و مردم
- قانون‌های حمایتی جامع و کارآمد
- توجه به دانش علمی برای توسعه مدیریت منابع طبیعی
- پشتیبانی فنی کافی
- سرمایه‌گذاری کافی برای بازیابی و توسعه مراتع از سوی دولت (Han et al, 2008: 237).
- استفاده از دانش بومی در تدوین برنامه‌ها و استراتژی‌های جدید برای احیای مراتع تخریب شده (Behmanesh et al, 2016a: 111).
- افزایش هماهنگی بین جامعه محلی و جامعه علمی برای مدیریت پایدار مراتع با استفاده از تکنیک‌های مدیریت با استفاده از تکنولوژی‌ها جدید (Fenetahun et al, 2018: 13)
- تلاش برای احیای مراتع تخریب شده
- احیای مجدد مرتع از طریق کاشتن بذر
- اجرای عملیات آبخیزداری
- نظارت، ارزیابی و ردیابی تغییرات پوشش گیاهی و سلامت مراتع
- اتخاذ تصمیمات مدیریتی آگاهانه و مؤثر
- استفاده از تکنیک‌های نظارت میدانی، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور به دلیل اهمیت آن‌ها در نظارت و ارزیابی مراتع در سطح جهان (Bolo et al, 2019: 15)
- برگزاری دوره‌های آموزشی حفاظت از مراتع در حوضه‌های مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی (Ho)

نتیجه‌گیری

اهمیت منابع طبیعی از جمله مراتع تا حدی است که از به‌عنوان بستر اصلی حیات موجودات زنده و مهم‌ترین عامل پایداری اکوسیستم و پایداری اقتصادی و اجتماعی یاد می‌شود. مراتع نقش بسزایی را در تأمین معیشت میلیون‌ها انسان در سراسر جهان، فراهم‌کننده ریز مغذی‌های قابل دسترس که می‌توانند برای سلامتی افراد، به ویژه در مناطق کم درآمد، حیاتی باشند؛ ارائه دهنده خدمات مهم به اکوسیستم، از جمله حفظ تنوع زیستی، ذخیره‌سازی کربن، تعادل زیست‌بوم‌ها، ذخیره‌سازی و تولید آب، فرآورده‌های دارویی، صنعتی و غذایی، افزایش ارزش در اقتصاد خرد و کلان کشور و اشتغال‌زایی با صرف کمترین هزینه ایفا نموده و به‌عنوان اساسی‌ترین عامل تولید در دامداری سنتی و یکی از عوامل توسعه کشورها شناخته می‌شوند. ایفای نقش حیاتی اقتصادی و اجتماعی در بقای معیشت جامعه روستایی و عشایر، تأمین علوفه، ذخیره نژولات جوی، تعدیل آب و هوا، جلوگیری از فرسایش خاک ایفا می‌نمایند. با این وجود بر اثر تعامل بدون برنامه و منفعت‌طلبانه جوامع بشری از مراتع، این موهبت الهی با روند فزاینده‌ای در حال تخریب است. به طوری که مراتع را به‌سوی ناپایداری سوق می‌دهد. از پیامدهای تخریب مراتع می‌توان به افزایش ناهنجاری‌های محیطی از جمله سیل، آلودگی هوا، خشکسالی، فرسایش و کاهش سطح سفره‌های آب زیرزمینی اشاره کرد و همچنین کاهش درآمد، کاهش تعداد دام، از بین رفتن تنوع شغلی، مهاجرت، ناامنی غذایی، نزاع‌های قومی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و ...

از پیامدهای انسانی تخریب مراتع است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تخریب مراتع متناسب با شرایط جغرافیایی و انسانی حاکم بر مناطق مختلف، دارای تنوع، قدرت و شدت متفاوتی هستند است و این مهم نیازمند مطالعات عمیق در خصوص تخریب و حفاظت از مراتع در سطوح مختلف جغرافیایی است. لذا پیشنهاد می‌شود در عرصه مختلف کشور مطالعات دقیق و منسجمی صورت گیرد که طی آن عوامل مؤثر بر تخریب مراتع در فضاهای مختلف جغرافیایی شناسایی شود و متناسب با عوامل مخرب شناسایی شده، راهکارهای عملیاتی و اجرایی برای حفاظت از مراتع ارائه شود.

در مجموع با توجه به نتایج حاصل شده راهکارهای زیر برای حفاظت از مراتع ارائه می‌شود:

- ❖ اجرای طرح مرتع‌داری و احیای مراتع توسط دولت با مشارکت مستقیم بهره‌برداران
- ❖ برقراری ارتباط مستمر و کارآمد با کارشناسان و متخصصان منابع طبیعی و جهاد کشاورزی
- ❖ قرق‌بندی مراتع
- ❖ استفاده از دانش بومی در تدوین برنامه‌ها و استراتژی‌های جدید برای حفاظت و احیای مراتع
- ❖ کمک به روستاییان و جامعه عشایری برای تأمین امکانات و خدمات مورد نیاز از جمله منابع انرژی جهت کاهش تخریب مراتع
- ❖ کاهش فشار بهره‌برداری از مراتع از طریق فراهم نمودن مشاغل جایگزین مانند زنبورداری، کاشت گیاهان دارویی و ...
- ❖ افزایش سطح آگاهی و دانش بهره‌برداری
- ❖ تجدید نظر در شیوه بهره‌برداری از مراتع به صورت مالکیت مشاعی
- ❖ افزایش ظرفیت مورد نیاز کارشناسی و پرسنلی

حفاظت از منابع طبیعی و مراتع

- ❖ اقدام به اندازه‌گیری سطوح منابع طبیعی از طریق روش‌های نوین و سریع مانند استفاده از تصاویر ماهواره‌ای حداقل در دوره‌های ۵ ساله برای مشخص شدن و علت‌یابی تغییرات ایجاد شده نسبت به دوره‌های قبلی
- ❖ توجه بیشتر به تنظیم زمان ورود دام به مراتع، مدیریت چرا و نظام دامداری
- ❖ واگذاری قانونی مراتع به بهره‌برداران با توجه به وابستگی بهره‌بردار به مراتع و همچنین به منظور بهره‌برداری بهینه و مدیریت چرا
- ❖ توانمندسازی جوامع محلی و تشکل‌ها با استفاده از ابزارهای آموزشی و مهارت‌آموزی
- ❖ تشکیل تعاونی مرتعداری
- ❖ قرار دادن بذر لازم در اختیار مرتع‌داران برای مشارکت آن‌ها در بذریاشی و بذرکاری توسط سازمان جنگل‌ها و مراتع
- ❖ اعتمادسازی و جلب اعتماد مرتع‌داران از طریق تأمین و تخصیص امکانات و خدمات مورد نیاز مرتع‌داران
- ❖ اصلاح و بهبود ترکیب گله‌های گوسفند و بز و اصلاح نژاد دام‌ها
- ❖ توجه به دانش علمی برای توسعه مدیریت منابع طبیعی
- ❖ سرمایه‌گذاری کافی برای بازیابی و توسعه مراتع از سوی دولت
- ❖ اجرای عملیات آبخیزداری
- ❖ استفاده از تکنیک‌های نظارت میدانی، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور به دلیل اهمیت آن‌ها در نظارت و ارزیابی مراتع در سطح جهان.

فهرست منابع

- احمدی، فرزاد و شفیعی، فاطمه. (۱۳۹۷)، بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از استخراج معادن و میزان اثرگذاری آن بر وضعیت معیشت مرتع‌داران (مطالعه موردی: مراتع شهرستان قروه - استان کردستان)، نشریه حفاظت زیست‌بوم گیاهان، ۶ (۱۳)، ۹۰-۷۷.
- افتخاری، علیرضا؛ ارزانی، حسین؛ زندی اصفهان، احسان و علیزاده، اسماعیل. (۱۳۹۵)، مقایسه وضعیت مراتع دارای طرح با مراتع فاقد طرح (مطالعه موردی: منطقه زرنیدیه، استان مرکزی)، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۲۳ (۲)، ۲۱۸-۲۰۹.
- امیری، فاضل و ارزانی، حسین. (۱۳۸۸)، مدیریت مراتع بر اساس ظرفیت چرای و شاخص پوشش گیاهی (مطالعه موردی: مراتع نیمه خشک قره آقاج)، فصلنامه مرتع، ۳ (۴)، ۶۹۸-۶۸۰.
- امیری لمر، مسعود و مرادمند جلالی، عقیل. (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی (مطالعه موردی: حوضه ۹ سفارود)، نشریه توسعه پایدار جنگل، ۱ (۴)، ۳۲۰-۳۰۹.
- انجمن مرتعداری ایران. (۱۳۹۹)، آموزش مفاهیم پایه - آشنایی با رشته منابع طبیعی و گرایش‌های آن، موجود در سایت: <http://iransrm.ir>
- انصاری، ناصر؛ سیداخلاقی شال، سیدجعفر و قاسمی، محمدحسن. (۱۳۸۷)، عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور و سهم آن‌ها در تخریب، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۱۵ (۴)، ۵۲۴-۵۰۸.
- انصاری، ناصر؛ فیاض، محمد و قاسمی، محمدحسن. (۱۳۸۷)، برآورد میزان تخریب کمی و

- کیفی مراتع ناحیه ایران - تورانی از طریق سنجش و شاخص پیشنهادی، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۱۶ (۳)، ۲۹۳-۳۰۴.
- باباذکری، فاطمه؛ نوری پور، مهدی و شریفی، زینب. (۱۳۹۵)، شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر در تخریب مراتع و جنگل ها: مورد مطالعه بخش مرکزی شهرستان دنا، مجله تحقیقات جنگل های زاگرس، ۳ (۲)، ۶۶-۴۳.
- برقی، حمید؛ شفیع، بهمن و حجاریان، احمد. (۱۳۹۸)، بررسی محدودیت ها و توانمندی های استفاده از مراتع استان کرمانشاه توسط روستاییان، مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۷۲ (۳)، ۶۵۶-۶۴۳.
- بیات، مینا؛ ارزانی، حسین؛ جلیلی، حسین و قلیچ نیا، حسن. (۱۳۹۷)، تأثیر شرایط اقلیمی بر روی تاج و پوشش و تولید علوفه مراتع نیمه استپی (مطالعه موردی: پلور و رینه - استان و مازندران)، مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۷۱ (۲)، ۳۷۸-۳۶۷.
- جابریانصاری، زهرا؛ خداقلی، مرتضی؛ برهانی، مسعود و ارزانی، حسین. (۱۳۹۱)، بررسی تغییرات تولید مراتع استپی استان اصفهان با استفاده از شاخص بارش استاندارد شده، مجله مهندسی و مدیریت آبخیز، جلد ۴، ۲، ۱۰۲-۹۴.
- جعفری، رضا و رمضانی، نفیسه. (۱۳۹۱)، کاربرد شاخص تنوع طیفی در ارزیابی تخریب مراتع استان خراسان شمالی، مجله مرتع، ۶ (۴)، ۳۱۱-۳۰۴.
- جمشیدی، علیرضا و امینی، امیرمظفر. (۱۳۹۱)، ارزیابی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع از نظر کارشناسان اداره منابع طبیعی در استان ایلام، نشریه حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی، ۱ (۴)، ۱۰۵-۹۱.
- حاجی شفیع، شکرناز و رزاقی، محمدحسین. (۱۳۸۸)، بررسی دیدگاه مرتع داران استان سمنان پیرامون روش های مناسب ترویجی در جلوگیری از تخریب مراتع، مجله ترویج و اقتصاد کشاورزی، ۲ (۲)، ۳۸-۲۵.
- حبیبیان، سید محمدرضا و بارانی، حسین. (۱۳۹۸)، بررسی اولویت بندی عوامل مؤثر بر مدیریت چرا با استفاده از روش AHP در مراتع عشایری استان فارس، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۲۶، ۴، ۸۲۳-۸۰۹.
- حسین زاده، عسگر؛ حیدری، قدرت اله؛ بارانی، حسین و زالی، حسن. (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر تعداد دام بهره برداران بر وضعیت مراتع (مطالعه موردی: عشایر شاهسون شهرستان مشکین شهر)، فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۲۴ (۳)، ۵۲۳-۵۱۳.
- حقیان، ایمان؛ بهروشیان، حسین و ابوطالبی، مجید. (۱۳۹۵)، تحلیل عوامل مؤثر بر به کارگیری عملیات حفاظت از مراتع در استان خراسان رضوی شهرستان بردسکن، مجله مهندسی اکوسیستم بیابان، ۵ (۱۱)، ۳۲-۲۱.
- حیدری، قدرت اله؛ سالار، روح اله؛ قربانی، اردوان و باقری، اصغر. (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر نظام بهره برداری مشاعی در تخریب مراتع بیلاقی شهرستان نوشهر، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۲۲، ۳، ۵۱۵-۵۲۴.
- حیدری، قدرت اله؛ رستگار، شفق و فروتنی، بهزاد. (۱۳۹۳)، ارزیابی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در مدیریت پایدار مراتع (مطالعه موردی: مراتع بیلاقی دشت بهار استان همدان)، نشریه مرتعداری، ۱ (۲)، ۱۱۰-۸۹.
- خلیقی، میرمنصور؛ آذرنیوند، حسین؛ مهربانی، علی

- اکبر و شامخی، تقی. (۱۳۹۰)، نقش مشکلات مدیریتی در تخریب و شخم غیرقانونی مراتع، مجله مرتع، ۵ (۱)، ۱۰۸-۹۱.
- دادرسی، ابوالقاسم و سبزواری، ناهید. (۱۳۸۱)، مشارکت مردمی در مدیریت و بهره‌برداری از مراتع حجت آباد و رحمت آباد شهرستان سبزوار، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۹ (۲۳)، ۱۲۰۲-۱۱۹۷.
- داودی فارسانی، الهه و نوری پور، مهدی. (۱۳۹۵)، بررسی رابطه فقر روستایی و تخریب مراتع بخش مرکزی شهرستان فارس، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۵ (۱۵)، ۷۸-۶۹.
- دهداری، سمیه؛ ارزانی، حسین؛ موحد، حمید؛ زارع چاهوکی، محمدعلی و شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۹۳)، کاربرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در مقایسه وضعیت بهره‌برداری مراتع طرح دار و بدون طرح شهرستان سمیرم، فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۲۱ (۳)، ۳۸۳-۳۹۳.
- دهقانی، امین؛ موسوی، میرنجف و جمینی، داود. (۱۳۹۷)، شناسایی چالش‌های زیست‌محیطی در سکونتگاه‌های روستایی و ارزیابی عملکرد نهادهای متولی در مدیریت آن‌ها (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان روانسر)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۸ (۳۲)، ۶۸-۵۱.
- رحمانی، حمید؛ عصری، یونس؛ رمضان، مهدی؛ خراسانی، نعمت‌الله و معروفی حسین. (۱۳۹۵)، تأثیر تغییر کاربری اراضی مرتعی به دیم زار از دیدگاه تنوع گونه‌ای گیاهی (مطالعه موردی: اراضی مرتعی شهرستان دهگلان، کردستان)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۸، ویژه‌نامه شماره ۲، ۴۴۴-۴۳۳.
- رودگرمی، پژمان؛ انصاری، ناصر و فراهانی، ابراهیم. (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی استان تهران، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۱۸، ۱، ۱۷۱-۱۵۱.
- رئوفی‌راد، ولی‌الله؛ حیدری، قدرت‌الله؛ آزادی، حسین و قربانی، جمشید. (۱۳۹۵)، ارزیابی آسیب‌پذیری، راهکاری برای مدیریت پایدار مراتع (مطالعه موردی: مراتع قشلاقی شهرستان آران و بیدگل استان اصفهان)، مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۶۹ (۴)، ۸۹۳-۸۷۷.
- زهدی، مهدی؛ ارزانی، حسین؛ جوادی، سیدعلی اکبر؛ جلیلی، عادل و خورشیدی، غلامحسین. (۱۳۹۷)، بررسی اثربخشی قوانین و مقررات مرتع‌داری در ایران، فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۲۵، ۴، ۹۱۰-۸۹۸.
- سعیدی گراغانی، حمیدرضا؛ حیدری، قدرت‌الله و احمدی، حمزه. (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر در تخریب مراتع از دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان منابع طبیعی (مطالعه موردی: مراتع قشلاقی شهرستان عنبرآباد)، نشریه مرتعداری، ۱ (۴)، ۱۱۵-۱۰۰.
- سواری، مسلم؛ اسکندری دامنه، حامد و عوض‌پور، لیلا. (۱۳۹۸)، تدوین راهبردهای بهره‌برداری پایدار از مراتع در میان جوامع محلی مطالعه موردی شهرستان کرمان، نشریه مرتع، ۱۳ (۲)، ۳۳۶-۳۱۹.
- سوری، مهشید؛ غایب، مینا و معتمدی، جواد. (۱۳۹۷)، تحلیل فرا رتبه‌ای مراتع مستعد تخریب حوزه آبخیز نوشان استان آذربایجان غربی، مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، دوره ۷۱، شماره ۲، ۴۰۴-۳۹۳.
- سوری، مهشید؛ فیاض، محمد؛ کمالی، نادیا و ناطقی، سعیده. (۱۳۹۷ b)، تغییرات عملکرد مراتع قشلاقی

- زیت بوم گیاهان، ۵ (۱۰)، ۱۹۶-۱۷۵.
- فمی، شعبانعلی؛ فهام، الهام؛ فتاحی، رجبعلی؛ مریدالسادات، پگاه و ملکی پور، راحیل. (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مرتعداران در طرح‌های مرتعداری (مطالعه موردی: مراتع شهرستان تفرش)، مجله مرتع، ۴ (۴)، ۶۰۸-۵۹۸.
- فیاض، محمد. (۱۳۹۶)، بیمه مراتع، راهکاری برای مدیریت خشکسالی در مراتع کشور، طبیعت ایران، جلد ۲، ۶، ۱۵-۱۲.
- قاسمی، مجید؛ حیدری، قدرت الله؛ رستگار، شفق و کوهستانی، نعمت اله. (۱۳۹۵)، تحلیل عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر در تخریب مراتع قشلاقی (مطالعه موردی: شهرستان جویبار-استان مازندران)، نشریه حفاظت زیست بوم گیاهان، ۳ (۸)، ۶۲-۴۹.
- قائمی، میرطاهر. (۱۳۸۱)، شناسایی عوامل تخریب در مراتع و تعیین سهم هر یکی از آن‌ها در تخریب، تحقیقات مرتع و بیابان، ۹ (۲)، ۶۷۲-۶۶۱.
- قربانی، اردوان؛ پورنعمتی، اردشیر؛ پورعلی، امین؛ بدرزاده، میکائیل و تیمورزاده، علی. (۱۳۹۶)، ارزیابی تخریب مراتع بر اساس افزایش فاصله از کانون‌های بحران در دامنه‌های شمالی مراتع سبلان، فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۲۴، ۳، ۵۹۵-۵۸۱.
- قیطوری، محمد؛ انصاری، ناصر سنگدل، عباسعلی و حشمتی، مسیب. (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر در تخریب مراتع استان کرمانشاه، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۱۳، ۴، ۳۲۳-۳۱۴.
- قیطوری، محمد؛ حشمتی، مسیب و پرویزی، یحیی. (۱۳۹۸)، اثربخشی عملیات اصلاح مراتع بر بهبود پوشش گیاهی (مطالعه موردی: جلگه نفت‌خانه قصرشیرین استان کرمانشاه)، نشریه علمی تحقیقات
- تحت تأثیر عملیات مدیریت مرتع (مراتع قشلاقی کلات سادات آباد سبزوار)، نشریه علمی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۲۵، ۴، ۹۲۲-۹۱۱.
- شریفیان بهرمان، ابوالفضل؛ بارانی، حسین و شرافتمندراد، محسن. (۱۳۹۷)، بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر تخریب مراتع از دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان (مطالعه موردی: مراتع شهرستان آق‌قلا)، نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی، جلد ۷، ۱، ۱۴۱-۱۲۵.
- شهرکی، محمدرضا و بارانی، حسین. (۱۳۹۱)، بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع استان گلستان، نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی، جلد ۱، ۳، ۷۸-۵۹.
- ضیاء توانا، محمدحسن و توکلی، جعفر. (۱۳۸۶)، اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال و بختیاری: مطالعه موردی: شهرک‌های عشایری شرمک، چلگرد و لشتر، فصلنامه روستا و توسعه سال ۱۰، ۲، ۶۲-۳۲.
- غفاری، سحر؛ قربانی، اردوان؛ ارجمند، کلام الله؛ تیمورزاده، علی؛ هاشمی مجد، کاظم و جعفری، سیما. (۱۳۹۶)، اثر شدت چرا بر ترکیب، تراکم و درصد تاج پوشش گیاهی و ویژگی‌های خاک در مراتع حریم روستای تولکلو مغان، نشریه مرتع، ۱۱ (۴)، ۴۵۹-۴۴۶.
- غفاری، سحر؛ قربانی، اردوان؛ ارجمند، کلام اله؛ تیمورزاده، علی؛ هاشمی مجد، کاظم؛ جعفری، سیما و دبیری، روح الله. (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر شدت چرای دام بر برخی مشخصه‌های پوشش گیاهی و فیزیکوشیمیایی خاک (مطالعه موردی: مراتع سامان روستای کلش، استان اردبیل)، نشریه حفاظت

- مرتع و بیابان ایران، جلد ۲۶، ۳، ۷۷۲-۷۸۵.
- کارگر، منصوره و حیدری، قدرت الله. (۱۳۹۴)، ارزیابی عوامل مؤثر در تخریب مراتع با استفاده از روش تحلیل مسیر (مطالعه موردی: مراتع هراز، استان مازندران)، نشریه حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی، جلد ۴، ۲، ۱۵۶-۱۴۱.
- کاویان پور، امیرحسین؛ بارانی، حسین و قربانی، اردوان. (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر تخریب حوزه‌های آبخیز از دیدگاه مدیران و متخصصان منابع طبیعی کشور، نشریه ترویج و توسعه آبخیزداری، ۳ (۱۰)، ۱۴-۹.
- کریمی، جلیله و شریف‌زاده، مریم. (۱۳۹۶)، تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری مورد مطالعه دهستان گل تپه، شهرستان سقز، فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۲۴ (۱)، ۲۴۸-۲۳۸.
- کریمیان، علی اکبر. (۱۳۹۰)، تأثیر شیوه‌های مختلف بهره‌برداری بر وضعیت مراتع زمستانه (مطالعه موردی: استان سمنان)، پژوهش‌های روستایی، ۲ (۲)، ۱۱۰-۹۵.
- کریمی، کبری؛ کرمی دهکردی، اسماعیل و بادسار، محمد. (۱۳۹۵)، نقش جوامع روستایی در حفاظت از مراتع در شهرستان ماهنشان، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۳ (۱)، ۲۱-۱.
- لشگرآرا، فرهاد؛ داورپناه، مجیدرضا و جوادی، سیداکبر (۱۳۹۴)، شناسایی عوامل مؤثر در عدم مشارکت مرتع داران در اجرای طرح‌های مرتعداری شهرستان کهگیلویه، مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۶۸ (۱)، ۶۶-۳۵.
- نوروزی اورگانی، اصغر؛ نوری، سیدهدایت اله و شایان، سیاوش. (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل اثرات
- توسعه بر محیط با کاربرد مدل تخریب (مطالعه موردی: شهرستان بروجن، استان چهارمحال و بختیاری)، جغرافیای و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۵ (۵۴)، ۱۹۰-۱۶۹.
- نوروزی، علی؛ حقیان، ایمان و شیدای کرکج، اسماعیل. (۱۳۹۸)، طرح‌های مرتعداری و سلامت مرتع (مطالعه موردی: مراتع شهرستان تربت حیدریه)، مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۷۲ (۴)، ۱۱۴۵-۱۱۳۱.
- هادیان، فاطمه؛ جعفری، رضا؛ بشری، حسین و ترکش، مصطفی. (۱۳۹۸)، مدل‌سازی تخریب مراتع نیمه‌استپی استان اصفهان با استفاده از تصاویر مودیس، سنجش از دور و GIS در ایران، ۱۱ (۳)، ۲۰-۱.
- Al-bukhari, A, Hallett, S and Brewer, T (2018), A review of potential methods for monitoring rangeland degradation in Libya, Pastoralism: Research, Policy and Practice, 8(13), pp: 2-14.
- Bedunah D.J. and Angerer, J.P (2012), Rangeland Degradation, Poverty, and Conflict: How Can Rangeland Scientists Contribute to Effective Responses and Solutions, Rangeland Ecol Manage 65, pp: 606-612.
- Behmanesh, B, Abedi Sarvestani, A, Shara-fatmandrad, M, Shahraki, M.R and Hajili-Davaji, A (2016a), Assessment of Rangeland Degradation Indicators using Exploiters' View between Authorized and Unauthorized Exploiters (Case Study: Saryqmish Winter Rangelands, Golestan Province, Iran), Des-

- agement in China, *The Rangeland Journal*, Vol 30, pp: 233–239.
- Ho, P and Azadi, H (2010), Rangeland degradation in North China: Perceptions of pastoralists, *Environmental Research*, Vol 110, pp: 302–307.
 - Johnson, N, Ravnborg, H.M, Westerman, O. and Prodst, K. 2011. User participation in watershed management and research, *Journal of Water Policy*, 3: 507-520.
 - Kedu, A (2019), Causes and Effects of Rangeland Degradation in the Lowland Districts of the Bale Eco-Region, Southeastern Ethiopia, *Journal of Rangeland Science*, Vol 9, No 3, pp: 259-276.
 - Liu, J, Yun, L, Liya, S, Zhiguo, C, and Baoqian, B. 2010. Public Participation in Water Resources Management of Haihe River Basin, China: The Analysis and Evaluation of Status Quo, *Journal of Environmental Sciences*, 2(1):1750- 1758.
 - Roudgarmi, P (2013), Determining effective socio-economic factors in rangeland degradation: A case study of Tehran province, Iran, *Range Mgmt. & Agroforestry* 34(1), pp: 12-18.
 - ert, 21 (2): pp: 105-113.
 - Behmanesh, B, Barani, H, Abedi Sarvestani, A, Shahraki, M.R and Sharafatmandrad, M (2016b), Rangeland degradation assessment: a new strategy based on the ecological knowledge of indigenous pastoralists, *Solid Earth*, Vol 7, pp: 611–619.
 - Bolo, PO, Sommer, R, Kihara, J, Kinyua, M, Nyawira, S and Notenbaert, A (2019), Rangeland degradation: Causes, consequences, monitoring techniques and remedies. Working Paper. CIAT Publication No. 478. International Center for Tropical Agriculture (CIAT). Nairobi, Kenya. 23 p. Available at: <https://hdl.handle.net/10568/102393>.
 - Fenetahun, Y, Xu, X and Wang, Y (2018), Assessment of Range Land Degradation, Major Causes, Impacts, and Alternative Rehabilitation Techniques in Yabello Rangelands Southern Ethiopia. Review paper, Preprints 2018, 2018070198 (doi: 10.20944/preprints201807.0198.v1).
 - Godde, CM, Boone, R.B, Ash, A.J, Waha, K, Sloat, L.L, Thornton, P.K and Herrero, M (2020), Global rangeland production systems and livelihoods at threat under climate change and variability, *Environmental Research Letters*, Vol 15, pp: 1-15.
 - Han, J. G, Zhang, Y. J, Wang, C. J, Bai, W. M, Wang, Y.R, Han, G.D and Li, L.H (2008), Rangeland degradation and restoration man-

The affective factors on pastures destruction and identifying its protection approaches

Ayda Alaaldinvandi

PhD student in Geography and rural planing, Department of Geographical science and planing , University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Pastures which cover around 25 and 55 percent of total area of the Earth and Iran, respectively, play a significant role in supplying livestock production, food security, protecting natural ecosystem, job creation, increasing the income of villagers and nomads, amplification of underground water reservoir, flood prevention and so on. These cause pastures to be referred as a key factor for sustainable development of countries. This present descriptive-analytical research is conducted with the aim of identifying the affective factors on pastures destruction and their protection approaches. The required information for studying 60 domestic and foreign articles as well as sites and relevant reports are gathered. The results reveal that several factors are involved in deterioration of pastures which can have different effects based on location and temporal conditions of various countries and regions. The most important factors are the increase of number of livestock and the absence of balance between livestock and pastures, premature grazing, transforming pastures to agricultural lands, continuous grazing, fire, bush cutting, military maneuvers, road construction and construction operations, weak management factors and the absence of effective dissuasive laws and regulations for pastures protections, drought, reduction of economic power and poverty of local communities, irregularities in and decrement of rainfalls, non-implementation of rangeland plans and insufficient attention to people's cooperation in preparation of such plans, lack of local knowledge utilization in pastures protection and decomposition of traditional and native social structures of beneficiaries. Finally, based on the findings, some solutions for pastures protection are proposed.

Keywords: Sustainable development, Natural source, Pastures, Destruction and protection of pastures

The effect of Biophilic in the office space to improve mental health

Mehdi Sadat

Master's student of Interior architecture, Daneshpajooohan Pishro Higher Education Institute (DHEI), Isfahan, Iran

Ghazal Farjami

Ph.D. in Interior architecture, Faculty member of Daneshpajooohan Pishro Higher Education Institute (DHEI), Isfahan, Iran

Abstract

After housing, the office space is the most important space of daily life and determines the morale and mental health of its employees. Humans need nature more than ever, both mentally and physically. A need that has always been linked to human creation. Therefore, biophilic design helps architecture in order to respond to this human need to establish contact with nature, and biophilic design is a theory, the purpose of which is to continue a person's relationship with nature in daily environments, i.e. life and work. The main goal of this research, titled the effect of biophilic in the office unit to improve mental health, is to analyze and analyze how the biophilic design affects people, which can help to improve mental health and reduce harm in office spaces. To write this research from the descriptive-analytical method and by reviewing the library documents, the obtained results show that biophilic design has a positive effect on job performance and health damage in the workplace, and you will notice that health and stress are also investigated. An example of external items and modeling it with the help of biophil components is an optimization and use of natural light and the inspiring sound of nature and a suitable and neutral color that induces a sense of nature and texture and nature-oriented form for more quality in the work space. And I can show administrative and social activities between man and nature and reduce existing stress and tensions.

Key words: Biophilic approach, office space, Mental health, Interior design

Investigating the differences between the Armenian houses of Jolfa in Isfahan and the Muslim houses; A case study of the houses of Khajah Patros and Sukias

Mohammad Manouchehr

Master of Art Philosophy, Khorasgan Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstrac:

Apart from housing, houses can have other different functions such as the platform for various social, cultural and political activities. In addition, the construction of houses and its internal and external facades are affected by the social, climatic, political and cultural situations of the region and its residents, and this is the reason why there is a great variety in terms of the appearance of houses in different places, as well as a special style in a region. we are witness. One of the important features of Isfahan is the presence of Armenians in the Jolfa area of Isfahan, who are culturally different from other residents of Isfahan, i.e. Muslims, and the question arises as to how this differentiation of culture in the context of Isfahan with the dominant culture of Islam can be found in Isfahan. Armenian houses have been revealed. This article investigates these aspects of distinction and commonality by examining two houses of Khajah Patros and Sukias house. What is clear in this study is that the Armenians of Jolfa, Isfahan, although for some reasons, built their houses influenced by the houses of Isfahan; But they have also imposed their cultural characteristics on their houses, which is more noticeable in its interior.

Keywords: Jolfa neighborhood of Isfahan, architectural style of Armenian houses, architectural style of Muslim houses

Investigating quantitative and qualitative indicators of housing in Khomeinishahr county Isfahan

Mehdi Ebrahimi Bozani

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Payam Noor University, Tehran, Iran

Jafar Ganjali

Faculty Member of Geography department, Payam Noor University, Tehran, Iran

Mohammad Rezaei

Master's student in Geography and urban planning, Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

The growth of the urbanization process in the world has brought many issues and problems, including the lack of housing. In order to solve the issues and problems of the housing sector, it is necessary to examine the status of various indicators in this sector, because based on it, the priorities of actions and programs can be determined. After the need for food and clothing, housing is the most important human need, and its lack and poor quality affects all aspects of people's lives, and its lack of provision causes many basic problems in various aspects of life. Housing is the most important element of the city, which is of great importance in the sustainable development of the city, because the development of housing, in addition to the environment, also affects the economy, culture, and social issues. Sustainable housing is considered an important matter in order to increase and improve the quality of life of the current and future generations. Scientific investigation and analysis of quantitative and qualitative issues of housing requires the use of housing indicators. Housing indicators represent the economic, social, cultural and physical conditions of settlements. Housing indicators also form the main foundation of a comprehensive plan. Today, attention to the housing sector is felt more and more in the form of national, regional and urban planning, so that the problems and problems of the citizens can be solved by using planning knowledge and techniques. In this regard, the present research was conducted with the aim of investigating the quantitative and qualitative indicators of housing in Khomeinishahr city in the period of 1375-1395.

This research is of an applied type in terms of its purpose, and in terms of its nature and research method, it is a descriptive-analytical research type, and in terms of its information gathering method, it is a library and documentary research type. The indicators examined in this research include 10 quantitative indicators (density of people per residential unit, density of households per residential unit, average room per residential unit, density of people per room, density of households per room, rooms per household, number of residential units per thousand people, number of rooms per thousand people, lack of residential units, ratio of increase of households to residential units) and 4 quality indicators (life of residential unit, ratio of suitable housing in terms of durability of buildings and their materials, manner of occupying residential units and facilities and facilities of residential units). The required information is mainly obtained from the results of the general population and housing censuses and the statistical yearbooks of Isfahan province.

Investigating the quantitative indicators of housing in Khomeini Shahr shows the improvement of the housing situation in all the studied indicators, so that the indicators of population density in a residential unit and household density in a residential unit are from 5.64 and 1.25, respectively. In 2015, it was improved to 3/39 and 1/04 in 2015. The average index of a room in a residential unit increased from 26.3 in 1375 to 56.3 in 1395, and the indices of density of people in a room and density of households in a room increased from 1.73 and 0.38 in 1375, respectively. It reached 0.95 and 0.29 in 2015. The room index for each household has increased from 2.61 in 1375 to 3.42 in 1395, and the indicators of the number of residential units per thousand people and the number of rooms per thousand people are 177.29 and 577.18 per year. 1375 and 295/35 and 1051/82 in 1395 also had an upward trend. Also, the housing unit shortage index has also improved, and decreased from 19.77% in 1375 to 12.21% in 1385 and 3.91% in 1395, which shows the adequate supply of housing in It has been during the last 20 years. Based on the calculations, it was found that the housing situation in Khomeini Shahr city in terms of qualitative indicators also had a favorable trend in most of the investigated indicators, and the only qualitative index that decreased was the index of the occupation of residential units. In such a way that the occupation of the arena and nobles (land and buildings) has decreased from 74.06% in 1375 to 72.54% in 1385 and 62.66% in 1395. The ratio of suitable housing or durable residential units (durability of buildings and their materials) has increased from 70.04% in 1375 to 86.26% in 1385 and 91.92% in 1395. In terms of the life index of residential units, more than 50% (53.42%) of the houses and residential units of Khomeini Shahr city have been built in the last 20 years. In terms of the index of the percentage of housing facilities, the amount of residential units benefit from electricity, piped water, piped gas and landline telephone from 94.35%, 87.68%, 25.07% and 36.09%, respectively. It has increased to 99.86%, 99.54%, 99.63% and 89.74% in 2015.

Keywords: Quantitative and qualitative indicators, Housing planning, Khomeinishahr

Investigating the impact of upgrading and improvement in informal settlements Case study : (Zeinabiyah Isfahan)

Farnaz Taheri

MA in Geography and Urban Planning, Payam Noor University, Isfahan, Iran

Ramin Amininezhad

Assistant professor of Urban planning and Geography, Social science faculty, Payam noor
University, Tehran, Iran

Abstract

This research was conducted with a quantitative and qualitative approach and is mainly descriptive and analytical and based on the use of statistical method, library documentary method and surveys. In document studies, available internal and external sources related to informal settlement and accreditation and improvement in informal settlement and existing reports and analyzes about Zainabiyah neighborhood have been used. Also; in survey and field studies, the interview questionnaire and observation of the physical, social and economic condition of Zainabiyah neighborhood have been used. After extracting the sample population using Cochran's formula, 384 questionnaires were filled among the residents of Zainabiye neighborhood and 15 questionnaires were filled among the employees of urban organizations (Esfahan Regional Municipality; Isfahan Civil and urban Development Organization) and the data obtained in the software SPS statistical analysis was tested, and Spearman's statistical test was also used to test the data. based on the result in the first assumptions of Spearman's correlations between the variable of central participation and the improvement of part of Zainbiye neighborhood at a significant level and with 0.000 and with 95% confidence it can be said that there is a relationship is the effective factor in the improvement and improvement of Zainbiye neighborhood of Isfahan. In the second hypothesis Spearman's correlation between the variable of awareness and the improvement of Zainabiyah neighborhood is at significance level of 0.000 and with 95% confidence, it can be said that there is a significant relationship between these variables. The intensity of the relationship between the variable 921.0 which shows that there is a direct and positive relationship between the variable that is awareness is an effective factor in the promotion and improvement of Zainbiye neighborhood of Isfahan. In the third hypothesis, Spearman's correlation between the variable of institutionalization and the improvement of Zainabiyah neighborhood is at a significant level of 0.000 and with 95% it can be said with confidence that there is a significant relationship between these variables, the intensity of the relationship between the variables is equal to 878.0 which indicates a direct and positive relationship between the variables, that is, the satisfaction of the residents is an effective factor in the improvement of Zainabiye neighborhood of Isfahan. in the fourth hypothesis of Spearman's correlation between the variable of resident's satisfaction and the accreditation and improvement of zainabiyah neighborhood at a significant level of 0.000 and 95% confidence it can be stated that there is a significant relationship between the variables. the intensity of the relationship between the variable is equal to 878.0 which indicates a direct and positive relationship. The direction of the bartender is an effective and improvement of the neighborhood.

Keywords: empowerment; upgrading and improvements; informal settlements; Zainabiye neighborhood in Isfahan

Explaining the effectiveness of city planning rules and regulations in sustainable development (District 3 city of Isfahan)

Hamid Ghadiri Modares

Ph.D in Urban Planning, Isfahan District 9 Municipality, Isfahan, Iran

Abstract

Being on the path towards sustainable development is the most central principle to realize a suitable and desirable future for the cities and metropolises of the country. Rules and regulations of urban development is the most important component of shaping urban settlements. This indicates that the more the implementation of these rules in the matter of construction is observed, the quality of the foundation and body of urban settlements will be higher and accordingly, the wave of migration of citizens due to dissatisfaction with the physical quality of the residence will be prevented. Preventing inappropriate migration of citizens is directly related to preserving resources and moving towards sustainable development. In this research, the rules and regulations of urban development are divided into ten components: frontage and balcony rules, parking rules, footpath rules, height rules, access and crossing rules, user rules, facade rules and urban landscape rules, disability adaptation rules, area and occupation level rules, the standards of supervision and lighting spaces were divided and reflected in the citizens' questionnaire. The level of satisfaction of the citizens of the third district of Isfahan with the implementation of these criteria was investigated by a questionnaire and with a 5-option Likert scale. The results of the questionnaire using the sample t-test showed that according to the average answer of 3, the significance level of the variables was less than 0.05 and the level of satisfaction of the citizens with the implementation of the urban planning regulations in the target area was lower than the normal level and this caused an increase The tendency of citizens to immigrate indiscriminately and ultimately use God's resources and facilities without a plan, especially in the construction industry, is against the principles of moving towards sustainable development. Therefore, the necessary solutions for the optimal effectiveness of urban development rules and regulations in the 3rd district of Isfahan and moving towards sustainable development should be explained.

Key words: Criteria and regulations of urban development, Sustainable development, Effectiveness, Satisfaction, Isfahan's district 3

Index of articles

Explaining the effectiveness of city planning rules and regulations in sustainable development (District 3 city of Isfahan) 5

Hamid Ghadiri Modares

Investigating the impact of upgrading and improvement in informal settlements Case study : (Zeinabiyah in Isfahan) 15

Farnaz Taheri, Ramin Amininezhad

Investigating quantitative and qualitative indicators of housing in Khomeinishahr county Isfahan) 27

Mehdi Ebrahimi Bozani, Jafar Ganjali, Mohammad Rezaei

Investigating the differences between the Armenian houses of Jolfa in Isfahan and the Muslim houses; A case study of the houses of Khajah Patros and Sukias) 47

Mohammad Manouchehr

The effect of Biophilic in the office space to improve mental health) 59

Mehdi Sadat, Ghazal Farjami

The affective factors on pastures destruction and identifying its protection aproaches) 71

Ayda Alaaldinvandi

Journal of Space and Place Researches

Number 20, Fall 2021



Concessionaire: Academic Center for Education Culture
and Research

Director responsible: Mehdi Zhianpour

Chief editor: Mohamad Masoud

Specialized secretary: Ehsan Ranjbar

Editorial board:

Nematullah Akbari, Hamed Bakhshi, Frozandeh Jafar-
zadehpour, Ali Hassani, Nematullah Fazeli, Mahmoud
Ghalenoey, Mohammad Masoud, Mehdi Montazer al
Hojjah, Morteza Mirgholami

Administration Manager: Khatere Amiri

Editorial director: Elham Ghasemi

Executive director: Reyhaneh Sajadi

Persian editor: Saeedeh Harandizadeh

English editor: Rezvan Zafari

Cover designer: Erfan Gholami

Sketch on the cover: Ziba Azar

Layout: Jafare Khoddady

Dedicated site: www.jspr.ac.ir

Email: jsprjdisf@gmail.com

License no. 78539 of the Ministry of Culture and Islamic Guidance

ISSN: 2538-6050

Quarterly articles will be displayed in the following databases:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

Journal of Space and Place Researches

Volume 4, NO 20, Fall 2021

- Explaining the effectiveness of city planning rules and regulations in sustainable development (District 3 city of Isfahan)
- Investigating the impact of upgrading and improvement in informal settlements
Case study : (Zeinabiyah in Isfahan)
- Investigating quantitative and qualitative indicators of housing in Khomeinishahr county Isfahan)
- Investigating the differences between the Armenian houses of Jolfa in Isfahan and the Muslim houses;)A case study of the houses of Khajah Patros and Sukias(
- The effect of Biophilic in the office space to improve mental health
- The affective factors on pastures destruction and identifying its protection approaches



ISSN: 2538-6050